

# نبرد خلق

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی

### دغدغه های ولی فقیه

مهدی سامع

«دولت از یک طرف تعالی و تقویت ارزشها را مدنظر قرار داده است و از طرف دیگر با فضایی که در جامعه است به ناچار باید دست به عصا حرکت کند.» (از سخنان جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران)

در ماه گذشته ولی فقیه نظام دو بار برای حمایت از احمدی نژاد و نجات گماشته اش از گرداب بحرانهای درونی به منبر رفت. بار اول در دیدار با اعضای هیات دولت و بار دوم در نماز جمعه تهران.

روز یکشنبه ۳ شهریور ۱۳۸۷ محمود احمدی نژاد همراه با وزیرایش به دیدار آیت الله خامنه ای رفتند تا وی برای آینده آنان تعیین تکلیف کند.

خامنه ای در این دیدار سخنانی ایراد کرد که برای شناخت تضادها و بحرانهای درونی نظام قابل تامل است. وی با حمله به مخالفان احمدی نژاد گفت: «برخی از این افراد مغرض نیستند بلکه کم اطلاع یا بی اطلاع هستند، برخی هم غرضهای شخصی و سطحی دارند، اما بعضی، یا

از اول امام را قبول نداشته اند و یا در وسط راه با انقلاب دچار مشکل شده اند، به همین علت با غرضهای عمقی و کینه امام، به تخریب دولت نهم مشغولند.» این برای بار چندم است که ولی فقیه رژیم به طور قاطع از احمدی نژاد حمایت کرده و مخالفان او را مورد حمله قرار می دهد. اما

خامنه ای برای اولین بار طی دوران ولایتش تکلیف انتخابات آینده را هم تعیین می کند. این تعیین تکلیف برای آینده آن چنان بی سابقه بود که هم سایت خامنه ای و هم سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ساعاتی پس از انتشار سخنرانی ولی فقیه آن بخش از آن را که برای انتخابات

آینده تعیین تکلیف کرده بود را حذف کردند. خامنه ای گفت: «فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه... مثل کسی که پنج سال دیگر بناسد کار بکند، کار بکنید، یعنی تصور کنید که این یک سال به اضافه چهار سال دیگر در يد مدیریت شماسست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه ریزی کنید و اقدام کنید.»

بقیه در صفحه ۲

## به صف هموطنان کرد در

### حمایت از زندانیان سیاسی

#### پروژه یکدست سازی

#### اعتصابی بیونديم

منصور امان

یک سال پیش از سر رسیدن هنگام تعیین مجدد هویت سکاندار قوه مجریه، آیت الله خامنه ای، ولی فقیه جمهوری اسلامی طاس خود را روی دایره ی به شدت درهم ریخته ی بازی ریخت. او در سخنانی دوپهلوی، آقای احمدی نژاد، گماشته ی خویش بر مسند ریاست جمهوری را تشویق کرد که مدت مسئولیت خویش را نه یک سال باقیمانده بلکه، ۴ سال پس از آن ببندارد و بدینوسیله عزم خود را برای تداوم بخشیدن به تعادل سیاسی کنونی به رخ مخاطبان اش کشید.

بقیه در صفحه ۲

### پرواز شیخ در آستانه واپسین روز

جعفر پویه

بحران ساختاری سرمایه داری جهانی همچون یک بیماری مزمن در چند روز گذشته عود کرد و بازارهای مالی جهانی را با سقوطی وحشتناک مواجه کرد. ورشکستگی معروفترین بانکهای آمریکایی و فروریختن باروی کاذب و به ظاهر استواری که وال استریت بران متکی بود، باعث گردید تا به یکباره همه بازارهای بورس جهان با تکانی شدید روبرو شود.

بقیه در صفحه ۶

### تداوم دخالتهای رژیم استبدادی

#### مذهبی در مسایل عراق،

#### توافقنامه سوفا و دغدغه های رژیم

الف - اناهیتا

در صفحه ۹

### بیانیه بیست و هفتمین سالگرد

#### تأسیس شورای ملی

#### مقاومت ایران

در صفحه ۱۳



صفحه ۲

### افزایش فقر در میان کارگران و

#### مزدبگیران

در صفحه ۴

### جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

سقوط "وال استریت" و بحران مالی آمریکا که به دیگر نقاط جهان رخنه کرده است، اعلام جرم علیه سیستم سرمایه داری است و یک بار دیگر گفته مارکس و انگلس که بیش از ۱۵۰ سال پیش کاپیتالیسم را "نامناسب برای اداره کشور" خواندند، ثابت می کند.

در ماه جاری به فرمان جورج بوش، وزارت خزانه داری آمریکا کنترل دو موسسه بزرگ مالی و اعتباری فعال در ارایه وام مسکن، "فنی می" و "فردی مک" که در مجموع بیش از ۵ تریلیون دلار بدهی دارند و از وزنه های سنگین بازار مسکن آمریکا به شمار می رفتند را به دست گرفت.

بقیه در صفحه ۷

## یادداشت سیاسی

## دغدغه های ولی فقیه

بقیه از صفحه ۱

بدین ترتیب ولی فقیه نظام ۹ ماه قبل از نمایش انتخاباتی پرده آخر آن را به نمایش گذاشت تا همگان بدانند که برنامه خامنه ای برای به کرسی نشاندن دوباره احمدی نژاد به آن میزان جدیست که وی بر خلاف همه ی ظاهر سازیهای فلبی از هم اکنون حکم ریاست جمهوری گماشته اش را «تفدیز» می کند.

بار دوم که در ماه گذشته ولی فقیه برای حمایت از احمدی نژاد به صحنه آمد در روز جمعه ۲۹ شهریور بود. سید علی خامنه ای در نماز جمعه تهران، برای مهار تقابل با احمدی نژاد در مورد سخنان رحیم مشائی در باره دوستی با مردم اسرائیل گفت: «یک نفر پیدا می شود در باره مردمی که در اسرائیل زندگی می کنند، اظهار نظر می کند، البته این اظهار نظر غلطی است. این که گفته می شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم، این حرف درستی نیست.»

در حقیقت ولی فقیه نظام برای نجات گماشته اش که میان سندان و چکش گیر کرده بود و در روز پنجشنبه ۲۸ شهریور در گفتگو با خبرنگاران گفته بود: «حرف آقای مشایی حرف دولت است و حرف روشنی است»، مجبور شد علیه مشایی موضع گیری کند تا احمدی نژاد از گردابی که طی دو ماه در آن دست و پا می زد نجات پیدا کند. خامنه ای ابتدا با حمله به مردم اسرائیل تفکر فاشیستی خود را یک بار دیگر نشان داد و گفت: «مگر مردم اسرائیل چه کسانی هستند؟ همان کسانی که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله همینها دارد انجام می گیرد، سیاهی لشکر صهیونیست همینها هستند»، و سپس هدف خود را که همان مهار بحران و کنترل به قول خودش «التهاب آفرینی» و «جریان سازی و مساله آفرینی... سر قضیه ای پوچ» را برملا می کند. اگر ولی فقیه نظام این «التهاب آفرینی» را مساله آفرینی بر سر یک موضوع «پوچ» می داند چرا وی مجبور است برای مهار این التهاب و تنش با تبلیغ ایده های فاشیستی سخن سرایی کند.

واقعیت این است که مخالفت و تقابل خودیها با احمدی نژاد ابعاد گسترده ای پیدا کرده به نحوی که به نوشته روزنامه کارگزاران در روز دوشنبه ۲۵ شهریور «یکی از اعضای دفتر آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید خبر داده، این روحانی بلندپایه به همراه دو مرجع تقلید دیگر آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله صافی گلپایگانی، تصمیم گرفته اند که تا اطلاع ثانوی از پذیرش نمایندگان دولت نهم خودداری کنند.»

به گزارش این روزنامه علت تحریم دولت و محور اصلی مذاکرات مراجع تقلید قم «تحولات مهم روز کشور، اهانت های پی در پی به مراجع، سخنان اسفندبار رحیم مشایی و پافشاری او بر مواضعش، و البته بی اعتنایی رئیس جمهور به تاکیدات مراجع مبنی بر کنار گذاشتن وی» بوده است.

همین خبر برای ولی فقیه به اندازه کافی هشدار دهنده است و وی را مجبور می کند که با رد سخنان مشایی بحران درون ولایتش را کنترل کند.

از طرف دیگر گرایش عمومی در جامعه تقابل با رژیم دینی است. این گرایش در ابعاد قابل توجهی به درون بدنه قدرت رسوخ کرده است. خامنه ای در روز ۳ شهریور که احمدی نژاد را به حضور خود پذیرفت گفت: «روند غرب باوری و غربزدگی را که متأسفانه داشت در بدنه مجموعه های دولتی نفوذ می کرد، متوقف گردید. این چیز مهمی است. حالا یک عده ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شقیته یک تمدنی یا یک کشوری باشند، اما این وقتی به بدنه مدیران انقلاب و مجموعه های انقلاب نفوذ می کند، چیز خطرناکی می شود. این دیده می شد، خب جلوییش گرفته شد.» جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران این موضوع را به شکل صریحتری بیان می کند.

به گزارش روز دوشنبه ۱۱ شهریور شهاب نیور، حجت الاسلام مجتبی دوانسوری جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران طی سخنانی در جلسه هفتگی انصار حزب الله گفت: «در زمان دولت آقای احمدی نژاد زمینه بسیاری از دغدغه های مقام معظم رهبری از بین رفت. در گذشته تمرد بر حذف ارزشها بود ولی در دوره جدید حفظ و اعتلای ارزشها نصب العین دولت است و در یک جاهایی هم نمی تواند تند و شفاف وارد شود، چرا که اگر شفافیت و قاطعیتی باشد ممکن است نتیجه عکس بدهد. دولت از یک طرف تعالی و تقویت ارزشها را مدنظر قرار داده است و از طرف دیگر با فضایی که در جامعه است به ناچار باید دست به عصا حرکت کند... وقتی سرعت بالاتر می رود، خطر هم بیشتر می شود ولی آرامش واقعی باید در این سی سال انجام می شد. تامل و آرامش باید باشد ولی ضرورت هم وجود دارد که کار سریع انجام شود و این کاری است که دولت آقای احمدی نژاد انجام می دهد.»

اعتراف به این که فضای موجود در جامعه علیه حرکت احمدی نژاد است و حرف خامنه ای در مورد این که وظیفه احمدی نژاد تقابل با گرایش عمومی در جامعه است، دلیل حمایت بی شکاف ولی فقیه از گماشته اش را آشکار می کند. خامنه ای می داند که در نقطه ضعف و در شرایط بحرانی باید با سیاست بی دنده و ترمز به مدیریت بحران پرداخت و برای این کار در درون ولایتش هیچ کس مناسبتر از احمدی نژاد نیست.

## سرمقاله

## بحران ساختاری پس از شکست پروژه یکدست

## سازی

تواند خود را موفق بداند. اما گزینه ای که ولی فقیه برای پُر کردن این ظرف تخلیه شده ارائه کرد، هر چیزی به جز یکدست بود. ناچور بودن جنسی که او روی پیشخوان گذاشته بود از همان نخستین دقایق از کیسه درآوردن اش در انتخابات ریاست جمهوری آشکار گردید. نبرد سخت و البته محرمانه ای که بین دو گرایش اصلی راست سستی و راست جدید باند ولی فقیه بر سر تعیین رییس جمهور بعدی در گرفت و سرانجام بدون دستیابی به تفاهم و تنها از طریق قرار دادن حریف در برابر عمل انجام شده حل و فصل شد، سرنوشت ائتلاف فاسد و بی ثباتی که آیت الله خامنه ای با دادن رشوه قدرت و ثروت سرهم بندی کرده بود را پیش بینی پذیر می کرد.

اگر چه تقسیم سهام قدرت بر اساس وزن پیشنهادی و محاسبه شده گرایشها از سوی آقای خامنه ای توانست از تلاشی باند ولایت در کامهای نخستین جلوگیری کند اما پیدا بود که سیاست کدخدانمشی بین چهل دزد بغداد تا هنگامی می توانست بیاید که شیرینی غنیمت به دست آمده با خود پویگی تعادل طیفها و مشکلات روبه فرون حفظ و گسترش آن تلخ نمی شد. این مشکلات زاییده اهداف استراتژیک پروژه ی "یکدست سازی" حکومت بود که از یک طرف می بایست خط تولید اقتدار بر پایه میلیتاریسم هسته ای و صدور تروریسم ایدئولوژیک با پذیرفتن ریسک تقابل در پهنه بین المللی را پیش می برد و از طرف دیگر، آثار بی و با واسطه این سیاست بر حیات اقتصادی و اجتماعی کشور را با توسل به سرکوب و مشت آهنین محدود یا در بهترین حالت، کنترل می کرد.

همانگونه که پیداست، سیاست مزبور در هر دو وجه وظایف آن، درونمایه ای نظامی و امنیتی دارد و به طور طبیعی تکیه گاه و عوامل اجرایی خود را در نهادهایی با ساختار درونی یک طرفه و تک سلولی فرماندهی - فرمانبرداری و کارکرد بیرونی مبتنی بر قهر و طرحهای ضربتی می یابد. از این رو، هر گام در جهت مادی کردن واقعی آن، یک گام به سمت بر هم زدن توازن ذهنی و فرمایشی در باند ولایت و تنظیم بقیه در صفحه ۳

بسیاری این اشاره را چراغ سبز "رهبر" به آقای احمدی نژاد برای باقیماندن بر کرسی اعطایی می انگارند و حال آن که، نگاهی به دلایلی که آقای خامنه ای را ناچار به خط کشی سیاسی و تعیین تکلیف زودرس و بی هنگام جایگاههای مرتبط با آن کرده، بیانگر آن است که او برای جانبداری فعال از گزینه ی خود به طور کلی و از این رهگذر دفاع از هژمونی اش پا میدان گذاشته و نه برای پشتیبانی مشخص از یکی از نمایندگان باندی که سامان داده است. آقای خامنه ای، باند خود را در شرایطی به تدارک حفظ اهرمهایی که در دست دارد و فراهم آوردن بسترهای لازم بدین منظور را خوانده است که از یک سو از نظر انسجام درونی در ضعیف ترین موقعیت خود از هنگام تصرف قدرت بسر می برد و از سوی دیگر، با خطر جدی قدرت گیری و شانه سازی باندهای رقیب و بهره گیری آنها از شکاف داخلی و فشارهای بیرونی روبرو می باشد. او با علامت گذاری آنچه که باید در سال آینده اتفاق بیافتد و احساس نیاز به این کار، به طور ناخواسته وضعیت درهم ریخته و مشتعل باند خود را که چشم انداز ادامه ی پروژه "یکدست سازی" را با خطر روبرو ساخته تایید کرده است و فراتر از آن، آقای خامنه ای تصویر به نسبت روشنی از شکاف عمومی در دستگاه قدرت بر سر چگونگی برخورد با چالشهای داخلی و خارجی که در برابر آن فرا گرفته، به دست داده است. پرسش مهمی که شرایط یاد شده به گونه خود به خودی به میان می آورد، تاثیر آن بر جایگاه خود آیت الله خامنه ای است که دستکم به طور فرمال بر فراز باندها و گرایشها قرار گرفته و می بایست نقش متوازن کننده ایفا نماید. بررسی هویت و منشای نیروهایی که در باند او در برابر یکدیگر صف آرایی کرده اند و کیفیتی که جدال آنها به خود گرفته است، می تواند پاسخ به این سوال را نیز در خود داشته باشد.

## شکاف در جناح ولی فقیه

پروژه یکدست سازی آقای خامنه ای فقط تا آنجا که به اخراج شرکای "اصلاح طلب" و "کارگزار" از نهادهای قدرت مربوط می شود، می

## سرمقاله ....

بقیه از صفحه ۲

مُجدد روابط طیفهای آن بر اساس نقش عینی آنها خواهد بود. اخراج آقای لاریجانی از شورای امنیت ملی مَلاها و خلع ید از او به عنوان سرگمارده پرونده هسته ای، پروسه جا به جایی نیروها در هرم قدرت بر پایه توان تاثیرگذاری که حذف سازمان برنامه و بودجه و صندوق ذخیره ارزی را در پُشت سر داشت، به انجام رساند. از این مرحله به بعد، مَناسبات براساس همزیستی و شراکت دو طیف اصلی باند ولایت، شکل واقعی و مُتعارف پوزبسیون و آپوزبسیون می توانست داشته باشد و رویدادهای بعد نه فقط شدت این جدال بلکه، تاثیرات عمیقی که در آرایش سیاسی "نظام" به طور عُمومی بر جای می گذارد را به اثبات رساند.

## یورش به پایگاه مشروعیت دینی

دُرست در همان زمانی که راست سُنّتی مسیر بازگشت خود به دستگاه قدرت را با تصرف مجلس هشتم مَلاها هموار می کرد، باند نظامی - امنیتی دولت، پرونده شماری از رهبران و پُشتیبانان قُدرتمند آن را از بایگانی "اسرار نظام" بیرون کشید و به دست باد رُسولایی سپرد. لبه تیز افشاکاری مَوجه مَلاهای بُلندیابه حُکومتی و حوزوی و به بیان بهتر، کسانی شده بود که مشروعیت سیاسی و ایدیولوژیک جناح مزبور به گونه خاص و "نظام" به طور عام بر پایه نقش و جایگاه آنها قرار گرفته است. اهمیت حفظ قداست ایدیولوژی حُکومتی "اسلام عزیز" و بر هم نخوردن تزیینات ملکوتی نمایندگان رسمی آن تا به آنجا اهمیت داشت که چگونگی رسیدگی به جرایم زمینی آنها با قانون کاپیتولاسیون تنظیم شده و یک "دادگاه ویژه" از ورق خوردن پرونده ای الیگارشوی روحانیت در مراجع عادی قضایی و در برابر نگاه همگانی جلوگیری می کرد.

اشاره علنی به امتیازهای غیر پاکیزه ای که رهبران معنوی راست سُنّتی در برابر خدمات خود و مشارکت در قدرت طلب کرده و دریافت می کنند، عبور از "خط قرمز نظام" می تواند انگاشته شود اما راست جدید نظامی - امنیتی با این اقدام روشن کرد که برخلاف گذشته، آن را به این صفت به رسمیت نمی شناسد و این مرز را همانگونه که هست یعنی، حوزه منافع یک طیف مُشخص، در محاسبات خود در نظر می گیرد.

تقسیم روحانیون بر اساس تعلق جناحی که نخستین بار با انشعاب "جامعه روحانیون مبارز" از "جامعه روحانیت مبارز" مادیت یافت، دیرگاهی است که به عنوان یک واقعیت سیاسی و تشکیلاتی در ساختار قُدرت رسمیت یافته است. از این زاویه، راست نظامی - امنیتی فقط این صف بندی را یک گام به جلو رانده و به طور کامل در مَناسبات بین جناحی و متدهای حل و فصل کشاکش بین آنها آدابته کرده است.

## گزینه ایدیولوژیک برای روحانیت سُنّتی

بر وجود این، طیف مزبور فراموش نکرده است که همچون "اصلاح طلبان"، در برابر راست سُنّتی منابع مشروعیت ایدیولوژیک و "گفتمان" ویژه خود را در میان روحانیون به وجود آورده و علم کند. این امر مستقل از هویت دینی و ایدیولوژیک "نظام" که بستر چیره ی سیاستهای استراتژیک و راهکارهای آن در برخورد به پُرسشهای داخلی و خارجی را تشکیل می دهد، منافع روز و عملی مُشخصی نیز دارد. ضرورت مزبور را باید در وجود نیروهای حاشیه تولید یا انگلی وابسته به صدقه حُکومت جُستجو کرد که بدون بسیج و قانع کردن آنها، عملی ساختن هر طرحی چه در صحنه اجتماعی و چه در مَنازعات باندی با موانع جدی روبرو خواهد بود. این نیروها در درجه ی اول صدها هزار پاسدار، بسیجی، نیروهای امنیتی و در مجموع کسانی هستند که به طور مُستقیم از سوی حُکومت تغذیه می شوند و هیچ نقشی در تولید اجتماعی ندارند و از این رو به سختی از کنش و واکنشهای جامعه تاثیر می پذیرند.

اکنون شاید بهتر بتوان زمینه های غُرچ آیت الله مصباح یزدی و شاکردان او را در هیات پیامبران یک شاخه ی سیاسی - ایدیولوژیک جدید که خود را ادامه - و فراتر از آن - تکامل دهنده اسلام سیاسی آیت الله خُمینی و پیروان او معرفی می کنند، دریافت. "فرقه مصباحیه" (انگونه که به تحقیر از سوی مُخالفان نام گرفته است) تکیه گاه ایدیولوژیک جریانی است که همانند همه ی گرایشهای طبقاتی و سیاسی موجود دیگر در چارچوب حُکومت دینی، با آموزه ها و دریافتهای مذهبی و قرائت ویژه از ایدیولوژی رسمی به خوشستن مشروعیت سیاسی می بخشد. آیت الله مصباح، قالب تشکیلاتی و فرم ساختاری دولت پادگانی و نظم سربازخانه ای مُبتنی بر جُندالله سپاه پاسداران، دستگاه های امنیتی و بسیج را با فرمول تحوّل پلکانی انقلاب اسلامی به نظام اسلامی و سپس از



## به صف هموطنان کُرد در حمایت از زندانیان سیاسی اعتصابی پیوندیم

لیلا جدیدی

در روزهای اخیر همچنانکه رژیم وحشت زده با اعمال خشونت بیشتر تلاش دارد شعله خشم اعتراضات مردم به ویژه هموطنان کُرد را فرو نشاند، دامنه این آتش گسترش یافته است. اکنون با پیوستن دیگر زندانیان کُرد به ۸ روزنامه نگار و فعال سیاسی زندانی که هفتمین روز اعتصاب غذای نامحدود خود را طی می کنند، این تعداد به ده ها تن رسیده است. همچنین، خانواده های زندانیان از مدافعان حقوق انسانی زندانیان برای پیوستن به تجمعی که در روز دوشنبه ۱۱ شهریور ترتیب داده اند، دعوت کرده اند. قرار است این تظاهرات در برابر دادگستری سنجند صورت گیرد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از گسترش اعتراضات مردم در داخل و خارج از کشور، با پاسخ خشونت آمیز، نخست فرزند کمانگر، معلم و فعال حقوق بشر را که به حکم اعدام محکوم کرده به بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین انتقال داد و همزمان تلاش کرد زندانیان سیاسی را از ادامه اعتصاب غذا منصرف کند.

در برابر این تلاشها، خانواده های زندانیان حمایت خود را از اعتصاب غذای فرزندان خود اعلام کرده و از معلمان، فعالین مدنی، بازاریان، روزنامه نگاران و دانشجویان درخواست پیوستن به تجمع روز دوشنبه ۱۱ شهریور را کرده اند. روز شنبه نیز مردم مهاباد در اعتراض به پیگرد و سرکوب کوشندگان سیاسی و مدنی، دست به اعتصاب عمومی زده و همه مکانهای کار و کسب خود را تا ساعت ۱۱ صبح تعطیل کردند.

رژیم ولایت فقیه اعمال مجازات حبس و اعدام برای سرکوب مردم معترض را گسترش داده است. مردم نیز دست در دست یکدیگر علیه این جنایتها در برابر رژیم ایستاده اند. گسترش سرکوب به گسترش مقاومت انجامیده است.

این مرحله به دولت اسلامی و سرانجام جامعه اسلامی بسته بندی کرده و تحویل سفارش دهندگان می دهد. او بنا به همین پیش شرط تاکید می کند که جمهوری اسلامی تاکنون تنها مراحل اول و دُوم را پیموده است و مراحل بعدی ابتدا با برچیدن بساط فرمالیسم "جمهوری" که محلی برای رُشد و بقای باندها و محملی شرک آمیز به منظور جلوگیری از جاری شدن اراده "امام عصر" است، به انتظار نشسته اند.

## ولی فقیه در کانون بحران ساختاری

همزمان که سطح جدالها در باند آیت الله خامنه ای بالا و بالاتر می رود، پافشاری او بر حفظ باند خود در قدرت، می تواند نتایج به کلی برعکس در پُرداشته باشد. او در حالی تلاش می کند در میانه دعوا نقش ریش سفید را بازی کند که این رُل (همانگونه که به هنگام معرفی وُزرا و پس از آن گفته های اخیر در باره تمدید دوره دولت آشکار گردید) به سادگی بازیچه ی دست طیفهای رقیب در این باند قرار گرفته و نه تنها تاثیر هژمونیک ندارد بلکه، جایگاه مُطلقه ی او را بیشتر فرسایش می دهد. بنابراین، هر طرح "رهبر" برای آینده قدرت و دولت سازی، تا زمانی که او نتوانسته است اتوریته خود را از طریق اثبات توانایی در حل و فصل قطعی اختلاف طیفهای باند اش و اجبار آنها به پذیرفتن قواعد بازی تامین کند، می تواند قمار خطرناکی با نتایج نامعلوم باشد.

پُرسش دیگری که پاسخ بدان با هر محتوا، ولی فقیه را به تنگنای جدید رهنمون می شود، چگونگی برخورد با طیف روحانیون سُنّتی است. در جدال راست نظامی - امنیتی و طیف مزبور او نمی تواند رویکرد آسوده ی بی طرفی را حفظ کند، به ویژه از آن رو که باند حُجت الاسلام رفسنجانی کارتهای خوبی برای معامله با آن به زیان ولایت مُطلقه ی آقای خامنه ای دارد. این در حالی است که جانبداری او از هر یک از این دو طیف در سر فصل انتخاب ریاست جمهوری نیز با افزایش وزن و اختیارات آنها همراه خواهد بود.

بر این اساس می توان نتیجه گرفت، شکست پروژه "یکدست سازی"، جمهوری اسلامی را به درون یک بحران ساختاری عمیق فرو بُرده است و همراه با آن، اهداف استراتژیک "پروژه" مزبور هر چه بیشتر از دسترس دور می گردند.

## افزایش فقر در میان کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سیاست دولت در رابطه با رساندن قیمت بنزین به میزان قیمت‌های جهانی، «بنزین حداقل حدود ۲۸،۵ درصد و قیمت گازوئیل نیز در حدود ۲۲،۶ درصد افزایش داشته است.» این گزارش پیش‌بینی می‌کند که در اثر این افزایش سریع، به تورم موجود اضافه خواهد شد. (سرمایه سه شنبه ۲۶ شهریور) بر اساس همین گزارش این افزایش قیمت، با تورمی که ایجاد می‌کند «چالش‌های فراوانی» به وجود می‌آورد.

در تابستان امسال مردم با قطع برق و آب مواجه بودند. یابوران رژیم سرما و قطع گاز را برای زمستان نوید می‌دهند. کمبود سوخت و گاز و مفتخواری سران باند‌های قدرت و نیز چپاولگری سرمایه‌داران شرایط دشواری را برای مزدبگیران، به وجود آورده است.

یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس می‌گوید: «در صورت ادامه روند کنونی، به طور قطع هم‌زمان با ورود اولین جبهه‌های هوای سرد به کشور مشکل کمبود گاز به طور جدی نمود پیدا خواهد کرد، و قطعی برق نیز به دلیل کمبود گاز جدی تر خواهد شد.» (سرمایه سه شنبه ۱۶ شهریور)

غلامحسین الهام سخنگوی دولت در رابطه با این نگرانی به خبرنگاران گفته است «فال خوب بزنند تا خوب بیاید.» روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۸ شهریور از قول مجلس نشینان نوشته است که «در صورتی که کشور شاهد یک معجزه مدیریتی نباشد، مشکل کمبود گاز از ابتدای فصل سرما خردنمایی خواهد کرد.»

در اختلاف‌های جناحی روزنامه کیهان شریعتمداری پرده کوچکی از ارتباط‌های پنهان علی‌کردان وزیر کشور رژیم و رحیمی مشاور احمدی نژاد قبل از قرارداد شرکت اماراتی کرسنت برداشت. بنا به نوشته روزنامه کیهان سه شنبه ۱۹ شهریور، «نکته درخور توجه این که قیمت پیشنهادی طرف ایرانی برای گاز صادراتی ایران به شرکت کرسنت به گونه‌ای تعجب‌آور و سوال برانگیز، بسیار پایین‌تر از قیمت گاز صادراتی ایران در قراردادهای مشابه است، و امروز مدیر عامل شرکت کرسنت برای نهایی کردن قرارداد خرید گاز با همین بهای پیشنهادی یعنی ثمن بخس و تقریباً مفت و مجانی به تهران آمده است.»

پائین آمدن قدرت خرید مردم و چپاول منابع کشور توسط حاکمان دو وجه مهم از شرایط اقتصادی ایران است. کارگران و مزدبگیران ایران در مقابل چنین شرایطی هر روز بیش از روز قبل به مبارزه روی می‌آورند.

سیاست دولت احمدی نژاد مبنی بر قطع یارانه‌ها و افزایش قیمت سوخت، بیشترین آسیب را بر کارگران و مزدبگیران وارد ساخته است. این سیاست که ظاهراً برای هدفمند کردن یارانه‌ها طرح شده است، عملاً وضعیت معیشتی مردم را بدتر کرده است. با رشد بهای مواد خوراکی و مایحتاج زندگی، هر روز بخش بیشتری از مردم به فقر مطلق کشانیده می‌شوند.

در شهریور ماه بانک مرکزی در رابطه با افزایش بهای کالاها اعلام کرد که: «شخص بهای کالاها و خدمات مصرفی» در مناطق شهری در مرداد ماه سال جاری نسبت به مرداد ماه سال قبل، ۲۷،۶ درصد افزایش داشته است. بر اساس داده‌های آماری بانک مرکزی، مواد خوراکی رشد ۷۶،۲ درصدی داشته است.

در حالی که احمدی نژاد با صحبت‌های عوام‌فربانانه‌اش از شرایط خوب اقتصادی ایران صحبت می‌کند و آن را در مدار بهترین‌ها می‌داند، کروی ادینه ۲۲ شهریور گزارش احمدی نژاد در رابطه با شرایط اقتصادی را به سخره گرفت و گفت این گزارش به نحوی بود که «انگار جامعه ما یک بهشت برین است.» وی می‌گوید: «همه ما در آن جلسه مبهوت شدیم و گفتیم جل‌الخالق.»

نماینده مجلس رژیم از زاهدان، در رابطه با گسترش فقر در استان سیستان و بلوچستان گفت: «سواره از پیاده و سیر از گرسنه خبر ندارد، به خدا قسم مردم استان ما از فقر و محرومیت با مرگ تدریجی دست و پنجه نرم می‌کنند.» (روزنامه آفتاب یزد شنبه ۲۸ شهریور)

وی اعتراف می‌کند که نرخ بیکاری در استان سیستان و بلوچستان بیش از ۲۵ درصد است و «اگر قبلاً بیکاری بی‌سواد داشتیم حالا در هر خانواده چندین بی‌سواد بیکار هستند.»

قرار است دولت پاسداران سیاست حذف «یارانه‌ها» را از اوایل سال ۱۳۸۸ اجرا کند. یکی از کارشناسان اقتصادی رژیم (ارائه) در حالی که خط فقر را ۴۰۰ هزار تومان اعلام کرده می‌گوید: «حداقل دستمزد و حقوق تعیین شده برای کارگران و کارمندان دولت از کرایه یک آپارتمان کوچک در مرکز استانها کمتر است، این دسته از شاغلان نیز یا زیر خط فقر قرار دارند یا در آستانه سقوط به چنین موقعیتی هستند. و این خود به معنای افزایش تعداد فقرا و تشدید شکاف فقر است.» (خبرگزاری کار ۳۱ شهریور)

## برخی از مهمترین حرکت‌های

### اعتراضی کارگران و

### مزدبگیران در شهریور

۱۳۸۷

\* به گزارش روز شنبه ۲ شهریور ایلنا کارگران کارخانه لوله‌سازی اهواز در اعتراض به تعطیلی خط تولید کارخانه و پرداخت نشدن حقوق خود جلوی دفتر این شرکت در اهواز تجمع کردند. کارخانه لوله‌سازی خوزستان با حدود ۷۵۰ کارگر در زمینه تولید لوله‌های چدنی فعالیت دارد

این تجمع تحت مراقبت ماموران نیروی انتظامی به صورت آرام برگزار شد و با متفرق شدن کارگران پایان یافت اما پس از آن عده‌ای از تجمع‌کنندگان در نقطه دیگری از شهر اهواز دوباره تجمع کردند که این تجمع نیز با پادرمیانی یکی از نمایندگان

کارگران بدون تنش پایان یافت. کارگران کارخانه لوله‌سازی اهواز صبح روز شنبه ۹ شهریور به دلیل پرداخت نشدن حقوق معوقه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش صدای کاوه‌ها کارگران به جان آمده روز شنبه ۹ شهریور سه راه خرمشهر را بسته و با نیروی انتظامی درگیر شدند.

صبح روز یکشنبه ۱۷ شهریور ۳۰۰ تن کارگران لوله‌سازی اهواز در اعتراض به شش ماه پرداخت نشدن حقوقشان، تظاهراتی را از ساعت ۸ صبح برگزار کردند. به گزارش صدای کاوه‌ها نیروهای انتظامی گرداگرد کارگران را محاصره کردند. کارگران، خشمگین و به جان آمده فریاد می‌زنند «مرگ بر ظالم»

\* کارکنان شرکت پشتیبانی صنعت برق گیلان ظهر روز یکشنبه ۳ شهریور با تجمع در مقابل دفتر این شرکت خواستار رسیدگی مسئولان استان نسبت به نابسامانیها و مشکلات موجود ناشی از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی شدند.

به گزارش شمال نیوز بیش از ۱۲۰ کارمند و کارگر معترض ساعتها مقابل دفتر شرکت پشتیبانی صنعت برق گیلان ایستادند تا اعتراض خود را به عدم پرداخت حقوق و دستمزد در ۸ ماهه گذشته اعلام کنند.

\* به گزارش روز دوشنبه ۴ شهریور ایلنا (خبرگزاری کار ایران) در پی اعتراض‌های کارگری و تشکیل

جلسه در فرمانداری شیراز، ۲ ماه از مطالبات کارگران «صنایع مخابراتی راه دور ایران» پرداخت شد. کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران (ITI) که از کارخانه‌های واگذار شده به بخش خصوصی است ۱۲۰۰ کارگر دارد. این کارگران از ابتدای سال جاری تاکنون، حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

\* به دنبال پرداخت نشدن مابه‌التفاوت مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی، جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی شهرستان رشت در مقابل اداره این سازمان تجمع کردند. به گزارش روز جمعه ۸ شهریور ایلنا تجمع‌کنندگان ضمن هشدار به مسئولان سازمان تامین اجتماعی استان، اظهار داشتند: اگر تا هفته آینده مشکلات معیشتی و افزایش دستمزد آنها پرداخت نشود، اقدام به تجمع بزرگ‌تری در این خصوص خواهند نمود.

\* جمعی از کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود روز دوشنبه ۱۱ شهریور در مقابل شهرداری اندیمشک تجمع کردند.

به گزارش ایرنا این تجمع که با حضور بیش از ۲۰۰ کارگر و کارمند قراردادی و پیمانی برگزار شد یک ساعت به طول انجامید.

\* روز سه شنبه ۱۲ شهریور جمعی از رانندگان وسایل نقلیه و تاکسی‌های گازسوز شهرستان کازرون (در ۱۶۰ کیلومتری غرب شیراز) در استان فارس در یک تجمع اعتراضی در فرمانداری این شهرستان خواستار حل مشکلات توزیع سوخت گاز شدند.

یک نماینده از جمع معترضان به خبرنگار ایرنا می‌گوید: حدود پنج ساعت در صف سوختگیری بودیم که با قطع برق در گرمای شدید چند ساعت دیگر به انتظار نشستیم و تقریباً یک روز کامل را در جایگاه سوخت‌گیری سپری کردیم.

\* به دنبال پرداخت نشدن مطالبات کارگران لاستیک البرز (کیان تایر)، صبح روز چهارشنبه ۱۳ شهریور کارگران این کارخانه مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.

به گزارش ایلنا به نقل از تجمع‌کنندگان، کارگران لاستیک البرز عیدی و یاداش سال ۸۶ و حقوق و مزایای اردیبهشت ماه تاکنون، را از کارفرما طلبکارند.

\* بیش از ۱۵۰۰ تن، از کارگران و پرسنل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به کاهش ۵۰ درصدی سهمیه غذایی ماه رمضان، عدم پرداخت حقوق دوماهه، فروش ۷۰۰ هکتار از زمینهای کشاورزی صبح روز پنجشنبه ۱۴ شهریور دست از کار کشیدند و

بقیه در صفحه ۵

## برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۸۷

بقیه از صفحه ۴

جلوی درب مدیریت کارخانه تجمع کردند. به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران شرکت کنندگان در این تجمع خواستار برکناری مدیر عامل و برخی از مدیران شرکت شدند. این تجمع از ساعت ۸ صبح آغاز و به دلیل گرمای بالای ۵۰ درجه ساعت ۱۲ پایان یافت.

\*روز یکشنبه شانزدهم شهریورماه حدود ۱۵۰۰ کارگر شرکت رامشیر که در پروژه پالایشگاه گاز، فازهای ۹ و ۱۰ کار می‌کنند، در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه از دستمزدهای شان، دست به اعتصاب زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در پی این اعتصاب، کارفرما تلاش کرد تا با ایجاد تفرقه قومی، در بین کارگران اختلاف ایجاد کند، این تلاش اگر چه در مرحله اول تاثیر گذار بود، اما در ادامه کارگران به اشتباه خود واقف شده و متحدانه به اعتصاب ادامه دادند.

\*روز دوشنبه ۱۸ شهریور کارگران کارخانه نساجی کردستان در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق و تعطیل کارخانه در مقابل استانداری کردستان در سنجند تجمع کردند. شرکت نساجی کردستان وابسته به بنیاد مستضعفان است که از اواسط مردادماه به بهانه تعطیلات تابستانی تعطیل شد و تاکنون بازگشایی نشده و مسئولان کارخانه در تلاش هستند تا با استناد به ماده ۱۴۱ قانون تجارت آن را منحل اعلام کنند. به گزارش آژانس ایران خبر کارگران این کارخانه که یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی صنعتی استان کردستان است از چهار ماه پیش تاکنون حقوق ماهیانه دریافت نکرده اند.

روز سه‌شنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۸۷، کارگران کارخانه نساجی کردستان در مقابل استانداری سنجند دست به تجمع زدند. نیروهای انتظامی با حضور خود در منطقه تلاش می‌کردند که کارگران را متفرق و از نصب پلاکارد آنها جلوگیری به عمل آورند اما این عمل با واکنش قاطع کارگران روبرو شد و اجازه ندادند که پلاکارد آنها برداشته شود.

به گزارش روز چهارشنبه ۲۰ شهریور کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در همین روز کارگران شرکت فرش غرب بافت سنجند نیز مجدداً در مقابل اداره کار دست به تجمع زدند. کارگران از ساعت ۸ صبح تا ۳ بعد از ظهر با در دست داشتن پلاکاردهای به تجمع خود ادامه دادند.

روز چهارشنبه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۸۷ کارگران کارخانه نساجی کردستان که خواهان استمرار کار و دریافت حقوق معوقه خود هستند، از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱ بعد از ظهر در مقابل استانداری، باری دیگر دست به تجمع زدند.

\*بیش از ۴۰ تن از کارگران هیاتهای ورزشی، اداره کل تربیت بدنی هرمزگان به دلیل عدم پرداخت حقوق از سوی این اداره اعتصاب کردند. به گزارش روز دوشنبه ۱۸ شهریور آژانس، ایران، خبر اعتصاب کنندگان در مقابل درب استانداری خواستار پرداخت حق و حقوق آنها توسط اداره کل تربیت بدنی هرمزگان بودند که با سر دادن شعارهایی خواستار برکناری مدیر کل تربیت بدنی، هرمزگان بودند.

\*عده ای از معلمان حق التدریس، استانهای اصفهان، آذربایجان شرقی و تهران، مقابل در شمالی مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش روز سه‌شنبه ۱۹ شهریور خبرنگار ایسکانیوز، حدود یکصد تن از معلمان حق التدریس زن و مرد که از استانهای تهران، اصفهان، آذربایجان شرقی، قزوین و لرستان مقابل درب شمالی مجلس تجمع کرده و خواستار استخدام دائم خود به همراه پرداخت حق سنواتی و بیمه خویش شدند.

\*طی ۳ سال اخیر، یکی از شرکت‌های سیاه در بخش معدن قسمتی از کوه جویاری را تصرف کرده و اقدام به ایجاد معدن سنگی نموده است. به گزارش روز سه‌شنبه ۱۹ شهریور آژانس ایران، مردم جویبار بارها با شرکت سیاه درگیر شده اند و خواستار توقف کار این شرکت که بر آب اشامیدی مردم این شهر تاثیر سو می‌گذارد شده اند.

\*به گزارش روز ۲۴ شهریور کانون مدافعان حقوق کارگر، کارگران فلات یارس به مدت ۳ روز در اعتصاب بوده و در محوطه کارخانه تجمع کرده اند. شرکت بیمانکاری فلات یارس که سازه‌های بتونی برای پتروشیمی هرسین (استان کرمانشاه) می‌سازد ۲۰۰ تن کارگر دارد که از عید تا به حال به این کارگران - به جز ۱۵ روز مساعده - هیچ گونه مبلغی پرداخت

نشده و طلب کارگران ۲ میلیارد تومان است.

به گزارش روز شنبه ۳۰ شهریور انجمن صدای کاوه‌ها، اعتصاب کارگران شرکت بیمانکاری «فلات یارس» که در زمینه تولید سازه‌های بتونی برای شرکت پتروشیمی هرسین در استان کرمانشاه فعالیت دارد، همچنان ادامه دارد. آخرین خبرها حاکیست که تلاش کارفرمایان برای پایان دادن به اعتصاب و بازگشت به کار کارگران شرکت مذکور به نتیجه بوده است.

\*به گزارش روز شنبه ۳۰ شهریور مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بیش از ۱۷۰۰ تن از رانندگان و کامیونداران اهواز، ۱۵ روز متوالی است که با کامیونهای خود دست به اعتصاب و اعتراض زده اند.

رانندگان با به صف کردن ماشینهای خود در جاده سه راه خرمشهر به مسیر پایانه حمل و نقل اهواز به طول تقریباً ۳ کیلومتر خواستار پاسخگویی مسئولان به درخواستهای خود شده اند.

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران؛ برنده جایزه سال ۲۰۰۸ رز نقره ای همبستگی اروپا

طبق آخرین اخبار رسیده به سندیکای کارگران شرکت واحد، این نهاد مستقل صنفی در شصتمین سال تاسیس همبستگی اروپا، برنده جایزه سال ۲۰۰۸ این نهاد شده است.

این نهاد در سال ۱۹۴۸ در راستای کمک بین المللی به کارگران جهان، بنیان‌گذاری شده و مستقیماً با کنفدراسیون بین المللی کارگران آزاد (ITUC) و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (ETUC) و سازمان جهانی کار (ILO) همکاری می‌کند و هر ساله جایزه رز نقره ای را به افراد و نهادهای واقعی و آزاد اهدا می‌کند.

قابل ذکر است این جایزه در سال ۲۰۰۵ به آقای خوان سومویا رئیس سازمان جهانی کار اهدا شده بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه این پیروزی را به همه کارگران جهان تبریک می‌گوید و از همبستگی اروپا و همه دست اندر کاران آن، کنفدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و کنفدراسیون بین المللی کارگران آزاد و همه کسانی که در تحقق این امر زحمت کشیده اند تشکر و قدردانی به عمل می‌آورد.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد  
اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۵ شهریور ۱۳۸۷

## اطلاعیه

## می خواهند زندگی کارگران و کارکنان هفت تپه را به تباهی بیشتر بکشند.

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در روز ۵ شهریور امسال آگهی مزایده برای فروش ۷۰۰ هکتار از اراضی این شرکت را منتشر کرد. در این آگهی مزایده که ضمیمه این اطلاعیه است، قید شده که روز ۲۶ شهریور امسال پیشنهادهای خرید اراضی مزبور مورد بررسی قرار می‌گیرد. این دومین مزایده برای فروش اراضی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه است. در مزایده قبلی یک هزار هکتار از اراضی این شرکت به معرض فروش گذاشته شده بود. فروش زمینهای شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه سبب بیکاری چند هزار کارگر و کارکن این واحد بزرگ صنعتی خواهد شد و زندگی آنان را به تباهی هرچه بیشتر خواهد کشاند.

کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با اتحاد و همبستگی خود اجازه نخواهند داد که زندگی آنان در اثر سیاستهای ضد کارگری رژیم ولایت فقیه تباه شود.

ما از تمامی تشکلهای کارگری در سراسر جهان و از نهادهای مدافع حقوق بشر می‌خواهیم که برای توقف طرح فروش اراضی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، رژیم ایران را تحت فشار مداوم قرار داده و از مبارزه کارگران هفت تپه برای حق کار و تحقق یک زندگی انسانی حمایت کنند.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
یکشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۸۷ (۱۴ سپتامبر ۲۰۰۸)



## پرواز شبخ در آستانه واپسین روز

بقیه از صفحه ۱

تلاش دولت آمریکا برای تزریق حجم عظیمی از نقدینگی به بازار نیز به جایی نرسید و سیر نزولی ارزشهای کاذب سرمایه‌داری به فرو ریختن ادامه داد. همزمان بانک مرکزی اروپا به سرعت دست به کار شد و با روانه کردن حجم زیادی از نقدینگی سعی در واکنش به منطقه ی تحت سیطره خود کرد. بانکهای مرکزی انگلیس، فرانسه، آلمان، سوییس و... نیز به عملی مشابه دست زدند. اما انگار این بحران را سر فرو نشستن نیست. در آسیا ابتدا ژاپن سپس هند و به دنبال آن مابقی بانکهای مرکزی دست به جعل اسکناس و گرفتن وامهای کلان از خود زدند و روانه بازار کردند و به امید معجزه پول به انتظار نشسته اند. اما آیا با این ترفندها می شود سر اقتصادهای ورشکسته را کلاه گذاشت و بازارها را از وضعیت پیش رو نجات داد؟ پرسشی که پاسخ آن بدون درنگ منفی است زیرا ساختار غیر انسانی سرمایه داری که بر اساس بهره کشی انسان از انسان بنا شده است، تا انسانی زنده در جایی از جهان وجود دارد به غارت و چپاول ادامه خواهد داد و دلیل خانه خرابی خود آن نیز چیزی نیست جز دستاوردی که به دلیل غارت و چپاول تپه دستان برای سود بیشتر به مردم عرضه کرده است.

در آستانه هزاره جدید، نو - لیبرالیسم یا داعیه نجات جهان از وضعیت پیش آمده و با شعار بازار آزاد و باز گذاشتن دست سرمایه داران در چپاول مردم گیتی کار خود را شروع کرد. دست راستی ترین دولت آمریکا به رهبری مرتجعی چون جرج بوش که خود را در قالبی عوام فریبانه متفاوتی می نمایاند، با ادعای ارتباط با خدا دست به کار می شود. به دستور رهبر برگزیده خدا، قدرت بلامناع و بیکه تاز سرمایه داری نیز دست به قلع و قمع مردم جهان می زند. خدایانها را ساکن کاخ سفید با همدستی ژنرالهای چند ستاره ی ارتش تا دندان مسلح آمریکا، برقراری "نظم نوین" جهانی خود را آغاز می کنند. با گلوله هایی از اورانیوم نیمه غنی شده و بمبهای غول پیکر، سوار بر اربابهای آسمان پیمان می کنند تا ناجی نظم پوسیده موجود باشند. با بزک عفربته ناکار شده سرمایه توسط لیبرالیسم و آزادیخواهی و نابودی هر صدای مخالف، "نظم نوین" آغاز می شود. از آمریکای مرکزی و جنوبی تا دورترین نقطه آسیا محل تاخت و تاز نو - کیسه هایی است که به امید فتح

های داده شده دروغی بیش نبوده و اکثر آن بنیادهایی که یکشنبه همچون قارچ روییده بودند، همانگونه که پیدا شدند همانطور نیز از بین رفتند. حال یقه چه کسی را باید گرفت؟ ناتوانی در بازپرداخت وامهایی با بهره هایی تصاعدی و خطر از دست رفتن سرپناه و به همراه آن نیز ورشکستگی سازمانهای مالی ای که از محل دارایی صندوقهای بازنشستگی خود را فربه کرده بودند و قول داده بودند تا مقرریهای بازنشستگان را در سر موعد بپردازند. آنها نیز اکنون سر به بیابان سرمایه گذاشته اند و در بازارهای مالی و بورسهای بی بته و ریشه بلعیده شده اند. یعنی، برای ماه آینده حتا مقرری بازنشستگی نیز در پرده ای از ابهام قرار دارد.

به بیان ساده تر، همه چیز از دست رفته است و این بهایی است که مردم از همه جا رانده و از همه جا مانده در ازای یکه تازیهایی نو - لیبرالها باید بپردازند. میلیاردها دلار هزینه نظامی گری و جنگ کمر اقتصاد بیمار را شکسته است و امکان سرپا ایستادن از آن سلب شده است. چاه ویل جنگ همچنان دلراها را می بلعد و امکان بازپس آمدن آن نیز وجود ندارد. کلاهبرداران و خیر و برکت نشان جنگ و تبهکاری با جیبهای پر پول به راه خود رفته اند و پروای حساب کسی نیز از کسی ندارند. مردمی غارت شده در دو طرف این معادله مال باخته و ناراضی و عصبانی دندان بر جگر می فشارند و هر آن امکان از دست دادن حوصله و صبر از آنان می رود. جنگ زدگان و خانه خرابهای مناطق جنگی همان قدر غارت شده اند که مردم کشورهایی با دولتهای جنگ طلب و مهاجم. پول یکطرف تبدیل به گلوله و سرباز و مزدورانی شده است که زندگی و خانه و کاشانه طرف دیگر را بر سرش خراب کرده اند. اکنون طرف پرداخت کننده هزینه می رود تا بدون اینکه گلوله ای به جانب او شلیک شده باشد، همتراز جنگ زده شود. او هم خانه و کاشانه خود را در دست موسسات مالی وام دهنده و غارتگر می بیند و باید همچون تالی خود در طرف دیگر، خانه به دوش شود و خیابان خواب! ... مقصر کیست؟

آیا پاکون بدوشان چند ستاره و سیاستمداران تبهکاری که جنگ و کشتار را به مردم جهان تحمیل کرده اند مورد بازخواست قرار خواهند گرفت؟ بدیهی است که چنین نخواهد شد. زیرا آنان صاحبان قدرتانند و هر کس را که دلشان خواست سر به نیست خواهند کرد. جهان باید از یک مرکز تصمیم گیری تبعیت کند، با روی خوش نشد با زور سرنیزه آنان را وادار به اطاعت خواهند کرد. این پیامبران تباهی و قتل و کشتار، ندای

نجات سرمایه داری از بحران ساختاری را سر می دهند. هم اینان تئوری سازان پایان جهان اند و تنها راه ممکن نیز را در تبعیت از خود می دانند. هر کس که با آنها از در مخالفت درآید، یا تروریست است و یا ضد آزادی. دست در کیسه مردم دارند و شیره جان آنان را با سرمایه های خویش می مکند و حاضر به قدمی عقب نشینی نیز نیستند. امروز بهتر از هر زمان دیگر می شود دید که جهان سرمایه داران و رویاهای دروغین شان برای نظم نوین چیزی غیر از سیه روزی و فقر بیشتر برای اکثریت مردم جهان نیست. آنان غارتگرند و با شیوه های مختلف باید کارخانه های خود را سودآور جلوه دهند. با تولید نشد با رقم سازی توسط باندهای سیاه سرمایه مالی که در پستوهای بورسهای گرد گرفته و متعفن لانه دارند.

این بار اولی نیست که این اقتصاد بیمار به چنین حال و روز افتاده است. در سالهای اخیر برای چندمین بار بازارهای مالی فرو ریخته اند و شرکتها و موسسات بسیاری نه تنها ورشکست بلکه، به کلی حذف و نابود شده اند. با رقم سازی و حساب سازیهای بی بندوبار، کنترل کنندگان اقتصاد آمریکا برای مدتی توانستند بازارهای جهانی را گول بزنند و به حیات و اتوریته خود ادامه دهند. اما خیلی سریع خورشید از زیر ابر بیرون آمد و تشت رسوایی شان از بام فلک به زیر افتاد. نابودی موسسات حمل و نقل و ورشکستگی بسیاری از سازمانهای مالی هشدار اولیه این فرو ریختگی بود. گرچه آنها با حذف بسیاری و تزریق پول به بازار توانستند این موج را از سر بگذرانند اما خوب می دانستند که این بحران به صورت ادواری بار دیگر سربلند خواهد کرد و امواج جدید، بسیار بلند قامت تر از گذشته خواهد بود و به همین دلیل نیز بسیاری را با خود خواهد برد. بالا بردن مصنوعی قیمت نفت و جیب بری از مردم به شیوه ای رذیلاانه توانست مدت زیادی دوام آورد. سقوط قیمت نفت در دوره جدید با سقوط بسیاری از بنیادهای فرمالیته و مصنوعی به ظاهر قدرتمند همراه شد. اکنون مبشران لیبرالیسم اقتصادی و بازگذارندگان دستهای غارتگران با تئوریهای نجات بخش شان، به کلی زمین گیر شده اند.

آنهایی که بخش خصوصی را نجات بخش می دانستند و رقابت در بازار را همچون آیه های فرا زمینی توصیه می کردند، اینک برای جلوگیری از ریزش تام و تمام بنیادهای پوشالی خود مجبور به دولتی کردن بخش وسیعی از این بنیادها شده اند. بخش خصوصی گورکن اقتصاد نظم نوین شد و دولت با بانکهای جعل اسکناس، ناجی قدرتمندی که بازگشت به گذشته را تداعی می کند. دولت آمریکا با پشتوانه اروپایی و آسیایی خود چند صد میلیارد دلار اسکناس را روانه بازار می کند. این حجم وسیع نقدینگی قادر خواهد بود کره زمین را چندین مرتبه بترکاند. این همه پول در بازار چه خواهد کرد،

بقیه در صفحه ۸

## جهان در آینه مرور

## "بازار آزاد" سرمایه داری در محکمه تاریخ

بقیه از صفحه ۱

این اقدام بزرگترین دخالت دولت آمریکا در بازار مسکن در تاریخ این کشور به شمار می رود. بدین گونه، کسانی که بازار آزاد سرمایه داری را که سالهاست به تخریب زندگی مزد بگیران دست زده در حالی که ثروت را به جیب طبقه حاکمه سرازیر می کند، تبلیغ می کردند اکنون با یک شکست سهمگین ایدئولوژیک روبرو شده اند. اما مدافعان سیستم سرمایه داری که همواره با سوسیالیسم خصومت داشته اند، وقتی به تقسیم فقر می رسد آنرا سوسیالیزم می کنند. از این رو بهای این بحران را نیز مردم زحمتکش جامعه پرداخت خواهند کرد. در همین رابطه وزارت خزانه داری آمریکا قرار است در هر یک از این دو موسسه تا سقف ۱۰۰ میلیارد دلار، سهامی از نوع سهام اولیه سرمایه گذاری کند. اقدام اخیر دولت بوش که تایید دو کاندید ریاست جمهوری، مک کین و اوپاما را نیز به همراه داشت، در تضاد با سیاستهای کلی محافظه کاران آمریکا است.

این بدان معناست که همان کسانی که طرفدار کوچک بودن دولت هستند تا بدین طریق تمامی موانع قانونی را از سر راه سرمایه داران و ثروتهای هنگفتی که به دست می آورند بردارند، این بار به توسعه وسیع قدرت دولتی دست زدند تا منافع طبقه ممتاز را حفظ کنند.

میلیاردها دلار که بیشترین میزان هزینه برای نجات کمپانیهای خصوصی در تاریخ جهان سرمایه داری است، در انتها از مالیاتهای مردم هزینه می شود. برای جامعه عمل پوشاندن به این کلاهبرداری مالی، توافق هر دو حزب جمهوری خواه و دمکرات نیز به دست آمد. جالب توجه آن که هیچ تحقیقاتی نیز در باره منشا و چگونگی شکل گیری این بزرگترین اقتضاح اقتصادی جهان صورت نگرفت. هیچیک از دو حزب نامبرده علایمی که حاکی از تلاش آنان برای روشن شدن علت وقوع این بحران باشد از خود بروز ندادند زیرا هر دو با تمام هستی به سرمایه دارانی که مسئول این امر هستند، وابستگی دارند. وقتی منافع غولهای مالی در میان است، طبقه ممتاز سیاسی و همه نهادهای رسمی جامعه در کنار یکدیگر و علیه منافع مردم زحمتکش قرار می گیرند.

بحران مالی دو موسسه بزرگ مالی و اعتباری وام مسکن که ۸۰ درصد

وامهای خانه های تازه ساخته شده در آمریکا به آنها تعلق دارد، نشاندهنده شکست سرمایه داری آمریکا و نجات آنها به دست دولت رو شدن دست سیستمی است که بر اساس منافع سرمایه داری عمل می کند. در اختیار دولت قرار گرفتن این دو موسسه، تحت شرایط فرسایش اعتماد بین المللی نه تنها به این دو موسسه بلکه، به دولت آمریکا صورت می گیرد. این رویداد هر چه بیشتر اعتماد بین المللی را نسبت به اقتصاد آمریکا از بین برده و تنزل بیشتر دلار و افزایش نرخ بهره ای که این کشور باید به اعتبار دهندگان خارجی بدهد را سبب می شود.

سرمایه گذاران جهانی که شامل بانکهای مرکزی و سهام سرمایه گذاریهای دولتی به ویژه در آسیا و روسیه می شوند، میزان زیادی از داراییهای خود را در وامهای مسکن موسساتی که ضامن آنها دولت آمریکا است، سرمایه گذاری کرده اند. دو نهاد "فنی می" و "فردی مک" ضمانت کننده ۵ هزار میلیارد دلار وام مسکن هستند و مقدار بدهی آنان به ۱۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است. هنگامی که بانکهای وام مسکن نتوانستند طلب خود از خریداران خانه اخذ کنند، بی اعتمادی موسسه ها و افراد سپرده گذار در این بانکها برانگیخته شد و در نتیجه آنها پول خود را بیرون کشیدند؛ امری که به دفعات سبب ایجاد بحران در اقتصاد آمریکا گشته است.

این امر در همزمان وضعیت بدهیهای دولت آمریکا را که شامل سپرده های خزانه داری آن نیز می شود نیز زیر سوال برده است.

میزان بدهیهای آمریکا در تفاوت فاحشی با دیگر کشورهای جهان قرار دارد. در حال حاضر کسری موجود با سرازیر شدن میلیاردها دلار از بیرون مرز تامین می شود به طوری که روزانه ۴ میلیون دلار سرمایه خارجی وارد کشور می شود. از این رو، تقبل بدهی این دو کمپانی در حالی که به مرز نابودی رسیده بودند، باعث افزایش قابل توجه بدهیهای دولت شده و کاپیتالیسم آمریکایی را به بحران عمیق تری سوق می دهد.

تفاوت مبلغی که تنها برای نجات دو کمپانی "فنی می" و "فردی مک" از داراییهای مردم هزینه خواهد شد نسبت به بودجه ای که برای زندگی و بهزیستی مردم مقرر شده، سرسام آور است. برای نمونه برای آموزش و پرورش (۶۷/۵)، کمک به بیکاران

(۳۷/۳)، راه سازی و وسایل نقلیه (۵۳/۱) و مسکن (۷/۴) میلیون دلار بودجه تخصیص داده شده است.

اما آن چه که از سوی رسانه های مدافع سرمایه داری منتشر می شود، وعده بهبود بازار وامهای مسکن و تخفیف وضعیت بحرانی بانکها و دیگر موسسه های مالی است. این تلاشها برای میرا کردن خطاهای دو موسسه مذکور و سر پوش گذاشتن بر بی مبالائی و طمع آنان برای کسب منافع کلان به هر قیمت و در کوتاهترین زمان به عمل می آید؛ امری که نشان دهنده امکان وسیع سورچرانی مالی و فرصت طلبی ای است که سیستم سرمایه داری در اختیار نهادهای مالی گذاشته است.

سقوط این دو کمپانی نمونه و نشان وضعیت اقتصادی آمریکا در کل است. در سه دهه اخیر همراه با پوسیده شدن سرمایه داری آمریکا، این نظم اقتصادی در دامن خود مفت خوری و فرصت طلبی مالی را پرورش داده است. در واقع، ثروت اندوزی شکل دیگری به خود گرفته و پروسه کسب آن از پروسه تولید جدا شده است. طبقه ممتاز آمریکا در سطح وسیعی پایه های تولید را از اقتصاد آمریکا حذف کرده و تولیدات به بهای بیکار شدن میلیونها نفر از طبقه کارگر انجام می شود تا سود بیشتری از راه زمین خواری و احتکار یا سفته بازی به دست آید.

برای نمونه در سال ۱۹۸۲ سود کمپانیهای مالی آمریکا ۴ درصد بود اما در سال ۲۰۰۷ به ۴۱ درصد رسید. اولین و مهمترین آثار این روند در افزایش نابرابریهای اجتماعی نمود پیدا کرده است.

## دامنه یابی بحران

بحران مالی آمریکا که از ۱۳ ماه پیش بروز کرد، تنها به این دو موسسه مالی ختم نشد و به سرعت پا به مرحله تازه ای گذاشت. بحران موجود آنچنان رشد سریعی داشته است که عقل سیاستگزاران مالی نیز در حل آن ناتوان است.

تنها چند روز بعد از سقوط آزاد "فردی مک" و "فنی می"، چهارمین بانک سرمایه گذاری بزرگ آمریکا به نام "لیمن برادرز" نیز اعلام ورشکستگی کرد و یک بانک بزرگ دیگر (مریل لینچ اند کو) در لحظه آخر برای نجات خود راهی اندیشید. به این ترتیب، دو غول دیگر "وال استریت" (مرکز بانکها و سرمایه داران در نیویورک) به ورطه سقوط نزدیک شدند.

به همین گونه، "گلدمن ساچز" و "مورگان استنلی"، آخرین بازماندگان بانکهای بزرگ و مستقل سرمایه گذاری آمریکایی، ارزش سهام خود از دست دادند. در این میان

وضعیت بحرانی بانک "مورگان استنلی"، یکی دیگر از نمادهای "وال استریت"، به ویژه بازارهای مالی آمریکا را بیش از پیش متشنج کرد.

از سوی دیگر، هراس سرمایه گذاران به میزانی رسید که حتی ضمانت تاریخی دولت آمریکا برای نجات "آمریکن اینترنشنال گروپ" (AIG) که بزرگترین شرکت بیمه دنیاست، موثر واقع نشد. "واشینگتن میوچوال"، یک موسسه عظیم وام دهنده دیگر، برای بقای خود به دنبال خریدار می گردد. این در حالیست که بانک بریتانیایی "اچ بی او اس پی ال سی" نیز نیمی از ارزش بازار خود را در طول تنها یک هفته از دست داد و خود را به رقیبش "لیودس تی اس بی گروپ پی ال سی" واگذار کرد.

ورشکستگی بانک "لیمن برادرز" در آمریکا، سقوط شدید ارزش سهام در بورسهای عمده آسیایی را نیز به همراه داشته است. بهای سهام در بورسهای توکیو و سئول بیش از چهار درصد کاهش یافت. شاخصهای عمده بورسهای اروپایی نیز کاهش شدیدی داشتند. شاخص بهای سهام در بورس لندن چهار درصد کاهش داشت. این رقم برای شاخص "داوجونز" در آمریکا چهار و نیم درصد بود.

تا کنون ۳ بانک از ۵ بانک اصلی سرمایه گذاری آمریکا در شش ماه گذشته قربانی بحران در بخش اعتباری این کشور شده اند.

ورشکستگی "لیمن برادرز" پس از "فنی می" و "فردی مک" نشان دیگری از پول پرستی و بی قانونی در سیستم سرمایه داری آمریکا را آرایه کرده است. بدترین تحول مالی در "وال استریت" از هنگام رکود بزرگ اقتصادی در دهه ۳۰، تنها نشاندهنده بحران اقتصادی جهانی نیست بلکه، بیانگر فاجعه ای است که رقابت کور در بطن سرمایه داری می پروراند.

زمانی که یک سیستم بانکی سایه، خارج از دسترسی و مقررات دولت آمریکا یا هر کشور دیگر دچار بحران می شود، سیستم مالی جهان را متزلزل می کند. این به منزله پرتاب یک کبریت شعله ور به جنگل مالی جهان است که آن را به آتشی فراگیر کشانده و می سوزاند.

همچنان که هزاران و میلیونها دلار دارایی دود شده به هوا می رود، بانکها ناچار می شوند نرخ سود وامها را بالا برده تا ذخیره نقدینگی خود را افزایش دهند. این امر که زیان آن هم به تولید کنندگان و هم به مصرف کنندگان می رسد، به خفه کردن بیشتر اقتصاد می انجامد. کاهش سود مالیاتها به کاهش خدمات اجتماعی منتهی می شود. قیمت مسکن پایین می آید و به تعداد خانه هایی که صاحبان آن قادر به پرداخت اقساط آن نیستند، افزوده می شود. درصد بیکاری افزایش می یابد و کارورزانی که هنوز دارای شغل هستند، با کم شدن مزد و یا ساعات کار روبرو می شوند.

بقیه در صفحه ۸

## جهان در آینه مرور



بقیه از صفحه ۷

## شکل گیری " بازار آزاد" و سیستم بانکهایی سایه

بازار آزاد که از سالهای ۷۰ توسط سرمایه داران و هر دو جناح دولت آمریکا تشویق و تبلیغ و حمایت می شد، به هرج و مرج تجاری، خصوصی سازی خدمات دولتی و بازار کار بی ثبات راه برده است. اکنون بعد از سالها روضه خوانی در باره "مسئولیت شخصی" برای مزد بگیران جامعه و حمله به مردم فقیر به دلیل نیاز آنها به خدمات اجتماعی، "وال استریت" به دامن دولت آویزان می شود تا از جیب مالیات دهندگان کشور، میلیاردها دلار وام با بهره ناچیز بگیرد.

این بحران در نتیجه هرج و مرج سیستم "بازار آزاد" و طمع سیر نشدنی بخش کوچکی که به طور مداوم در پی کسب ثروت و قدرت بیشتری است بدون آن که به بهایی که باید برای بحرانهای ناشی از آن پرداخت شود بیندیشد، ایجاد شده است.

پایین آمدن قیمت مسکن نمی تواند مسئول سقوطی به این وزن و گستردگی باشد. در واقع، ورشکستگی مسکن کاتالیزوری برای شکل گیری این قدرت انفجاری یعنی، بدهیهای بیشتر از این نوع در سیستم بانکی سایه که با آزادگذاری (Deregulation) به وجود آمده، است. مغز متفکر سیستم بانکی سایه که از مقررات دولتی معاف است، سناتور جمهوری خواه سابق تگزاس، "فیل گرام" بود. او اکنون مشاور اقتصادی مک کین و به احتمال زیاد گزینه ی او برای وزارت خزانه داری کشور در صورتی که انتخاب شود، است. این در حالی است که بیبل کلبنتون، رییس جمهور دمکرات این سیستم بانکی را قانونی کرد. بدین وسیله دیوار قانونی محکمی که بین بانکهای تجاری، شرکتهای بیمه و بانکهای سرمایه گذاری ایجاد شده بود، از میان برداشته شد. بانکها به ناگهان آزاد شدند تا سرمایه گذارهایی با ریسک بیشتر انجام دهند.

سیستم بانکی سایه در دهه های اخیر به سرعت رشد کرد، به طوری که بیش از ۱۰ تریلیون دلار تا سال ۲۰۰۷ دارای ائبار کرد. در همان حال که این سیستم رشد می کرد و به منبع مالی برای سوخت رسانی به اقتصاد آمریکا تبدیل شده بود، خود دچار بحران گردید. این در حالی ست که بانکهای تحت کنترل دولت که می توانستند به طور مستقیم از دولت وام بگیرند، چنین مشکلی نداشتند. سیستم بانکی سایه منبعی که بتواند در دوران تنگنا با اطمینان از آن وامهای کوتاه مدت بگیرد، نداشت.

بسیاری از متخصصان اقتصادی معتقدند تا زمانی که در شبکه سایه ای تغییراتی بنیادی صورت نگیرد و زیر چتر سیستمی مقرر شده قرار نگیرد، خطر بروز بحرانهای گسترده همواره وجود خواهد داشت. آنها در

باره ابعادی که این بحرانها می تواند پیدا کند هشدار می دهند، آن چه که امروز در جریان است در مقایسه با توفانی که می تواند تمامی سیستم مالی جهانی را به خطر اندازد، ناچیز شمرده می شود.

قابل ذکر است که "اندرو جکسون"، یکی از روسای جمهور آمریکا سیستم خصوصی سازی بانک مرکزی را از میان برد و او تنها رییس جمهوری است که توانست بدهی دولت را پاک کند. چهار رییس جمهور دیگر، تهدید به پیروی از این امر کردند و به طور مشکوکی ترور شدند.\*

سیستم مالی جهان در آستانه بدترین بحران از رکود ۱۹۳۰ به این طرف قرار گرفته و روزهای بدتر هنوز در پیش است. این امر تنها شامل بانکها و زمین خواران "وال استریت" نمی شود بلکه و فراتر از آن، تأثیرات خود را در هر گوشه و کنار ایالات متحده آمریکا و سراسر جهان به جا می گذارد. تجارت جهانی اکنون دچار زلزله ای ساخت بشر شده است و مردم زحمتکش باید بهای فزاینده فزاینده اقتصادی ناشی از آن را بپردازند. افزایش قیمت مواد غذایی، میلیونها خانه رها شده، بیکاری بیشتر، رشد فقر، کاهش برنامه های خدماتی دولت و رشد بحران بیشتر در جامعه در پیش است.

سقوط "وال استریت" و بحران مالی آمریکا که به دیگر نقاط جهان رخنه کرده است، اعلام جرم علیه سیستم سرمایه داری است و یکبار دیگر گفته مارکس و انگلس که بیش از ۱۵۰ سال پیش کاپیتالیسم را "نامناسب برای اداره کشور" خواندند، ثابت می کند.

به هر رو، هر شکلی که این فاجعه مالی بگیرد، یک اصل حتمی است: سرمایه داری همیشه پرداخت بهای بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان جامعه می اندازد. این بار وحشیگری این سیستم از پرده بیرونی افتاده است. بحرانی به وجود آمده که هیچ نسلی آنرا به این شکل و وزن تجربه نکرده است. برای میلیونها نفر این سوال پیش می آید که چرا باید هزینه ای را بپردازند که یک اقلیت کوچک ثروتمند بر آنها تحمیل کرده است.

شدت و عمق این بحران، نیاز به آلترناتیو دیگری فراتر از گذاشتن مقررات جدید برای بانکها و دخالت دولت برای نجات آنها که آزادانه با غارت ثروت ملی صورت می گیرد را مبرم تر کرده است.

سوسیالیسم، سیستمی که متعهد به پرنسپهای همبستگی اجتماعی، عدالت و دمکراسی پایه ریزی می شود و از انباشته شدن قدرت و ثروت در دست عده ای کوچک جلوگیری می کند، پاسخ عملی وضعیت موجود است.

تنها گزینه واقعی و مترقی برای این بحرانها، پیروی از برنامه های سوسیالیستی، ملی کردن کل سیستم مالی تحت نظارت و کنترل دمکراتیک طبقه کارگر و مزد بگیر جامعه است. ثروت و منابع کشور باید همواره رو به برطرف کردن نیازهای جامعه داشته باشد و نه ارضای تمایلات غارتگران و سفته بازان!

\* آبراهام لینکلن، جیمز ای. گارفیلد، ویلیام مک کینلی و جان اف. کندی

## پرواز شیخ در آستانه واپسین روز

بقیه از صفحه ۶

پولهای گذشته به کجا رفتند، آیا دود شدند و به هوا رفتند؟ مگر شعبده بازی است که چند بانک بنشینند و چند صد میلیارد دلار را یک شبه وارد بازار پولی جهان کنند. با این حجم وسیع نقدینگی بازار به چه روز خواهد افتاد؟ تورم ناشی از آن را چه خواهند کرد؟ یعنی آنان نمی دانند این حجم از نقدینگی بهای کالاهای اساسی را به چند برابر کنونی افزایش خواهد داد؟ در آن صورت آیا از هم اکنون تصمیم دارند که دستمزدها را بالا برند؟ معلوم است که نه. پس باز این مردم مزدبگیر و توده فقیر هستند که کمر شان زیر بار این حجم وسیع نقدینگی خرد خواهد شد و امکان برخاستن برای آنها هرگز میسر نخواهد بود. مابه التفاوت پولهای وارد شده به بازار را باید همین مردم بی چیز بپردازند. این که امکان ندارد مگر به قیمت خانه خرابی بخش وسیعی از آنها. یعنی، از هم اکنون باید در انتظار خانه خرابی بیشتر و فقر و گرسنگی وسیع تر در همه کشورها بود. اکنون این بهشت سرمایه داری یعنی آمریکا است که باید به اقتصاد جهانی حساب پس دهد زیرا تبدیل دلار به معیار سنجش ارزش پول جهانی آنچنان بی ارزش شده است که قادر به کنترل بازارهای خود نیست تا چه رسد به دیگر نقاط دنیا! تعویض ارزش گذاری پول از طلا به دلار و تعهد به تبدیل آن به ارزش واقعی اکنون گریبان دروغگویان و حساب سازان را گرفته است. دیگر با هیچ عدد و رقم سازی ای قادر به فریب دیگران نیستند. زیرا همه دیوارهای به ظاهر محکم ساختمانهای بازارهای مالی آمریکا فرو ریخته و اقتصاد بیمارارش در زیر آوار آن در حال احتضار است. این بیمار هیچ امیدی به بهبودی اش نمی رود زیرا پیر و فوتوت تر از آنی است که تصورش می رفت. این دیگر توده های بی سواد و یا عقب نگه داشته شده کشورهای پیرامونی نیستند که بتوان برایشان آسمان و ریسمان را بهم بافت و هزار دلیل فرا زومنی آورد که مورد غضب الهی واقع شده اند. اکنون این توده های وسیع کشورهای به ظاهر پیشرفته اند که با چشم خویش شاهد خانه خرابی و از دست رفتن همه دستاوردهای تا کنونی خویش شده اند. آنانی که فکر می کنند این مردم نظاره گر خواهند بود تا آنها هر کاری که دلشان می خواهد بکنند، سخت در اشتباهاند. از هم اکنون می شود حدس زد که باید در انتظار موج وسیعی از اعتراضها و اعتصابها بود. احتمال این که این اعتراضها از حد قابل کنترل آنها فراتر رود هم زیاد است. با این بحران بی آیندگی ای که سرمایه داری برای مردم جهان به ارمغان آورده است و همزمان نابود سازی سازمانهای سیاسی و مترقی و هیستری حذف کمونیستها از سطح جامعه فکر می کند که خواهد توانست از این امواج خروشان بگریزد. این تفکر بسیار بیهوده است. بالفعل شدن قدرتهای بالقوه مردم و حرکت آنان به جانبی که راه چاره ای برای خانه خرابی خود بیابد، بسیار فراهم است.

اکنون می رود تا بار دیگر شبی ترسناک بر فراز سر یغماگران و دزدان و غارتگران جان و مال انسانها به پرواز درآید. این بار دیگر موضوع از جنسی است که به سوی تعیین تکلیف میل خواهد کرد. شتاب حرکت به حدی است که بسیار از آنچه که مراکز فریب سازی تصورش را می کردند، سریع تر اتفاق خواهد افتاد. اگر پایانی بر جهان سرمایه فرض باشد، اکنون باید گفت که در آستانه آن قرار دارند. آنانی که جهان را به سیه روزی انداخته اند، کسانی که مردم را خانه خراب کرده اند و تبهکارانی که عده زیادی را عزادار و داغدار کرده و اموال آنان را به غارت برده اند، اکنون دیگر باید بترسند زیرا به روز واپسین شان نزدیک می شوند.



## تداوم دخالت‌های رژیم استبدادی مذهبی در مسایل عراق، توافقنامه سופا و دغدغه های رژیم

الف. آناهیتا

ماه گذشته یک مقام بلند پایه اطلاعاتی ارتش آمریکا از بغداد بار دیگر رژیم ایران را به آموزش شبه نظامیان شیعه عراقی متهم کرد. به گزارش خبرگزاری اسوشیتد پرس، این مقام اطلاعاتی ارتش آمریکا اعلام کرد که تیمهای ترور و انفجار شبه نظامیان شیعه عراقی دستکم در چهار نقطه ایران توسط نیروی قدس سپاه پاسداران و حزب الله لبنان آموزش می بینند. این منبع ادامه می دهد که بر پایه اطلاعات به دست آمده از شبه نظامیان دستگیر شده و دیگر منابع اطلاعاتی، این شبه نظامیان قرار است در چند ماه آینده برای ترور برخی مقامهای عراقی و کشتن نیروهای آمریکایی و عراقی به خاک عراق بازگردند. چندین فهرست از هدفهای احتمالی این تیمهای ترور توسط همین مقام اطلاعاتی ارتش آمریکا در اختیار مشاور امنیت ملی عراق قرار داده شده است. به همین جهت سازمان اطلاعات عراق در حال آماده شدن برای انجام رشته عملیاتی به منظور تعیین زمان و مکان نفوذ این شبه نظامیان به خاک عراق است. علاوه بر این، برای شناسایی سر گروه آنها، عکسهای او در بغداد پخش شده است. به گفته این افسر اطلاعاتی، انتظار می رود که این تیمها در ماه اکتبر به درون عراق فرستاده شوند. وی ادامه می دهد که پس از یورش نیروهای دولتی عراق به پایگاههای شبه نظامیان شیعه در بصره، شهرک صدر، العماره و استان دیاله، بسیاری از این افراد در بهار امسال به ایران فرار کردند. این شبه نظامیان دست کم در چهار شهر قم، تهران، اهواز و مشهد آموزش می بینند. بنا بر گفته این افسر اطلاعاتی، شمار گروههای تبهکاری که از سوی رژیم تغذیه می شوند نامشخص است اما آمارها رقمی میان چند صد و احتمالاً بیش از یک هزار گروه را نشان می دهد. آموزش این نیروها به دست نیروی قدس و به فرماندهی قاسم سلیمانی و با اطلاع علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم صورت می گیرد.

مدت کوتاهی بعد از انتشار این خبر، دولت آمریکا عبدالرضا شهلائی را به عنوان قائم مقام فرمانده نیروی قدس، یگان عملیات خارجی سپاه پاسداران رژیم معرفی کرد که از افراطیون شیعه حمایت می کند. در بیانیه دولت آمریکا آمده است: "در

یک مورد، شهلائی حمله روز ۲۰ ژانویه ۲۰۰۷ توسط گروههای ویژه جیش المهدی علیه سربازان آمریکایی مستقر در "مرکز هماهنگی مشترک استانی" در کربلای عراق را طراحی کرد.

پیش از این نیز ژنرال دیوید پترایوس، فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق در گزارش خود به کنگره آمریکا گفته بود که رژیم از طریق نیروی قدس در عراق مداخله می کند و قصد دارد از طریق این نیرو، گروههایی در عراق را به نیرویی مانند حزب الله برای تامین منافع اش در منطقه تبدیل کند.

بنابراین رژیم ولایت فقیه برای چندین بار از سوی دولت آمریکا به حمایت آموزشی و تسلیحاتی نیروی قدس از گروههای وابسته به سپاه مهدی تحت هدایت مقتدی صدر متهم شد.

همه شواهد و قراین بر این نکته تاکید می کند که رژیم ایران، از بحران سازی جهت ادامه حاکمیت انگلی خود، دخالت در مسایل عراق، کشتار مردم عراق، سرکوب نیروهای مترقی و سکولار عقب نشسته است.

یکی دیگر از رخدادهای مهم مرداد و شهریور ماه، مساله امضای توافقنامه بین دولت آمریکا و دولت عراق است که به دنبال سفر غیرمترقبه وزیر امور خارجه آمریکا در ماه آگوست به بغداد و گفت و گو با مقامهای عراقی شکل جدی تری به خود گرفت. از سوی دیگر، مقتدی صدر که به موازات منافع ارتجاع و بنیادگرایی در منطقه حرکت می کند، ضمن محکوم کردن سفر غیرمترقبه کاندولیزا رایس به بغداد اعلام کرد که این سفر برای فشار آوردن به مقامات بغداد صورت گرفته تا آنان شرایط واشنگتن درباره توافقنامه را بپذیرند. وزیر خارجه عراق نیز اعلام کرد که توافقنامه مذکور بزودی بین واشنگتن و عراق امضا خواهد شد و علی دباغ، سخنگوی دولت عراق نیز خبر داد که در توافقنامه، تاریخ مشخصی برای عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق وجود ندارد. خبرگزاری اصوات العراق نیز گزارش داد، هوشیار زیباری در جریان دیدار با "ووک برمیچ"، همتای صرب خود در شهر قاهره ابراز داشته است که عراق به زودی توافقنامه امنیتی با آمریکا را امضا خواهد کرد. در همین رابطه سخنگوی رسمی دولت عراق نیز اعلام کرد که میان بغداد و واشنگتن از چند ماه پیش

مذاکراتی به منظور دستیابی به توافقنامه امنیتی آغاز شده و به پایان رسیده که در قالب یک پیش نویس خلاصه شده است. وزیر امور خارجه آمریکا در زمان پرواز به سوی بغداد به خبرنگاران گفت: "این یک حقیقت غیرقابل کتمان است که مذاکره کنندگان به توافق نهایی بسیار نزدیک شده اند ولی این به معنای آن نیست که بگوییم در حال حاضر توافق حاصل شده است و یا امروز به آن دست خواهیم یافت."



نیروهای آمریکایی بر اساس مهلت قانونی که از طرف سازمان ملل تعیین شده می بایست تا آخر ماه دسامبر امسال عراق را ترک کنند اما امضای این توافقنامه به آنان اجازه می دهد که برای مدت زمان طولانی در عراق باقی بمانند. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات آمریکایی و عراق اعلام کرد که پیش نویس جدید توافقنامه امنیتی واشنگتن و بغداد آماده شده و مذاکره کنندگان دو کشور در مورد این پیش نویس به توافق رسیده اند. نیویورک تایمز مورخ ۳۱ اوت به نقل از دو تن از خبرنگاران خود در بغداد نوشت که این توافقنامه هنوز مورد تایید مقامهای سیاسی دو کشور قرار نگرفته است اما با توجه به این که ماموریت سازمان ملل متحد که به نیروهای آمریکایی امکان می دهد در عراق فعالیت کنند در پایان سال جاری خاتمه پیدا می کند، دستیابی به توافقنامه امنیتی بین عراق و آمریکا بسیار مهم شده است.

به نوشته این روزنامه، هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق اظهار داشت که مذاکره کنندگان دو طرف بر سر پیش نویس متن توافقنامه از نظر فنی و حقوقی به توافق رسیده اند. او با این وجود گفت که این توافقنامه باید توسط رهبران سیاسی دو کشور از جمله نوری المالکی، نخست وزیر عراق به تصویب برسد.

باید همین جا متذکر شد که المالکی خرداد ماه گذشته در سفر به ایران و دیدار با رهبران جمهوری اسلامی گفت که اجازه نخواهد داد که عراق پایگاهی برای حمله به ایران شود.

البته این تاکتیک المالکی که قصد دارد با هر دو طرف یعنی، هم آمریکا و هم رژیم ایران سر آشتی و دوستی را حفظ کند نمی تواند دبری بپاید زیرا او به خوبی می داند که در صورت سلطه رژیم بر عراق، موقعیت او نیز به خطر می افتد و اهرمهای قدرت را از دست خواهد داد، بنابراین منافع او در آسوی این معادله تامین می شود.

و مجدداً به گفته زیباری، دو طرف به این نتیجه گیری رسیده اند که نیازی برای مذاکرات بیشتر در رابطه با توافقنامه نیست و پیش نویس توافقنامه وجود دارد و هم اکنون این یک تصمیم گیری سیاسی است. همزمان او اعلام کرد که این توافقنامه هنوز دارای جدول زمانی مشخص برای خروج نیروهای آمریکایی نیست.

بر اساس گزارش بخش تحقیقاتی کنگره آمریکا، ایالات متحده آمریکا بخش بزرگی از موافقتنامه های چند جانبه و دو جانبه در رابطه با موقعیت نیروی نظامی یک کشور زمانی که در کشورهای خارجی حضور دارد را به خود اختصاص داده است. این توافقنامه ها معمولاً به قرارداد "سوپا" معروف است که در مجموع، چارچوب عملکرد پرسنل نیروی نظامی آمریکا در کشور خارجی را تعیین و علاوه بر این، چگونگی قوانین آن کشور در حوزه قضایی پیرامون حضور نیروی نظامی آمریکا را مشخص می کند.

با امضای بیانیه، مواد اصلی بین جرج بوش و نوری المالکی در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۷، مساله امضای توافقنامه "سوپا" بین دولت آمریکا و عراق مورد توجه کنگره آمریکا قرار گرفته است. البته آنان پیرامون این که قرارداد "سوپا" با دولت عراق چه مسایلی را می بایست تحت پوشش قرار بدهد با توجه به تاییدی که در گذشته با امضای توافقنامه مذکور به کشورهای دیگر گرفته اند، در حال بحث و گفتگو هستند. توافقنامه "سوپا" ممکن است جهت تامین اهداف و فعالیتهای به خصوص در یک ارتباط طولانی امضا شود و حداکثر قابلیت انعطاف پذیری و اجرایی را بین دو کشور فراهم سازد. توافقنامه مزبور می تواند شامل بخشهای متفاوتی باشد اما کلیدی ترین مورد، مصونیت پرسنل نظامی آمریکا هنگام حضور در یک کشور خارجی می باشد. پوشش نظامی، حمل سلاح، قوانین مرکی، مالیات و دستمزد می تواند جزو مواردی باشند که در این توافقنامه ذکر می شود. توافقنامه "سوپا" در بسیاری موارد همراه قراردادهای نظامی دیگر به عنوان قسمتی از یک قرارداد امنیتی جامع با یک کشور ویژه امضا می شود. "سوپا" به تنهایی یک نظم امنیتی را تشکیل نمی دهد، اگرچه پیش شرط حقوقی و اجازه عمل نیروی نظامی آمریکا در یک کشور خارجی را جهت تامین یک نظم امنیتی وسیع تر برقرار می کند.

گفته می شود که دولت آمریکا قصد دارد دو توافقنامه مجزا با دولت عراق به امضا برساند: ۱- قرارداد غیراجباری امنیتی ۲- بقیه در صفحه ۱۰

## دستگیری خانواده های قتل عام شدگان تابستان ۶۷ ادامه همان سیاست توسط رژیم است.

جعفر پویه

بزرگداشت زندانیان سیاسی قتلعام شده در تابستان ۶۷ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی را به وحشت می اندازد. به همین دلیل عمال رژیم به هر وسیله ای سعی در فراموش کردن و یا فراموش شدن آن از اذهان همگانی دارند. از پرده برون افتادن قتلعام هزاران فعال سیاسی به دستور مستقیم خمینی رهبر و بنیانگذار رژیم، بسیاری از امران و عاملان آنرا وحشت زده کرده است. رژیم با همدستی هم پیمانان بین المللی خود در این فاجعه سعی می کند تا ابعاد آنرا هرچه کوچکتر و کم اهمیت تر جلوه دهد. اما وقتی که دید در برابر اراده خانواده ها و دوستان و رفقای قتل عام شدگان نمی تواند کاری کند، سعی کرد تا به وسیله مبلغان خود ایده فراموش نکردن و بخشیدن عامران و عاملان این فاجعه را تبلیغ کند.

در بیست امین سالگرد این فاجعه ملی، آدمکشان وزارت اطلاعات با تهدید خانواده ها و دوستان قتلعام شدگان سعی کردند تا جلو برگزاری مراسم بزرگداشت و یادبود آن عزیزان را بگیرند. اما آنان نمی خواهند باور کنند که در برابر اراده های استواری که سعی در افشا کردن جنایت آنان دارند بسیار ناتوانتر از آنی هستند که می نمایند.

به همین دلیل در بیست و مین سالگرد فاجعه، گماشتگان استبداد و اوباش حکومتی مدافع قتلعام انسانها با یورش بی سابقه ای به محوطه گلزار خاوران و اشغال آن تا شعاع چند صدمتری سعی در پراکنده کردن کسانی کردند که برای بزرگداشت یاد عزیزانشان به آنجا مراجعه کرده بودند.

استقامت مراجعه کنندگان در برابر گله اوباشان حکومتی باعث شد که تعداد بسیاری دستگیر و به مکانهای نامعلومی منتقل شوند. طبق اخبار منتشره بیش از ۳۰ نفر در این روز بازداشت شده اند.

خانواده سولماز ایگدر یکی از بازداشت شدگان می گویند که از محل نگهداری فرزندشان بی اطلاع هستند و مقامات حاضر به پاسخگویی به آنها درباره بازداشت سولماز نیستند. همچنین از سرنوشت امیر امیرقلی دانشجوی دانشگاه آزاد قزوین که بازداشت شده اطلاعی در دست نیست.

اوباش حکومتی رژیم ولایت فقیه به تاوان افشای جنایت رهبران خود فرزندان و اعضا خانواده های قتلعام شدگان را دستگیر و سعی می کند تا با رعب و وحشت آنانرا به سکوت وادارند.

مبلغان بخشودن رژیم و فراموشی جنایات رهبران مذهبی آن که روی هیتلر در هلوکاست را سفید کرده اند، اکنون بگویند که آیا بازم فکر می کنند پایوران چنین رژیمی با اینگونه برخورد با خانواده های قتلعام شدگان شایسته بخشش هستند؟

امرآن و عاملان قتلعام رشیدترین فرزندان مردم ایران روزی باید پاسخگوی کرده خود باشند. تصمیم به چگونگی آن نیز به عهده دادگاههای وجدانه های بیدار مردم ایران است. زیرا آنها نه سعی دارند این جنایت تاریخی را فراموش کنند و نه عاملان و عامران آنرا ببخشند. تجمع پرتعداد آنها علارغم ممنوعیت رژیم به حضور در گلزار خاوران گواه آنست.

آدینه ۱۵ شهریور

بنابراین، طولانی شدن بحران در عراق به نفع ارتجاع می باشد و

دقیقا به همین دلیل با امضای توافقنامه مذکور از نقطه نظر منافع طبقاتی خود به شدت مخالفت می کند. در واقع رژیم ولایت فقیه سوخت اصلی برای حکومت را از بحرانهای خارجی به دست می آورد و منافعی به کلی در تضاد با

ثبات کشورهای همسایه دارد و برعکس، بی ثباتی این کشورها به سود او کار می کند. ارتجاع حاکم در این مسیر از هر ابزاری جهت دامن زدن به بی ثباتی و علیه صلح در منطقه استفاده می کند. رژیم سرکوبگر ولایت فقیه با تشدید بحران خارجی، و تولید و بازتولید دستگاه عریض و طویل نظامی، سرکوب داخلی را آسانتر پیش می برد. همزمان بودجه نظامی را

هرچه بیشتر بالا می برد و بدین وسیله همواره تلاش می کند بحران داخلی را سرکوب و مهار کند. از سوی دیگر، در خارج از مرزها به وسیله شرایط اسفناکی که خود برای مردم منطقه ایجاد کرده است، نیروی ذخیره نیز ایجاد می کند. پاسدار جعفری، فرمانده کل سپاه در همین رابطه می گوید،

عمق استراتژیک دفاعی رژیم "در واقع کل جغرافیای حضور حق طلبان و سلطه ستیزان جهان است." او اضافه می کند: "ما دیگر برای دفاع از ایران اسلامی تنها به دفاع در منطقه مرزی متکی نیستیم و این توسعه انقلاب (بخوانید توسعه بنیادگرایی) در خارج از مرزها یک پیروزی و موفقیت بزرگ است." او همچنین اضافه می کند: "هر چند انقلاب اسلامی جهانی شده و کسی در داخل نمی تواند جلودار ما باشد ولی این تهدیدات به صورت بالقوه وجود دارد."

همین جملات به طور روشن نشان می دهد که ارتجاع حاکم به خوبی می داند که از هیچ مشروعیتی از جانب مردم ایران برخوردار نیست و برای مهار اعتراضهای مردمی که برای مطالبه حقوق خود به پا

خواسته اند، می بایست بحران خارجی را جهت غلبه بر بحرانهای داخلی هر چه بیشتر در دستور کار قرار دهد.

امضای توافقنامه "سوفاف" بین دولت آمریکا و عراق اگر چه جهت پیشبرد نظرات و عملکرد آمریکا بعنوان رهبر دهکده جهانی در خاورمیانه می باشد اما منافع عمق استراتژیک دفاعی رژیم - آنچنان که جعفری، این عنصر جنایتکار رژیم عنوان می کند - را با منافع

روبرو می سازد.

اساس توافقنامه همکاری مذکور صورت گیرد.

حمایت از دولت عراق در آموزش و تجهیز و مسلح کردن نیروهای نظامی عراق برای حمایت از کشور و ملت عراق و تکمیل تشکیلات اداری به شیوه ای که دولت عراق درخواست کند.

با گذشت زمان و نزدیک شدن تاریخ خروج نیروهای آمریکایی از عراق، امضای توافقنامه آمریکا و عراق به یکی از مهمترین دغدغه های رژیم ایران نیز تبدیل شده است. توافقنامه "سوفاف" که در

راستای تثبیت هژمونی امپریالیسم آمریکا بر منطقه و جهان و بیش از هر چیز در راستای تامین منافع شرکتها و انحصارات تسلیحاتی با کشورهای خارجی امضا می شود،

دقیقا در تضاد با خواستهای ارتجاع حاکم بر تهران که به نوبه خود خواستار سلطه بر عراق و منطقه است، قرار گرفته است. رژیم ولایت فقیه سعی می کند با دخالت در مسایل داخلی عراق از طریق

اشاعه و پرورش گروههای ارتجاعی و استفاده از مهره های دست پرورده خود در ساختار سیاسی عراق، امضای این توافقنامه را تا انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا به تعویق

بیاورد و در این مسیر از فرصت ایجاد شده در تامین منافع ارتجاعی خود بیشترین بهره را ببرد. رژیم امید دارد که با تشدید بحران در عراق و منطقه در فرصت ایجاد شده تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و جایجایی در قدرت،

شرایطی به وجود آورد و یا شرایطی به وجود آید که در اصل این توافقنامه هرگز امضا نشود و بدین ترتیب مسیر سلطه بر عراق و منطقه در راستای تامین منافع عقب افتاده انگلی و سیاستهای توسعه طلبانه اش هموار گردد.

ماهیت رژیم ولایت فقیه در تضاد کامل با ثبات و صلح در منطقه است. این رژیم به طور ذاتی با بحران زندگی می کند که این یکی از مهمترین مشخصه های همه نظامهای ایدئولوژیک می باشد زیرا

اگر در خارج از مرزها اقدام به بحران آفرینی نکند، قادر نیست بحرانهای داخلی را مهار کند. با ایجاد بحران در خارج از مرزها فضایی ایجاد می شود که حکومت انگلی ولایت فقیه قادر است به مدد آن به حیات ننگین و متزلزل خود ادامه دهد؛ همانطور که حمله به عراق و اشغال این کشور تا کنون برای ادامه حیات رژیم و پیشبرد منافع آن در منطقه و سرکوب مردم در داخل، نقش

بسیار عمده ای را بازی کرده است.

تداوم دخالتهای رژیم

استبدادی مذهبی در

مسایل عراق

بقیه از صفحه ۹ قرارداد "سوفاف". در ضمن، قرارداد "سوفاف" که قرار است بین دولت عراق و دولت آمریکا امضا شود، نسبت به قراردادهای "سوفاف" که

بین آمریکا و کشورهای دیگر منعقد شده است، بی همتاست زیرا در این توافقنامه همچنین کشور میزبان یعنی عراق، اختیار تام در صدور فرمان مداخله نظامی به ارتش آمریکا را دارد. ایالات

متحده آمریکا اکنون در ۱۰۰ توافقنامه که می تواند "سوفاف" به حساب آید، شراکت دارد. در بخشی از بندهای محرمانه متن پیش نویس توافقنامه مذکور که توسط برخی رسانه ها به چاپ

رسیده (و البته علی دباغ، سخنگوی دولت عراق ابراز داشته که این پیش نویس قدیمی است) آمده است که:

- سقف زمانی حضور نیروها در عراق طولانی مدت و نامحدود است و تعیین آن به شرایط این کشور وابسته است و بازنگری در این مساله به دولت عراق و دولت آمریکا مربوط می شود. اما این

بازنگری نیز بسته به آن است که عملکرد سازمانهای امنیتی و نظامی عراق و همچنین وضع امنیتی این کشور بهبود یابد، آشتی ملی تحقق پذیرد، تروریسم

از بین برود، به کشورهای همجوار اخطار داده شود، دولت عراق کنترل کامل کشور را به دست گیرد و به امکان عمل و حضور گروه های شبه نظامی پایان دهد

و بر سر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور توافق شود. - آرایه تضمینهای امنیتی به دولت عراق مبنی بر مقابله با هرگونه تجاوز خارجی که عراق و حاکمیت و استقلال اراضی، قلمرو آبی یا هوایی این کشور را مورد تهدید قرار دهد.

- یاری دولت عراق در تلاش برای مبارزه با گروههای تروریستی و در راس آنها سازمان القاعده و همه گروههای قانون شکن صرفنظر از وابستگیهایشان و از بین بردن شبکه های پشتیبانی و منابع حمایت مالی آنها و شکست دادن این گروهها و ریشه کنی آنها در عراق به این ترتیب که شیوه ها و ساز

و کارهای یاری دولت عراق بر

## رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

### سخن روز

- تنها مادران می توانند به آینده بیاندیشند زیرا آن را در وجود کودکان متولد کرده اند.

- بدون فلسفه نمی توان زندگی کرد زیرا هر پدیده معنایی در خود نهفته دارد که ما باید آنرا کشف کنیم (ماکسیم گورگی ۱۸۶۸-۱۹۳۶، نویسنده روسی، فعال سیاسی)

### کتاب

#### انتشار رمان "جواهر مدینه"

رمان "جواهر مدینه" که ناشر آمریکایی انتشارات "راندوم هاوس" از بیم واکنش مسلمانان بنیادگرا آن را چاپ نکرده بود، از سوی ناشری آلمانی منتشر می شود. قرار است تا زمان انتشار این رمان نام ناشرش فاش نشود.

گفته می شود که رمان مذکور غیر از آلمان در ایتالیا، اسپانیا، برزیل و مجارستان نیز منتشر خواهد شد.

پیشتر، روحانیون بنیادگرا در صربستان در برابر انتشار رمان "جواهر مدینه" در این کشور واکنشهای سختی نشان داده بودند.

شری جونز، نویسنده آمریکایی این رمان را درباره پیامبر مسلمانان و عایشه، همسر او نوشته است.

#### "سیندرلا" باید حجاب کند چرا "کتاب برتر" کودک و نوجوان شناخته نشد؟

هیچ کتابی به عنوان "کتاب برتر" در سومین دوره "جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان" انتخاب نشد.

آقای ناصر جانپان پور، مدیر انتشارات "علوم و پوشش" این امر را با توجه به نابسامانی اوضاع نشر پدیده‌های طبیعی دانست. وی گفت: "این باعث خجالت است که هیچ کتابی علی‌رغم فعالیت دو هزار ناشر به عنوان "کتاب برتر" شناخته نشده است و این هنری است که فقط از مسئولان فرهنگ ما برمی آید."

مدیر انتشارات "علم و پوشش" با انتقاد از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل ممیزی کتاب گفت: "آیا واقعا این موضوع مهم است که "سیندرلا" حجاب کند؟! اگر قرار است به آثاری همچون "سیندرلا" به صرف این که روسری بر سر ندارد، مجوز ندهند، پس به چه کتابهایی مجوز می‌دهند؟ اصلا ما به بچه‌ها چه عرضه کرده‌ایم که این‌قدر سخت‌گیرانه نسبت به ادبیات کلاسیک جهان نگاه می‌کنیم؟"

مدیر مسئول نشر علم و پوشش تاکید کرد: "در این فضا چه انگیزه‌ای برای من ناشر، به منظور تولید بهترین کتاب، انتخاب بهترین نویسنده و تصویرگر و تفکر بر روی فرم کتابها یا بازار یابی آنها خواهد ماند؟"

### موسیقی

#### هیتلر، آیت الله خامنه ای و موگابه در کنسرت "مدونا"

مدونا، خواننده سرشناس پاپ که به تازگی جشن پنجاهمین سالگرد تولد خود را برگزار کرد، در اولین کنسرت از دور جدید کنسرت‌های جهانی اش در کاردیف، ولز در استادیومی با حضور چهل هزار تن از هوادارانش، در حین اجرای ترانه ای به نام "Get Stupid" تصویر آیت الله خامنه ای را در کنار تصاویری از ویرانی، اثرات گرم شدن زمین، آدولف هیتلر، جان مک کین و رابرت موگابه، رهبر زیمبابوه به نمایش گذاشت.

### فیلم و تاتر

#### یک نمایشنامه بر اساس شعری از شاملو

حمید پور آذری شعر "حسین قلی مردی که لب نداشت" از احمد شاملو را به صورت نمایشنامه ارایه کرد. او می گوید: "به نظر من همه اشعار شاملو این ویژگی را دارند که بتوانند به روی صحنه تئاتر بروند، ضمن این که نوشته های وی علاوه بر این که دربرگیرنده این فضاهاست، می تواند در یک فضای کودکانه، مفاهیم و مضامینی را به مخاطب بزرگسال ارایه دهد که در نوع خود بی نظیر است."

کارگردان نمایش "حسین قلی مردی که لب نداشت" گفت: "یکی از ویژگیهای اشعار زنده یاد شاملو، فضای تصویری و نمایشی است که می‌تواند هر کارگردانی را برای یک اثر نمایشی وسوسه کند."

وی افزود: "شعر "حسین قلی مردی که لب نداشت" از جمله اشعاری بود که من بعد از خواندن آن مجذوب فضای تصویری و نمایشی آن شدم و تصمیم گرفتم آن را با عده ای از کودکان و نوجوانان افغانی به روی صحنه ببرم. البته شرایط این کودکان اگر به صورت مستقیم با فضای شعر در ارتباط نباشد، به صورت غیر مستقیم با فضا و شرایط زندگی آنها منطبق است."

این کارگردان تئاتر تاکید کرد: "کار با کودکان و نوجوانان افغانی که با تمام وجود در اجرای این اثر نمایشی به من کمک کردند، مهم ترین ویژگی و انگیزه ای بود که در کارگردانی این نمایش به آن توجه کردم. من سعی نکردم تا ویژگی فردی کودکان افغانی

را تغییر دهم بلکه، تمام تلاش خود را انجام دادم تا نمایشنامه بر اساس ویژگی ذاتی آنها برای اجرا آماده شود."

پور آذری ادامه داد: تم اصلی داستان نمایشنامه، تم شعر "حسین قلی مردی که لب نداشت" مرحوم شاملو است که من در عین وفاداری به آن، چند شخصیت را اضافه کردم و می توانم بگویم یکی از متفاوت ترین آثاری است که در طول فعالیت‌های خودم در تئاتر داشتم. نمایش "حسین قلی مردی که لب نداشت" ساعت ۱۸ هر روز غیر از شنبه ها در تالار کوچک مولوی اجرا می شود.

#### اعتراض پاپ به نمایش یک مجسمه

یک موزه هنری در ایتالیا اعلام کرد که با وجود ناراحتی پاپ بندیکت شانزدهم و مقامات ایتالیایی از نمایش یک قورباغه به صلیب کشیده شده، نمایش این اثر در موزه ادامه خواهد یافت.

این موزه در بیانیه‌ای اعلام کرد که هیات مدیره موزه "موزیئون" در شهر "بولزانو" به ادامه نمایش این اثر آفریده شده توسط یک هنرمند آلمانی به نام "مارتین کپینبرگر" رای داده است.

پاپ در اگوست گذشته با نوشتن نامه‌ای به "فرانتز پال"، فرماندار منطقه به نمایش این اثر اعتراض کرده و اعلام کرده بود که این اثر به احساسات مذهبی عده بسیاری که صلیب را نماد عشق خداوند و رستگاری انسان می‌دانند، توهین می‌کند.

#### کیارستمی و ادعاهای تو خالی و فرصت طلبانه او

یوسف شاهین، کارگردان نامی مصر در باره سانسور چنین می گفت: "هر روز عده ای می گویند ساکت شو، حق نداری حرف بزنی، حق نداری بحث کنی، حق نداری... من فکر می کنم که این برخورد خشونت آمیز است و بلایی است که سر من آمده."

در کنفرانس مطبوعاتی که در پی اکران فیلم "شیرین" ساخته عباس کیارستمی در جشنواره و نیز برگزار شد، او در پاسخ به یکی از خبرنگاران که درباره موضع احمدی‌نژاد نسبت به اسرائیل و همچنین مساله هسته‌ای ایران از کیارستمی سوالاتی پرسیده بود، گفت: "من اینجا هستم تا درباره سینما و صلح و دوستی صحبت کنم و به هیچ وجه علاقه ندارم تا خود را درگیر سیاست کنم."

طی ۳۰ سال حکومت خفقان و سرکوب در ایران، فرهنگ و ادب و هنر مترقی ممنوع بوده است. رژیم تلاش کرده است فرهنگ عقب مانده

و خرافاتی را در جامعه اشاعه دهد. نویسندگان، شاعران و هنرمندان مترقی ناچار شده اند استعدادهای هنری خود را سانسور کنند و یا به زندگی در تبعید رو بیاورند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی تلاش کرده است در خارج از مرزها مزدورانی را اجیر کند که بتوانند نقاب تمدن به جمهوری اسلامی بزنند. تعداد انگشت شماری که منافع شخصی و شهرت را بر حمایت از هموطنان خود ترجیح می دهند، به دام این اهداف افتاده اند. آقای کیارستمی که "علاقه" ندارد خود را "درگیر سیاست کند"، از شرایط ناهنجار سیاسی و شرایط خفقان، سانسور و ناهنجاریهای اجتماعی و اقتصادی ایران بیشترین بهره برداری را کرده است. او با نمایش فقر مردم هرگز تلاش نکرده است که چهره کریه عامل اصلی چنین ناپسامانهایی را به تماشاچیان اغلب خارجی فیلمهایش نشان دهد. کیا رستمی بر خلاف ادعایش "درگیر سیاست" است، منتهی درگیر سیاست سرپوش گذاشتن بر چهره مستبدان سیاسی و مسببان نابرابریهای اجتماعی ایران.

کیارستمی هنگام انتخابات فرمایشی در نامه ای به احمدی نژاد با عنوان "ترا بیشتر دوست دارم"، این گونه مجیز می گوید: "تو درست تر از آن و اصولگراتر از آن هستی که بتوانی در بازی پیچیده‌ی سیاست‌گزاران آلوده به قدرت بازی کنی" و ادامه می دهد: "برای همین من رأی‌ام را به کسی می‌دهم که او را کم‌تر از تو دوست دارم." ممکن است گمان کنیم این از علاقه کیارستمی به احمدی نژاد است که ترجیح می دهد به سوال خبرنگاران پاسخ ندهد. اما خاموشی او نسبت به همه رویدادهای درون کشورش که حتی نه یک هنرمندی با شهرت او بلکه، هر ایرانی شرافتمندی را به فریاد باز می‌دارد، بیشتر بر این گمان که او انتخاب کرده است که تنها به بالا رفتن از نردبان شهرت بیاندیشد، صحنه می‌گذارد. آنهم با گذاشتن پا بر دوش مردم دردمند و شرایط سانسور، امری که بنا بر ادعای صمیمانه ایشان، "برای آفرینش آثار هنری لازم است."

باید پرسید ایشان حرفه خود را با گردن گذاشتن به چه شرایطی تحت حکومت جمهوری اسلامی با فراغ بال ادامه می دهد؟ چگونه است که صدای کارگران و زحمتکشان، دانشجویان خاموش می‌شود و به سباهچالهای جمهوری اسلامی می‌افتند و ایشان آزادانه به ایران و خارج از ایران سفر می‌کند یا حتی زحمت اعتراض به بند افتادن یا ممنوع تصویر شدن همکاران هنرمند اش را به خود نمی‌دهد؟

عذر آقای کیارستمی این است که او تنها یک "سینماگر" است. اگر سینماگری بتواند تحت شرایط حاضر در رژیم جمهوری اسلامی به راحتی او فیلمسازی و سفر کند و پوزه بند قالب گرفته وزارت ارشاد را حتی در ونیز داوطلبانه به دهان بزند، در واقع جایگاهی فراتر از یک "سینماگر" ساده دارد؛ او مبلغ رژیم هم هست.

## زنان در مسیر رهایی

الف. آناهیتا

### زنان در افغانستان با مشکلات

#### جدی روبرو هستند

مترو هالیفاکس، دوم سپتامبر ۲۰۰۸ بر اساس گفته های مدیر تشکل زنان کانادایی برای زنان افغانستان، وضعیت زنان در این کشور به طور کلی وخیم ارزیابی می شود. ممکن است به دختران اجازه تحصیل بیشتر از سطح ابتدایی داده نشود و زنان اجازه ترک خانه بدون همراه که می بایست یکی از مردان فامیل باشد را ندارند. ازدواج اجباری در افغانستان بسیار رایج است که در چنین شرایطی دختران معمولاً هنوز به سن بلوغ نرسیده اند. اعمال خشونت خانگی نیز به عنوان یک مشکل سیستماتیک به صورت مداوم وجود داشته و دارای سیر صعودی می باشد.

با همه این مشکلات، مدیر تشکل مذکور هنوز امیدوار است و ابراز می دارد که با خلع قدرت از طالبان برخی از قوانین ضد زن از بین رفت. در گذشته هیچ دختری حق تحصیل نداشت اما اکنون میلیونها دختر به مدرسه برگشته اند. اکنون زنان می توانند به امکانات بهداشتی دسترسی داشته باشند در صورتی که در زمان طالبان از دسترس زنان به امکانات بهداشتی جلوگیری می شد. علاوه بر این، کلینیکهایی که امکانات بهداشتی اولیه را ارائه می دهند در مناطق روستایی در حال بازگشایی است. زنان سعی می کنند درپچه کوچکی در اقتصاد کشور برابر خویش بکشایند، آنان سعی می کنند حتی با باز کردن یک مغازه از خود، در تولید کشور سهمی داشته باشند.

تعداد زیادی زنان از افغانستان به کانادا مهاجرت کرده اند. کانادا دارای جمعیت وسیعی از مهاجرین افغانی است که طی سالهای متمادی به این کشور مهاجرت کرده اند. بسیاری از آنها جزو زنانی هستند که قبلاً دارای تحصیلات بوده اند اما بقیه زندگی را از ابتدا در کانادا شروع کرده اند، به تحصیل پرداخته و مهارت کاری پیدا کرده اند. این زنان تجربه های بسیار بغرنجی از دوران زندگی خود در افغانستان دارند و از بازگشت به میهن خود در هراسند. برخی از آنان با عنوان دلایل مشروع ابراز می دارند که در صورت برگشت به کشور خود با خطرات تبعیض و خشونت که علیه زنان با سماجت تمام هنوز در کشورشان ادامه دارد، روبرو خواهند گشت.

### زنده به گور کردن زنان افتخار

#### نیست

### قتل ناموسی در پاکستان و

#### دفاع یک قانونگذار از آن

اسوشیتد پرس، اول سپتامبر ۲۰۰۸ دولت پاکستان در حال تحقیقات پیرامون قتل پنج زن پاکستانی می باشد که تلاش کردند همسر آینده خود را انتخاب کنند. یک قانونگذار پاکستانی نیز از قتل ناموسی که سنتی دیرینه در این کشور است، دفاع کرده است. این زنان که سه تن از آنان نوجوان بودند، هدف گلوله قرار گرفته و در حالیکه هنوز نفس می کشیدند، به درون گودالی انداخته و زنده به گور شده اند. جسد این پنج زن یک ماه بعد از وقوع قتل یافت شد و اولیای امور به قتل ناموسی مشکوک هستند. آنان عنوان کرده اند که سه مرد از خویشاوندان قربانیان را در رابطه با قتل ناموسی دستگیر کرده اند.

در بسیاری از مناطق محافظه کار در پاکستان، رابطه داشتن زن با مرد و یا ازدواج بدون رضایت مردان فامیل یک اهانت محسوب می شود که بر اساس گزارش مدافعان حقوق بشر، سالانه صدها زن توسط مردان خویشاوند در پاکستان به همین دلیل به قتل می رسند. قتل سه تن از این پنج زن به ظاهر بعد از بی اعتنائی به بزرگان قبیله و تقاضای ازدواج از یک دادگاه مدنی اتفاق افتاده است. زمانی که این مساله در پارلمان کشور عنوان شد، یکی از قانونگذاران از ناحیه بلوچستان ادعا می کند که فقط آنانی که در مسایل اخلاقی افراط می کنند می بایست در هراس باشند! ایسار اولیه زهری که نماینده منطقه ای می باشد که زنان در آن به قتل رسیده اند ادامه می دهد: "این یک آداب و رسوم قدیمی است و من دفاع از آن را ادامه می دهم."

دفاع آشکار وی از قتل ناموسی باعث عصبانیت و خشم همکاران وی در مجلس و تحصن آنان شد و آنان قول دادند که در این رابطه تحقیقات لازم را انجام دهند. بعد از اینکه مجلس خواستار محاکمه مجرمان شد، دادگاه عالی در بزرگترین قبیله منطقه فرمان یک تحقیق را صادر کرد که در همان روز سه مرد از خویشاوندان زنان توسط رییس پلیس بلوچستان دستگیر شدند که گفته می شود به جرم خود نیز اعتراف کرده اند. بیش از شصت فعال حقوق زنان بیرون از پارلمان فدرال در اسلام آباد با برپایی یک راهپیمایی فریاد زدند: "زنده به گور کردن زنان افتخار نیست."

محمود ابراهیم، عضو مجلس سنا از حزب جماعت اسلامی از ناحیه بلوچستان ابراز می دارد: "ما این جنایت وحشیانه را محکوم می کنیم، این خلاف اسلام است، این خلاف

انسانیت، حقوق بشر و فرهنگ متمدن است." سانواله بلوچ، ناسیونالیست از بلوچستان می گوید، این گونه وحشیانه و با خوی حیوانی عدالت را اجرا کردن، در فرهنگ نهادینه شده است. وی دولت را به دلیل شکست در فراهم کردن امکانات بهداشتی و آموزشی بهتر برای زنان در ناحیه های جنوب غربی که با وجود داشتن ثروت معدنی در فقر به سر می برند، متهم کرد. او به تلویزیون جدید گفت، جامعه ای که از نظر اجتماعی و اقتصادی محدود بماند، همیشه راکد می ماند.

مدافعان حقوق بشر اعلام کردند که تحقیقات پیرامون قتل این پنج زن بسیار طول کشیده است زیرا اعضای دارای نفوذ سیاسی در منطقه بلوچستان در این امر دخالت مستقیم داشته اند. اگر چه بسیاری از قتلهای ناموسی در پاکستان هرگز گزارش نمی شود. اما کمیسیون حقوق بشر در این کشور ابراز می دارد که دست کم ۱۷۴ زن در سال ۲۰۰۵، ۲۷۰ در سال ۲۰۰۶ و ۲۸۰ در سال ۲۰۰۷ قربانی چنین جنایتی در سراسر کشور شده اند. تنها در پنج ماه اول سال جاری این میزان ۱۰۷ نفر بوده است و مدافعان حقوق بشر از اینکه بسیاری از متهمان به این جنایت هرگز دادگاهی نشده اند ابراز نگرانی می کنند.

### بالترین نرخ بیکاری به زنان

#### سیاه پوست در آفریقای جنوبی

#### تعلق دارد

اسوشیتد پرس، ۲۸ آگوست ۲۰۰۸ آمار نرخ بیکاری آفریقای جنوبی نشان می دهد که نرخ بیکاری زنان سیاه پوست، ۸ برابر بیشتر از مردان سفید پوست است. همچنین نرخ بیکاری از چهار دهم درصد به بیست و یک دهم درصد افزایش داشته است. از دیگر سو، نرخ استخدام کارگران سفید پوست با رشد اندکی روبرو بوده است. در حالیکه نرخ بیکاری میان سفید پوستان آفریقای جنوبی چهار و شش دهم درصد است، این میزان برای هندوها دوازده و هفت دهم درصد و برای رنگین پوستان نوزده و پنج دهم درصد می باشد. نرخ بیکاری برای زنان سیاه پوست در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال، ۲۷ درصد و به بیانی دیگر، بیش از یک چهارم از آنان بیکار می باشند. این آمار نشان می دهد که از هر سه زن سیاه پوست یکی از آنان بیکار است. زنان سیاه پوست کمترین احتمال دسترسی به امکانات آموزشی را دارند و علاوه بر این دارای کمترین مهارت کاری نیز می باشند که این مساله به آنان اجازه شرکت در بازار کار را نمی دهد. کارهای پست با دستمزدهای پایین در طی سالهای

متمادی متعلق به زنان سیاه پوست بوده است و همیشه بیکاری آنان را بیش از دیگران تحت تاثیر قرار می دهد. پرفسور واسو رددی در این رابطه می گوید، این مساله عجیبی نیست و دقیقاً به سیاستهای تبعیض آمیز اعمال شده طی سالهای متمادی که در راستای بی اهمیتی به وضعیت سیاه پوستان و جلوگیری از رشد اکثریت آنان گام بر می داشت مربوط است که حتی با وجود چهارده سال دموکراسی همچنان ادامه دارد.

### فیلیپین و پذیرش طرح دفاع از

#### حقوق زنان کارگر در مرحله دوم

#### مطالعه آن

جی ام ای نیوز، ۷ سپتامبر ۲۰۰۸ طرح معلق مربوط به حقوق زنان و آموزش آنان در محل کار که بر نقش کارفرما و اتحادیه ها در آموزش و آگاهی دادن زنان کارگر تاکید می کند، در شورای نمایندگان دولت فیلیپین در مرحله دوم مطالعه پذیرفته شد.

طرح مذکور بخش نیروی کار و استخدام و بخش آموزش را مجبور می کند که با یکدیگر برنامه های آموزشی لازم را برای زنان کارگر تنظیم کنند. برنامه های آموزشی نام برده، زنان کارگر را از امکانات، حقوق زنان در رابطه با برابری با مردان و مسئولیتهای و وظایف کارگران آگاه می کند. کارفرمایان، اتحادیه ها می توانند از حمایت و مساعدت دولت، تشکلهای غیردولتی، گروه های نیروی کار و شوراهای کار در رابطه با فعالیتهای مذکور استفاده کنند. این طرح به دولت در ترفیع و حراست از حقوق زنان کارگر و همچنین توسعه برابری از طریق سمینارهای آموزشی در محل کار کمک می کند.

در این مسیر، مساعدت تشکلهای مدافع حقوق زنان و سازمانهای غیردولتی در راستای ارتقا آگاهی زنان کارگر جهت مبارزه با تبعیض و آزار و اذیتهای جنسی در محل کار مورد تمجید و ستایش قرار گرفته است زیرا کشوری آگاه و مجهز به رعایت حقوق زنان، رفاه و توسعه آن بهتر قادر است از زنان دفاع کند، از جنایت علیه زنان جلوگیری کند و تبعیض علیه زنان را کاهش دهد.

### درآمد زنان برزیلی کمتر از مردان

#### است

رویتر، ۹ سپتامبر ۲۰۰۸ با این که شکاف طبقاتی بین ثروتمندان و فقیران در برزیل، بزرگترین کشور آمریکای جنوبی، در سالهای اخیر باریکتر شده است اما زنان هنوز درآمدی کمتر از مردان دریافت می کنند. بر اساس گزارش تحقیقات اقتصادی، زنان به زحمت دو سوم از حد متوسط درآمد مردان در سال ۲۰۰۶ را به دست آورده اند. زنان سیاه پوست تقریباً نصف سفید پوستان درآمد داشته اند.

بقیه در صفحه ۱۹

## بیانیه بیست و هفتمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

بیست و هفت سال از تأسیس شورای ملی مقاومت ایران، پنجاه و شش سال از قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در حمایت از دکتر محمد مصدق، رهبر نهضت ملی ایران، و بیست سال از قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی در سال ۱۳۶۷ می گذرد. شورای ملی مقاومت با تأکید مجدد بر ضرورت محاکمه بین المللی سران رژیم آخوندی و دست اندرکاران اصلی این قتل عام به خاطر جنایت علیه بشریت، با شهیدان سرفراز این حماسه یاداری، که حسرت سازش با خمینی جلاد را بردل دژخیمان باقی گذاشتند، و با تمامی شهیدان راه آزادی ایران پیمان می بندد که با پایداری، استحکام و قبول همه مخاطرات و هزینه های سنگین، در مسیر پر فراز و نشیب مبارزه برای سرنگونی استبداد دینی تا تحقق آزادی و حاکمیت مردم ایران به پیش رود. شورای ملی مقاومت مفتخر است که در این نبرد سهمگین و سرنوشت ساز، که در شرایط پیچیده جهانی و منطقه یی جریان دارد، توانسته است نقش پیشتاز خود را به عنوان یگانه بدیل مستقل و دموکراتیک، بدون تزلزل و انحراف، در جهت تحقق استقلال و آزادی و نفی هرگونه تبعیض جنسی، ملی و مذهبی، تداوم و گسترش و عمق بیشتر ببخشد. ما این سرفرازی و همه دستاوردهایمان را مرهون درستی مسیر استراتژیکی و سیاسی شورا و حسن تدبیر و پافشاری مسئول شورای ملی مقاومت، آقای مسعود رجوی، بر اصول مبارزه میهنی و آزادیخواهانه می دانیم. ما ضمن قدردانی از تلاشهای بی وقفه رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، پایداری تاریخی و شکستناپذیر شگفت انگیز زنان و مردان مجاهد شهر اشرف را می ستاییم و از حمایتهای بیدریغ هموطنانمان در داخل و خارج کشور و از پشتیبانی نیروهای آزادیخواه و مدافع حقوق بشر در سراسر جهان، به ویژه مردم شریف و نیروهای ملی و دموکراتیک عراقی، سپاسگزاریم.

شورای ملی مقاومت در آغاز بیست و هشتمین سال حیات خود، به کارگران، زحمتکشان و معلمان محروم کشورمان، که در سال گذشته دلبران در برابر استبداد ایستادگی کردند؛ به جوانان و دانشجویان، که صدای حق طلبی مردم ما را در جنبشهای خود بازناب دادند؛ به زنان ایران که در هر گوشه کشور در مقابل تهاجم وحشیانه مزدوران رژیم شجاعانه مقاومت کردند؛ به همه شهیدان راه آزادی و به همه مجاهدان و مبارزان و به همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، درود می فرستد و فشرده ارزیابی خود را از تحولات سال گذشته و وضعیت کنونی، با مردم ایران در میان می گذارد:

### الف - مشخصات بحران کنونی، پیشروی راه حل سوم

۱- در سالی که گذشت، رژیم ولایت فقیه سیاست جنگ با مردم ایران و جامعه جهانی را در تمام عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی ادامه داد و تضاد اساسی جامعه ایران، یعنی تضاد بین مردم و رژیم ولایت مطلقه فقیه، را تشدید کرد. در سطح بین المللی رژیم آخوندها به موضوع اصلی بحرانهای منطقه و جهان تبدیل شد و سران دولتها و قدرتهای بزرگی که در جستجوی «مفاهمه» با این رژیم بودند، آن را مهمترین جامی تروریسم و تهدید صلح و امنیت جهان شناختند. خامنه ای با تأکید مجدد بر «راهبرد بی دنده و ترمز» رژیم روز ۹ مرداد ۸۷ باز هم این معنا را تکرار کرد: «یک قدم عقب نشینی در برابر مستکبران، منجر به یک قدم پیشروی آنان خواهد شد و این تصور که عقب نشینی و عدول از مواضع و حرفهای صحیح، باعث تغییر سیاست استکبار خواهد شد تصوری کاملاً غلط و بی اساس است». ولی فقیه رژیم به همه طرفهای داخلی و بین المللی رژیم خاطر نشان کرد: «ما می دانیم چه کار می کنیم و به کجا خواهیم رسید و راه رفتن به آن نقطه را حرکت و پایداری می دانیم نه ایستادن و یا عقبگرد کردن». این همان سیاستی است که محمود احمدی نژاد در نقش گماشته ولی فقیه، تا آن جا که در توان داشت در اجرائیش کوشید. دیکتاتوری آخوندی با سرکوب بی محابای مردم ایران، با حذف و تصفیه گسترده تر درون رژیم، به ویژه در میان مقامهای سیاسی، نظامی و امنیتی، با تلاش بی وقفه برای دستیابی به سلاح اتمی و صدور بنیادگرایی و تروریسم به کشورهای خاورمیانه، به ویژه عراق، بیش از پیش نشان داد که ظرفیت مانور و عقب نشینی را ندارد و برای مهار بحرانهای داخلی و بین المللی اش مجبور است خود را بسته تر کند.

۲- حکومت آخوندی که از خطر اصلی برای موجودیت خود آگاه است، به تجدید سازمان سپاه پاسداران، به عنوان نیروی اصلی نظامی محافظ نظام ولایت فقیه، مبادرت نمود. ده ماه پیش، پاسدار محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، گفت: «استراتژی فعلی از سوی رهبر انقلاب مشخص شده» و «ماموریت اصلی سپاه در حال حاضر مقابله با تهدیدهای داخلی است و سپس، در صورت تهدید نظامی خارجی، سپاه به کمک ارتش خواهد شناخت» (۷ مهر ۱۳۸۶). پاسدار جعفری در روز ۲۵ اردیبهشت ۸۷ تأکید کرد: «آن چه باید دغدغه ما باشد، تهدیدات داخلی است». یک ماه پیش نیز وی تأکید کرد که «تغییرات در حال انجام در

سازمانهای ممنوعه انگلیس به حکم دادگاه استیناف این کشور و مصوبه هردو مجلس عوام و اعیان انگلستان در این زمینه، از نمودهای بارز تغییر تعادل به سود مقاومت ایران و تثبیت راه حل سوم است. استقبال رئیس مجلس ایتالیا، شهردار رم و جامعه سیاسی و مطبوعاتی این کشور در جریان سفر رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران به ایتالیا، دقیقاً آن روی سکه ابراز انزجار افکار عمومی و رویگردانی مقامات دولتی و نهادهای مدنی ایتالیا در سفر پرفضیحت نهادی نژاد به این کشور بود. به این ترتیب، «در کشاکش سهمگین و آشتی ناپذیر مردم و مقاومت ایران با بربریت آخوندی» که دامنه اش از عرصه سیاسی و بین المللی تا شهر اشرف و حرکتهای اعتراضی داخل کشور گسترده است، همه چیز از «وج آمادگی و جوشش شرایط عینی برای تغییر و برای خیز برداشتن انقلاب دموکراتیک مردم ایران» حکایت می کند.

۴- موفقیت کنونی شورای ملی مقاومت و همه دستاوردهای آن مرهون مرزبندی خدشه ناپذیر آن با تمامیت رژیم ضدانسانی ولایت فقیه است. هم چنان که در بیانیه ملی ایرانیان آمده است: «ما مرزبندی قاطع با رژیم ضد بشری ولایت فقیه را عمده ترین معیار برای ارزیابی ادعاهای افراد و گروهها و شناسایی دوست و دشمن تلقی می کنیم» و «نا براین تأکید می کنیم که هر کس حق دارد مخالف شورای ملی مقاومت ایران یا سازمان مجاهدین خلق باشد و انتقاداتش را آزادانه ابراز کند. اما بهانه کردن این مخالفت برای مخدوش کردن مرز بندی با رژیم یا مشروعیت بخشیدن به یکی از جناحهای درونی آن را خیانت به مصالح ملت می دانیم». شورای ملی مقاومت، که به اتفاق آرا بیانیه ملی ایرانیان را تصویب کرده است، اکنون بار دیگر تأکید می کند که «طرد کامل رژیم ولایت فقیه، مرز متمایز و خط قرمز پیکار آزادی به شمار می رود. عبور از این خط قرمز، که حصار حیاتی و مرزبندی ملی ایرانیان در برابر حاکمیت آخوندی است، هر فرد یا جریان سیاسی راه هر چند سابقه یا داعیه مخالفت با رژیم داشته باشد، از جرگه مخالفان رژیم خارج و به ورطه خیانت می کشاند». مسئول شورای ملی مقاومت نیز طی پیام خود خطاب به مردم ایران در تیرماه ۸۶ در همین باره اعلام کرد: «می خواهیم به همه شما در هر کجا و در هر شرایطی که هستید، این ملاک و معیار و این خط قرمز و این حصار حیاتی و مرزبندی مقدس ملی و میهنی و ضرورت نگاهبانی از آن را یادآوری کنیم. در برخورد و تنظیم رابطه با همه افراد، اگر با دشمن مردم ایران و هلاک کننده حرث و نسل این میهن خط قرمز و مرز سرخ دارد، قدمش به روی چشم. از دادن جان هم برای او دریغ نکنید. اما اگر با این رژیم، که پلیدی و نخوست اول و آخر است، مرز سرخ ندارد، اگر با این رژیم، به نحوی درهم و هم جبهه و هم خط و هم موضع شده و مرزبندی و روزه ملی میهنی در برابر این رژیم را ولو به اندازه یک قطره یا یک گرم و به اندازه یک قدم یا یک قلم شکسته باشد، هر کس که می خواهد باشد، در هر رده و مقام و مرتبت و مسئولیتی هم که بوده، خائن و خیانت پیشه حقیری بیش نیست».

بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱۳

## ب: تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و موقعیت داخلی و بین‌المللی رژیم

۵- مهمترین تحول سیاسی در حاکمیت آخوندی، برگزاری نمایش انتخابات مجلس رژیم در روز ۲۴ اسفند ۱۳۸۶ بود. شورای ملی مقاومت، پیشاپیش، در بیانیه بی که به تاریخ ۳۰ دی ۸۶ به دنبال اجلاس میاندوریهی شورا صادر نمود، اعلام کرده بود: «مردم ستمدیده ایران در انتخابات کاذبی که برای پایمال کردن حق حاکمیت آنها به راه انداخته می‌شود و بیش از هر چیز میدانی برای تسویه حساب باندهای ظالم و غارتگر حاکم است، شرکت نخواهند کرد و آن را تحریم می‌کنند. براین اساس، هرنوع مشارکت در بازارگرایی برای این نمایش انتخاباتی هم معنایی جز مشارکت در سرکوب و خفقان و خیانت به مصالح عالی مردم ایران ندارد.» در این نمایش انتخاباتی، دخالت‌های مستقیم خامنه‌ای برای یکپارچه و یکدست کردن کامل دستگاه ولایتش، در تمامی دوران ۳۰ ساله حکومت دینی بی سابقه بود. وی روز ۱۹ دی آب بر آتش کسانی که می‌خواستند تور نمایش انتخابات در استبداد دینی را گرم کنند، ریخت و گفت: «دوره قبل، چهار سال قبل از این، یک ماجرای راه انداختن، یک نمایشی بود، یک بازی بود، راه انداختن. هدف هم همین بود که بلکه انتخابات را تعطیل کنند. با لطف خداوند و ایستادگی مردم نتوانستند انتخابات را تعطیل کنند.» وی دهان باندهای طرد شده را پیشاپیش بست و گفت: «هی مرتب تکیه می‌کنند آقا تقلب نشه، آقا تقلب نشه، آقا دستبرد نشه. چه تقلبی؟» چند روز پس از آن، عبدالله رمضان زاده، سخنگوی دولت خاتمی، در جدال باندهای درونی رژیم و در اعتراف به ابعاد تحریم نمایشهای انتخاباتی رژیم از سوی مردم ایران، نوشت: «بسیاری از راهبافتگان به این مجلس زیر ۱۰ درصد آرای افراد واجد شرایط در محلهای انتخاباتی خود راه آن هم در حالتهای غیر رقابتی و بدون رقیب، کسب کرده اند... برخی از راهبافتگان این مجلس حتی زیر ۲٫۵ درصد از آرای واجدین شرایط را کسب کرده اند» (سایت حکومتی فردا ۲۲ دی). در مورد نمایش انتخاباتی مجلس هشتم، بر اساس آمار رسمی، که بدون تردید در آن اغراق شده، کسانی که از تهران به مجلس ارتجاع راه یافته‌اند، ۶۲ درصد تا ۱۱٫۵ درصد از آرای واجدین شرایط را کسب کرده اند. به رغم همه تقلبات و رأی‌سازیهی و این ادعای مضحک که بیش از ۶۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند، رژیم آخوندی تنها توانست مدعی شرکت ۱ میلیون و ۹۰۹ هزار نفر در تهران بزرگ شود. این رقم طبق آمار رسمی و منتشر شده رژیم، در حدود ۲۶ درصد از مجموع دارندگان حق رای است.

نماینده اول تهران (رئیس مجلس هفتم) با رأی ۱۱٫۵ درصد و نماینده اول تبریز با رأی حدود ۸٫۵ درصد دارندگان حق رای وارد مجلس رژیم شدند. به گزارش ستاد مجاهدین خلق ایران در داخل کشور، از ۲۵۰۰۰ شعبه اخذ رأی و هم چنین گزارش‌های مستقیم خبرنگاران مستقل، کسادی انتخابات رژیم بیشتر از همیشه بود و بیش از ۹۵ درصد مردم آن را تحریم کردند. در این نمایش مقفصخانه، ورشکستگی باندهای «اصلاح طلب» دولتی نیز به شکل عریان نمایش داده شد. آنها، از جمله خاتمی و کروبی، با خفت و خواری در این شعبده بازی شرکت کردند و با معدودی ورزشکار، سینماگر و هنرمند فرصت طلب و تعدادی از ورشکستگان سیاسی حاشیه رژیم، مردم را به شرکت در انتخابات رژیم تشویق کردند، اما با پاسخ منفی و طرد کامل از سوی مردم ایران مواجه شدند.

۶- خامنه‌ای با مداخلات مداوم و با تن دادن به هر رسوایی تلاش کرد تا رژیمش را هر چه یکدست تر کند. اما به رغم طرد و حذف های گسترده تضادهای درونی رژیم تشدید شد. حذف حداد عادل از ریاست مجلس رژیم و نصب پاسدار علی لاریجانی از سوی باند خامنه‌ای به این سمت، فراز جدیدی از ریزش و تصفیه درونی رژیم و اوجگیری تضادهای داخلی است. به سبب بالا رفتن اختلاف بین حداد عادل و احمدی نژاد، باند موسوم به رایحه خوش خدمت، که نزدیکترین افراد به احمدی نژاد هستند، علیه حداد عادل و به نفع لاریجانی رأی دادند و تلاش کردند توافق بقیه نمایندگان مجلس از جناح خامنه‌ای را در همین راستا جلب کنند. خامنه‌ای با گماشتن لاریجانی در راس مجلس، هم دعوی بین حداد عادل و احمدی نژاد را مهار کرد و هم خوراک مناسبی برای لایبهای رژیم در خارج کشور تهیه کرد تا مدعی شوند که پاسدار لاریجانی چهره مناسب در رژیم بود. موارد مذکوره و «تعامل» می‌باشد. در مورد ادعاهای بی پایه لایبهای رژیم باید گفت که علی لاریجانی از سرسخت ترین مدافعان پیشبرد طرح اتمی رژیم و از مدافعان سیاست صدور ترور و ارتجاع بوده است. او، در مقام دبیر شورای عالی امنیت رژیم، در روز ۸ آبان ۸۴ طی یک سخنرانی درباره طرحهای اتمی رژیم، گفت: «غرب می‌خواهد ما از ترس مرگ، خودکشی کنیم».

۷- در سال گذشته اوضاع اقتصادی کشور مسیر پر شتاب سقوط را طی کرد. در حالیکه خط فقر با درآمد ماهانه ۵۰۰ هزار تومان تعریف شد (هم معین ۲۰ خرداد) حداقل حقوق کارگران حدود ۱۸۰ هزار تومان تعیین گردید. افزایش بی سابقه درآمد نفت نه فقط بهبودی در وضعیت کشاورزی و صنعت ایران و وضع آب و برق و مسکن و سوخت مردم به وجود نیامد، بلکه کشاورزی ایران به نابودی بیشتر کشیده شده، بسیاری از کارخانه ها تعطیل شدند و تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم افزایش

بی سابقه‌ی پیدا کرد. بخش اعظم درآمد، به جای آن که در چرخه تولید و ایجاد اشتغال سرمایه‌گذاری شود به وسیله کارگزاران دولتی، که اکثریتشان از فرماندهان سپاه پاسداران و مقامات رده بالای دستگاههای امنیتی هستند، به جیب زده شد و بخش دیگر آن به هزینه های سرسام آور سپاه پاسداران، بسیج و بودجه بنیادها و شرکتهای دولتی، که وسیله‌ی برای چپاول و غارت است، اختصاص یافت. وقتی احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم شد، میزان نقدینگی ۶۰ هزار میلیارد تومان بود که اکنون به بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد افزایش پیدا کرده و سبب آن شده است که نرخ تورم، بر اساس آمار رسمی، به بیش از ۲۶ درصد افزایش یابد. جهش قیمت برای بعضی از کالاهای مورد نیاز روزمره مردم به بیش از صد، و در مواردی دویست، در صد رسیده است.

۲۱ خرداد سال قبل تعدادی از کارشناسان و استادان دانشگاه، طی نامه ای به احمدی نژاد، که روزنامه اعتماد آن را به چاپ رساند، نوشتند: «هزینه های جاری دولت که در سال ۱۳۸۳ در حدود ۲۲۱ هزار میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۸۴ به ۳۱۸ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۵ به ۴۰۱ هزار میلیارد ریال افزایش یافت. پیش بینی می شود که در سال جاری این رقم به حدود ۵۰۰ هزار میلیارد ریال برسد.» و «در دو سال اخیر ارزش واردات کشور در هر سال بالغ بر ۴۱ میلیارد دلار بوده است (گزارش های بانک مرکزی). سیل واردات محصولات کشاورزی و صنعتی آسیب جدی بر فعالیت های تولیدی کشور وارد می کند». واردات بی رویه کالا و تغییر تعرفه های گمرکی برای بعضی از کالاها، ضمن آن که تولید داخلی را به تباهی کشیده، سبب انباشت ثروت عظیمی در دست افراد معدود شده است. در چنین شرایطی شرکتهای بزرگی مانند نیشکر هفت تپه با حدود هفت هزار کارگر، توسعه نیشکر خوزستان با حدود ۱۶ هزار، و نیشکر کارون با حدود هشت هزار کارگر، طی چند ماه اخیر با بحران جدی روبرو شده‌اند و خطر تعطیل شدن این واحدهای تولیدی حیات اقتصادی کارگران راه، که ماهها حقوق دریافت نکرده اند، تهدید می کند.

## ج: تهدید اتمی رژیم و نقش بازدارنده مقاومت

۸- پروژه اتمی رژیم از آغاز برای ساختن بمب اتمی به منظور تضمین بقا و امنیت استراتژیک رژیم قرون وسطایی ولایت مطلقه فقیه بود. سیاست تولید موشکهای بالستیک و تهدیدهای فرماندهان سپاه پاسداران علیه کشورهای حوزه خلیج فارس و در مورد بستن تنگه هرمز مقاصد رژیم را بیش از پیش روشن کرده است. ادعای پوچ دستیابی به فناوری هسته بی برای تأمین سوخت نیروگاه برق - در کشور دارنده ۱۰ درصد منابع نفت و

۱۷ درصد منابع گاز جهان - اکنون به حدی رسوا شده که باند نظامی - امنیتی احمدی نژاد، ضمن اذعان به «تحلیلهایی که این اواخر در فضای سیاسی جامعه و به خصوص دانشگاهها انتشار می یابد» و می گوید «انرژی هسته بی به هزینه اش نمی آرد»، در مقام پاسخگویی اعتراف می کند که پروژه اتمی رژیم دقیقاً پروژه «امنیتی» و «دفاعی» است: «در دنیای کنونی مفهوم امنیت تغییر یافته و کشورهای که می خواهند در قرن ۲۱ از جایگاه مناسبی در دنیا برخوردار باشند، دستیابی به نظامهای اقتصادی و دفاعی مبتنی بر تکنولوژیهای برتر را، که بر محور قدرت نرم افزاری قرار دارد، به عنوان مهم ترین کانال امنیتی خود جستجو می کنند» (۲۲ آبان ۸۶). اما همین پروژه «امنیتی» و «دفاعی»، به یمن روشنگری های مقاومت، به مهلکه و تله امنی برای رژیم تبدیل شده است. مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت تصویب دومین قطعنامه تحریم رژیم در شورای امنیت ملل متحد در فروردین سال ۸۶ خاطرنشان کرد: «خوندها بر لبه تیغ تحریم تسلیحاتی و مالی قرار گرفتند که از ربع قرن پیش خواستار آن بودیم. مخصوصاً سپاه پاسداران، بازو و ارگان اصلی تروریسم و سرکوب، زیر ضرب و ذره بین بین المللی قرار گرفت».

مسئول شورا گفت: «هرچند مطمئن بودیم که خوندها در بازی اتمی کوتاه نمیایند، اما من دلم میخواستم، و باز هم می‌خواهد، که زودتر و بر سر همین قطعنامه جا میزدند و همانطور که نرم تنان نظام میخواستند، در همین مرحله عقب می‌نشستند. در این صورت، رژیم زودتر وامی رفت ... اما ثابت شد که فاشیسم مذهبی، جز با بمب اتمی، تضمین و شانس بقاء نمی‌بیند»

۹- در سال گذشته، رژیم آخوندی با فریبکاری و با استفاده از فرصت‌سازیهای سیاست مماشات و نیز با سرمایه‌گذاری کلان روی گزارش مخدوشی که از سوی جامعه اطلاعاتی امریکا منتشر شد، تلاش کرد تا هم طرحهای دستیابی به سلاح اتمی را توسعه دهد و هم از تحریم بین‌المللی بگریزد. اما شورای ملی مقاومت در ادامه روشنگریهای خود، با اطلاعیه کمیسیون تحقیقات دفاعی و استراتژیک شورا و مصاحبه‌ها و کنفرانس مطبوعاتی مسئول کمیسیون خارجه شورا در بروکسل، نبرنگ رژیم را نقش بر آب کرد و در ۱۳ اسفند ۱۳۸۶ قطعنامه شماره ۱۸۰۳ شورای امنیت ملل متحد در تشدید تحریم رژیم به تصویب رسید. در این قطعنامه سیزده تن از عوامل رژیم و ۱۲ مجموعه صنعتی درگیر در پروژه های اتمی، به لیست تحریمها افزوده شدند و ورود ۵ تن از مقامها و مهره های رژیم به سایر کشورهای جهان ممنوع شد.

خواست اکید قطعنامه های شورای امنیت توقف کامل غنی سازی و فرآوری اورانیوم بود. اما احمدی نژاد با گستاخی با «خبر خوش» ادامه غنی سازی توسط ۵ هزار سانتریفوژ به جامعه بین‌المللی پاسخ داد. شورای ملی مقاومت بارها تأکید کرده است که بدون اتخاذ یک سیاست قاطع در برابر رژیم و ولایت فقیه نمی‌توان با تلاشهای این رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی و صدور بنیادگرایی و تروریسم مقابله کرد. اخیراً وزیران خارجه گروه ۵+۱ ( آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین و

بقیه در صفحه ۱۵

## بقیه از صفحه ۱۴

آلمان) بسته دیگری حاوی مشوقهای اقتصادی و سیاسی بیشتر به این رژیم ارائه کردند و خواستار پاسخ صریح شدند. اما رژیم، چه در مذاکرات ژنو و چه در مهلت دوهفته‌ی بی بعد از آن، با کلی گویبهای طلبکارانه و بازی موش و گربه از پاسخ دادن طفره رفت و نشان داد که از سیاست مامشات و گفتگوهای بی حاصل آن صرفاً برای ائتلاف وقت و پیشبرد طرحهای دست یابی به سلاح اتمی استفاده می‌کند. سیاست مامشات نه فقط گزینه جنگ را منتهی نمی‌کند، بلکه ممکن است یک جنگ ویرانگر را به مردم ایران و جامعه جهانی تحمیل هم بکند. آقای مسعود رجوی در آبان ۸۶ گفت: «نگرانی عمده پیوسته در صلح و سازش با رژیمی است که بالمال جنگ را در تقدیر دارد و روزی آن را برای جامعه بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر می‌کند... فاشیسم مذهبی از این جهت روی دست فاشیسم هیتلری بلند شده است. صلح و سازش با فاشیسم هیتلری به جنگ جهانی دوم راه برد. باشد که با برسیمت شناختن حقوق انکارناپذیر مردم و مقاومت ایران از آن چه رئیس‌جمهور آمریکا آن را جنگ جهانی سوم توصیف کرده، ممانعت شود».

## د: وضعیت در عراق، شکست

## استراتژی رژیم

۱۰- پنج سال از تهاجم نیروهای ائتلاف به عراق و سرنگونی رژیم سابق این کشور می‌گذرد. شورای ملی مقاومت ایران از همان ابتدای جنگ با افشای نقش ویرانگر رژیم در عراق اعلام نمود که «استبداد مذهبی حاکم بر ایران، راه حفظ خود را در صدور بنیادگرایی و تروریسم به عراق یافته و با اختصاص بودجه‌های کلان و بسیج تمامی نهادهای وزارتخانه‌ها و ارگانهای حکومتی، برای بهره‌برداری از «فرصت عراق» بسیج شده است». در بیانیه شورای ملی مقاومت در سال ۱۳۸۴، «پیام ما به مردم و نیروهای دموکراتیک و میهن‌پرست عراقی‌ها هر دین و مذهب و با هر مرام و ملیت « این بود که «با این همه درد و رنج و با این همه خونی که هر روز از پیکر عراق بر زمین می‌ریزد، دیگر در عراق جایی برای هیچ‌گونه افراط‌گرایی باقی نمانده است. پاسخ، در یک دولت دموکراتیک ملی و مستقل و معتدل است تا بتواند وحدت سیاسی و تمامیت ارضی کشورتان را در دیالوگ مستمر با همه جریانهایی که به قواعد دموکراتیک پایبند هستند، حفظ کند و به اشغال پایان دهد». در خرداد ۱۳۸۶ هنگامی که در کنگره همبستگی مردم عراق در شهر اشرف بیانیه اعضا شده توسط ۴۵۰ هزارتن از اهالی استان دیالی به اطلاع عموم رسید، آقای مسعود رجوی در پیامی که برای این کنگره فرستاد، از سوی مقاومت ایران تصریح کرد: «صورت مسئله، تقابل و جنگ دو ائتلاف

عمده در خاک عراق در این وضعیت به خصوص است: ائتلافی ملیان حاکم بر ایران در برابر ائتلافی عراقی. ائتلافی رژیم فاشیستی ولایت فقیه با همه شبکه‌ها و میزوران و پشتیبانانش در برابر ائتلافی ضدفاشیست عراقی با همه جریانها و گروهها و احزاب و شخصیتهای دموکراتیک و میهن‌پرست و حامیان آنها در عرصه عربی و بین‌المللی». آن چه طی یکسال گذشته در عراق روی داد، در خطوط کلی تقابل همین دو راه‌حل بوده است. مداخله آشوبگرانه رژیم در عراق، که با هدف تحمیل ائتلافی مطلوبش صورت می‌گیرد، با ایستادگی نیروهای مختلف ملی و دموکراتیک عراق و اوجگیری مخالفت مردم عراق تا کنون به نتیجه نرسیده است و در مقابل، بعضی مقامهای دولتی عراق که در گذشته نسبت به مداخله رژیم ساکت بودند یا نوعی تأیید می‌کردند، طی سال گذشته به تدریج در مورد این حرکت‌های اخلاک‌گراانه موضع گرفتند. سفر احمدی نژاد به عراق با موجی از نفرت، انزجار و تظاهرات مردم و موضع‌گیریهای نیروهای مختلف عراقی همراه شد. وی به رغم سنت دیرینه در سفرهای رسمی، حتی نتوانست به کربلا و نجف برود. شکست سفر احمدی نژاد که با موجی از تظاهرات اعتراضی مردم عراق روبه‌رو شد، نشان دهنده رشد آگاهی مردم نوجده عراق، به خصوص شیعیان این کشور، نسبت به سیاستهای توسعه طلبانه رژیم ولایت فقیه است. چندی بعد، وقتی افتضاح شکست سفرش به عراق بالا گرفت، وی برای پنهان کردن آن به یک داستان بی سر و ته مبنی بر طرح تورش متوسل شد که با تمسخر عمومی روبرو گردید. در جریان سفر احمدی نژاد به عراق مردم با شعار «خلع ید از رژیم ولایت فقیه در عراق» از وی استقبال کردند که خیلی زود به شعار مردم عراق تبدیل شد و در جبهه نیروهای طرفدار ولایت خامنه‌ای هم اشباع و گسست ایجاد کرد. از همین رو نیز، در سفر نخست وزیر عراق به تهران، بر خلاف انتظار رژیم ایران، عاملی برای فاصله‌گیری بیشتر او از این رژیم شد و متعاقب آن موجی از دشنام در رسانه‌های حکومتی ایران علیه نخست‌وزیر عراق برخاست. نامگذاری سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس در لیستهای تروریستی و توسعه دهندگان اسلحه‌کشتار جمعی در آمریکا، تحول مهمی در ارتباط با مداخله جویی رژیم در عراق بود.

۱۱- در یک سال گذشته رژیم ولایت فقیه از هیچ فرصتی برای توطئه‌چینی و ضربه زدن به شهر اشرف فروگذار نکرد، اما این توطئه‌ها به خاطر حمایت فزاینده توده‌های مردم عراق، به ویژه اهالی شریف استان دیالی و همسایگان اشرف و نیروهای دموکراتیک و میهن‌پرست عراقی، در صحنه‌های مختلف سیاسی، از جمله در جلسات رسمی پارلمان عراق، خنثی شد. بیانیه ۳ میلیون شیعه عراقی

و تضمین حفاظت و امنیت ساکنان اشرف تأکید می‌کنند. شورای ملی مقاومت با درود به مردم شریف عراق و با تجلیل از پایداری حماسی مجاهدان اشرف در برابر فشارها و جنایات ضد انسانی آخوندها (ربودن دو مجاهد خلق در بغداد، کشتار کارگران عراقی و ترور بیش از ۵۰ تن از یاوران عراقی اشرف، قطع ارزاق و سوخت و دارو، انفجار لوله‌های آب، منفر کردن ایستگاه پمپاژ آب، وحملات موشکی)، بر ضرورت اتخاذ تدابیر جدی از سوی شورای امنیت ملل متحد و مجازات بین‌المللی حکومت آخوندی تأکید می‌کند. شورای ملی مقاومت ایران باردیگر «گرمترین دروهای خود را به مردم و نیروهای دموکراتیک عراقی تقدیم می‌کند و روشن‌بینی استراتژیکی و کارزار ترقیخواهانه و میهنی و انسانی مردم کشور همسایه را در مقابله با خطر بنیادگرایی و برای دفاع از دموکراسی و ثبات و استقلال مهنشان می‌ستاید» (بیانیه شورا مرداد ۱۳۸۴).

## ه: جنبشهای اجتماعی و حرکت‌های

## اعتراضی

۱۲- در یک سال گذشته با وجود تشدید اختناق و سرکوب و اعمال سیاستهای انقباضی، کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان و سایر قشرهای محروم و ستمدیده مردم ایران، با قیامها و حرکت‌های اعتراضی گسترده، خشم و نفرت خود را از استبداد مذهبی حاکم بر ایران ابراز داشتند. -حکومت آخوندی برای ارباب جامعه و خاموش کردن صدای اعتراض مردم، از حربه اعدام به طور گسترده استفاده کرد. روز ۶ مرداد همزمان با بیستمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی ۲۹ زندانی، شامل برخی از دستگیرشدگان قیام علیه جیره بندی یزین، در زندان اوین به طور جمعی حلق اویز شدند. داستان رژیم (سعید مرتضوی) این اعدامها را «جلوه‌ی دیگر از صلابت و عزم راسخ قوه قضائیه» توصیف کرد و از ادامه اعدامها خبر داد. دبیرخانه شورا موج اعدامها، به ویژه اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال، را پیوسته افشا نمود و جامعه بین‌المللی را به محکوم کردن آنها فراخواند.

- به رغم اعدامها و تدابیر سرکوبگرانه، فوران قیامها و تظاهرات اعتراضی در سراسر کشور، همچون قیام خونین مردم ایوان غرب و تظاهرات و اعتراضهای مردم استانیهای بوشهر و لرستان و کردستان، بازمی‌پیانگر اشتیاق و عطش مردم ایران برای آزادی و دموکراسی بود. شعارهای «زندگی انسانی حق مسلم ماست»، «آزادی تشکل حق ماست»، «اعتصاب اعتصاب حق ماست»، که از طرف کارگران ایران، به ویژه کارگران دلیر نیشکر هفت تپه، بیان شد؛ شعار «مرگ بر دیکتاتور» و شعار «ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا جنگیم» که در حرکت‌های اعتراضی دانشجویان و جوانان به پا خاسته کنشوران طین افکند،

بقیه در صفحه ۱۶

## بقیه از صفحه ۱۵

نشان داد که زنان و مردان ایران زمین به رغم خفقان قرون وسطایی، در برابر رژیم ارتجاعی و نامشروع ولایت فقیه دلیرانه مقاومت می کنند و در پیوند با مقاومت سازمان یافته، زمین را زیر پای ولی فقیه و مزدورانش به لرزه در می آورند. نیروهای مقاومت در داخل کشور در سال گذشته، هم با شرکت در جنبشهای اجتماعی مردم ایران و هم با فعالیتهای مستقل خود، از جمله سازمان دادن تظاهرات اعتراضی، انتشار گسترده ومیلیونی پیامهای مسئول شورای ملی مقاومت، پخش موضعگیریها، بیانیه هاو طرحهای شورا و نصب متهورانه پلاکاردها و اعلانات تبلیغاتی در اتوبانها و میدانهای شهرهای بزرگ کشور، بارها و بارها دیوار ستر و سیاه اختناق سیاه آخوندی را شکافتند و نقشی بسیار اثرگذار در ارتقای روحیه مقاومت و رزمندگی در جامعه و دامن زدن به جنبشهای مردمی ایفا کردند.

در یک سال گذشته حرکتیهای اعتراضی مردمی از لحاظ کیفیت سیاسی و مرزبندی آشکارتر با رژیم آخوندی ارتقای چشمگیر داشت و از نظر کمی نیز به بیش از ۵ هزار مورد ثبت شده، بالغ گردید. این حرکتیهای دلیرانه به مثابه پایه اجتماعی راه حل سوم و نشانه پیشرفت آن در میان مردم، بیان کننده ناتوانی رژیم در خاموش کردن آنها و گواهی ضعف بنیادین رژیم است. شورای ملی مقاومت ایران به همه زنان و مردانی که در پیکارها، خیزشهای مردمی ناپذیر شرکت داشتند، درود می فرستد. ما با شما و در کنار شما و در پیکارهای بی امان شما در هر کوی و برزن و در هر کارخانه و مدرسه و دانشگاه ایستاده ایم. شورا مقاومت زنان آزاد ایران را در برابر ستم و تبعیض و تحمیلات ارتجاعی استبداد دینی، که بارها به حرکتیهای جمعی اعتراضی تبدیل شد، می ستاید و از ایستادگی و روشنگری دانشگاهیان، فرهنگیان، نویسندگان و هنرمندان آزاده علیه دیکتاتوری و سرکوب قرون وسطایی حمایت می کند. شورا از تمامی مجامع و نهادهای بین المللی خواستار اعمال فشار بر رژیم ایران برای تن دادن به حقوق بشر و آزادی زنان و مردانی است که برای احقاق ابتدایی ترین حقوق خود به پا خاسته اند و در چنگال نیروهای سرکوبگر استبداد مذهبی با اسارت و شکنجه و اعدام مواجهند.

## و- موقعیت مقاومت و تلاشهای

## مذبوحانه رژیم

۱۳- در یک سال گذشته، مقاومت ایران با ایستادگی بر مواضع اصولیش و با تلاش همه جانبه رزمندگان و فعالان این جنبش در ایران، عراق (شهر اشرف)، اروپا و آمریکا به موفقیتهایی دست یافت که چشم انداز یک ایران آزاد و آباد را به مثابه

پرچمدار صلح و دوستی و همکاری در خاورمیانه، روشنتر نمود. یکی از شاخصهای اصالت جنبش مقاومت، که پایداری و پیشرفت آن را در دشوارترین شرایط تضمین کرده و مانند خاری در چشم دشمن فرو می رود، استقلال مالی این مقاومت است. در سال گذشته برنامه های همیاری با سیمای آزادی با استقبال ستایش انگیز هموطنان در داخل و خارج از کشور روبرو شد و به همگان نشان داد که یک نیروی مستقل می تواند با اتکا به مردم خود به پیش رود. روشنگری مستند نشریه مجاهد (شماره ۹۱۵ مورخ ۵ تیر ۱۳۸۷) در مورد بخشی از هزینه ها، مبادلات مالی و خرید تجهیزات مورد استفاده مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی در عراق، سند افتخار آفرینی برای مقاومت ایران به عنوان جنبشی مستقل و مبرا از هرگونه وابستگی و اتکای به غیر است.

مقاومت ایران از این پیشتر نیز اعلام کرده بود: «بخشی از سلاحها و تمامی خودروهای ارتش آزادیبخش را نیز مجاهدین با پرداخت قیمتشان از منابع مختلف خریداری کرده اند. بیش از یکصد و پنجاه میلیون دلار اسناد خرید خودرو و تجهیزات مختلف ارتش آزادیبخش از کشورهای غربی در این سالها موجود و قابل ارائه و انتشار می باشد.» هم چنین گفته بود که «در جریان فتح شهر مهران، در خرداد ۶۷ که خبرنگاران رسانه های بین المللی از نزدیک شاهد آن بودند، دیکتاتوری آخوندها متحمل نزدیک به ۲ میلیارد دلار خسارت گردید و ارتش آزادیبخش بیش از ۲۰۰ تانک، نفربر، توپ و تجهیزات سنگین و هزاران سلاح نیمه سنگین و سبک همراه با هزاران تن مهمات و سدها خودرو به غنیمت گرفت» (کتاب دموکراسی خیانت شده، تاریخ انتشار سال ۱۳۷۲).

در باره سنت و عملکرد مقاومت ایران در زمینه استقلال مالی و انتشار جزئیات آن برای اطلاع عموم مردم ایران، مسئول شورا تاکید کرده است: «پیوسته گفته ایم و تکرار می کنیم که به غایت استقبال می کنیم تا رو در روی مردم ایران از جوادیه تا نازی آباد و از کرانه های ارس و خزر تا خلیج فارس، درباره جزء به جزء، نکته به نکته، دینار به دینار و مو به مو هر آن چه در مبارزات چهل و دوساله انجام داده یا نداده ایم حساب پس بدهیم».

۱۴- در ۵ سال گذشته هرگاه که موضوع پرونده سازیه و توطئه های رژیم علیه مقاومت ایران در فرانسه به صحنه دادگاه و رسیدگی بیطرفانه قضایی کشیده، پیروزی و سرفرازی از آن این مقاومت شده است. روز ۱۳۰ آبان ۸۶، دادگاه پاریس، که دوتن از مجاهدین را به اتهام کمک به خودسوزیهای اعتراضی علیه حمله ۱۷ ژوئن به مقر شورای ملی مقاومت محاکمه می کرد، با صدور حکم خود اعلام کرد که این افراد از همه اتهامات منتسبه مبرا هستند. رئیس جمهور برگزیده مقاومت صدور

این حکم را پیروزی عدالت، انسانیت و مقاومت توصیف کرد و گفت: «حکم امروز دادگاه یک نقطه پایان رسمی و قانونی بر برجسپهای مطلوب فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و مقاومت مشروع مردم ایران می گذارد. این حکم، به خصوص اتهامها و دعوی رژیم آخوندی و حامیانش علیه اپوزیسیون خودش را در زمینه خودجوش نبودن اعتراضات و خودسوزیهای ژوئن ۲۰۰۳ و برجسب زدن به مقاومت مشروع یک ملت به عنوان سکت، باطل می کند. خانم رجوی گفت: پس از این حکم، هیچ پایه و مبنایی برای پرونده ۱۷ ژوئن باقی نمی ماند و هم چنان که هانری لوکلرک و ۹ حقوقدان و وکیل برجسته فرانسوی اعلام کرده اند، در فقدان هرگونه اتهام واقعی «یک تصمیم قضایی در مورد خاتمه دادن به پرونده ۱۷ ژوئن که الان دیگر به یک آزار و اذیت واقعی تبدیل شده، به وضوح اجتناب ناپذیر گردیده است و شایستگی و اعتبار دستگاه قضایی فرانسه به آن بستگی دارد».

۱۵- دادگاه جنحه پاریس در روز ۲ اسفند ۸۶ شکایت یک همدست برون مرزی رژیم به نام آئن شوالریاس را علیه سایت ایران فوکوس مردود شناخت. این شکایت مربوط به مقاله ای بود که در تیر ۸۴ درباره ارتباطات این شخص با وزارت اطلاعات و همکاری تنگاتنگ وی با مزدوران رژیم در خارج کشور، در این سایت منتشر شده بود. رژیم آخوندی با به کارگیری امکانات و عوامل ایرانی و همدستان غیر ایرانی خود بران بود تا با محکوم نمودن ایران فوکوس در این دادگاه، آن را به چماقی علیه مقاومت ایران تبدیل کند و دستاویز دروغ پردازیها و کارزار اهریمن سازی قرار دهد. اما جریان دادگاه، حقایق را برملا نمود و تلاش حکومت آخوندی برای سوء استفاده از دستگاه قضایی فرانسه را با شکست مواجه کرد. در جریان رسیدگی به این پرونده، شبکه خارج کشور اطلاعات آخوندها رسوا شد و وابستگی عوامل مربوطه به گشتاپوی رژیم، برملا گردید. یکی از وقایع عبرت انگیز این دادگاه، حضور ابوالحسن بنی صدر و شهادت دادن او در دفاع از همدست وزارت اطلاعات بود. او با وقاحتی بی مانند مجاهدین و مقاومت ایران را به سرکوب و اعمال اختناق و قتل و ارباب و تروریسم متهم کرد و گفت: «اگر کسی جرأت کند که از آنها انتقاد کند، مأمور واواک و مزدور خمینی و غیره می شود. در آلمان یکی از دوستان من به همین دلیل که من این جا برای شهادت آمده ام، شکایت کرده است. بایستی به هر قیمت از حق سخن گفتن دفاع کرد». اما وکیل ایران فوکوس، تیری لوی، حقوقدان برجسته فرانسوی، با سوالات پیاپی بنی صدر را ناگزیر کرد از بسیاری دعاوی خود عقب بنشیند. البته برخلاف ادعای بنی صدر، در کشورهای اروپایی کسی نمی تواند مانع سخن گفتن و آزادی بیان دیگری

بشود. بنابراین سؤال این بود که هدف بنی صدر از شکایت یکی از دوستانش در آلمان است چیست؟ طولی نکشید که حقیقت ماجرا همراه با اسناد و جزئیات قضایا فاش شد و معلوم گردید: «دوست بنی صدر، که از دو دهه پیش نشریه بنی صدر (انقلاب اسلامی) را به لحاظ مالی و فنی و ارتباطات اداره می کند، پاسدار پیشین، مجید کمالی دولت آبادی نام دارد. او عضو هیات مدیره و سهامدار عمده شرکت راه پرنیان در تهران و مدیر شعبه این شرکت در فرانکفورت می باشد. کمالی که از سال ۱۹۸۸ به خارج آمده، در ارتباط با کنسولگری رژیم در فرانکفورت است و به قم و تهران رفت و آمد دارد. شرکت راه پرنیان یکی از شرکتیهای است که در شهرویه ماه ۸۶ در شمار شرکتیهای پوششی وزارت اطلاعات در کنفرانس شورای ملی مقاومت ایران در برلین افشا گردید. طبق مندرجات «روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران»، سرمایه این شرکت در آذرماه ۱۳۸۳ با افزایش سهم الشرحه ۴ نفر (از جمله مجید کمالی دولت آبادی) به طور رسمی به یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون ریال افزایش یافته است. شعبه فرانکفورت این شرکت در آلمان روی سیستمهای فیلترینگ، حافظه و امنیت (Security) کامپیوتر و اینترنت کار می کند و علاوه بر سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات، به وزارت دفاع، وزارت صنایع و وزارت خارجه رژیم خدمات می دهد. آموزش فیلترینگ به ۸ تن از مأموران اعزامی وزارت اطلاعات در آلمان و تهیه تجهیزات کامپیوتری و دستگاههای فیلترینگ برای وزارت اطلاعات، به منظور سانسور سایتهای اینترنتی در داخل کشور، یک فقره از معاملات آن در سال ۸۴ است. هدف اطلاعات آخوندها از خرید دستگاههای فیلترینگ ممنعت از دستیابی مردم ایران به سایتهای اینترنتی و ممنعت از دسترسی به اخبار و اطلاعات سانسور نشده است» (نشریه مجاهد- ۴ اردیبهشت ۱۳۸۷) به این ترتیب روشن شد که «ارتزاق ننگ آلود بنی صدر و شرکا از رژیم آخوندی، آن روی سکه لعن پراکنی مستمر و شهادتهای دروین علیه مجاهدین و مقاومت ایران در دادگاه هلند در سال ۱۹۹۹، در پرونده ۱۷ ژوئن در سال ۲۰۰۳ و در دادگاه شوالریاس در سال ۲۰۰۸ است. بنابراین چماق کردن «آزادی بیان» علیه مجاهدین و جنبش مقاومت ایران چیزی جز سرپوش معاملات «فیلترینگ و سانسور» علیه ملت ایران نیست».

۱۶- تشدید روبرویی مقاومت ایران و رژیم آخوندی در سال گذشته، واکنشهای دیوانه وار رژیم را در راستای کارزار اهریمن سازی برضد مقاومت ایران در پی داشت. خصومت دیوانه وار آخوندهای درانده در قبال مجاهدان شهر اشرف، بخش ناچیزی از تشبثات رژیم در این زمینه است که موارد زیر شمه یی از آنهاست:

- در آذر ۸۶ گروهی از مأموران اطلاعات و نیروی قدس از داخل و خارج ایران برای توطئه و شکایت و لعن پراکنی علیه مجاهدان شهر اشرف به عراق فرستاده شدند و در هتل منصور بغداد تحت امر سفارت رژیم قرار گرفتند. همه صورتسپاهای هتل توسط سفارت رژیم

بقیه در صفحه ۱۷



## بقیه از صفحه ۱۶

ایران پرداخت می‌شد. مزدوران ابتدا در سمینار مضحکی تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» شرکت داده شدند که با حضور ۲۰ نفر از عوامل و جیره خواران رژیم برگزار گردید. گردهمایی و تحرکات مزدوران رژیم توجه نیروهای عراقی را هم به خود جلب کرد و تعدادی از آنان، از جمله «انجمن دانشگاہیان و روشنفکران عراقی» و «تجمع حقوقدانان مستقل عراقی»، به افشا و محکوم کردن این خیمه شب بازی مبادرت کردند.

- ارائه شکایت‌های ساختگی به دستگاه‌های قضاییه عراق علیه مجاهدان اشرف و جذب افراد قابل خریدن از میان نفرات تیف (خروجی تحت کنترل نیروهای آمریکایی) به منظور باز مصرف آنان تحت عنوان «اعضای سابق سازمان مجاهدین»، بخش دیگری از مأموریت مزدوران مزبور بود.

- در ۱۹ بهمن ۸۶ تروریست‌های وابسته به نیروی قدس، ایستگاه پیمائز آب شهر اشرف را با ۳۰۰ کیلوگرم تی ان تی متفجر کردند و آب اشرف و ۲۰ هزار تن از اهالی منطقه قطع شد.

- تشکیل انجمن‌های پوششی اطلاعات آخوندها با عنوان‌های ساختگی از قبیل خیریه یا حمایت از مهاجرین و ایرانیان یا بنیاد حمایت از خانواده، در بغداد و خالص و سعیدیه و کرکوک، محور دیگر مأموریت‌های این مزدوران بود. در بهمن ماه ۸۶ سفارت رژیم در بغداد به راه اندازی شعبه اطلاعات آخوندی در شهر خالص با پوشش یک سازمان غیردولتی مدافع حقوق بشر به نام «بنیاد خانواده سحر» در نزدیکی اشرف مبادرت کرد. قبل از آن مأموران سفارت رژیم اقدامات خود را با سرشبهه ۹ بدر و سرکردگان جوخه های مرگ هماهنگ کرده بودند.

- اطلاعات آخوندها برخی از عوامل خود را در مقری در اربیل، که پاتوق سرکنسولگری رژیم شده است، مستقر کرد و دو مأمور این وزارتخانه به نامهای امامی و اسماعیلی توجیه و به روز کردن و فرستادن عوامل مزبور را به ایران یا کشورهای اروپایی را به عهده گرفتند. برخی از آنها پس از رفتن به ایران و دریافت توجیهات در مراکز اطلاعات آخوندی دوباره به اربیل برگردانده شدند تا از این سکوی پرتاب به کشورهای اروپایی گسیل شوند. شماری از آنها متعاقباً توسط اطلاعات آخوندی به فرانسه و سایر کشورهای اروپایی منتقل گردیدند. اغلب این مزدوران در تیف نیز به عنوان عوامل یا مرتبطین با وزارت اطلاعات شناخته و از سوی بسیاری از افراد تیف بایکوت شده بودند. ۴۰ تن از این مأموران، پس از ورود غیرمجاز به فرانسه در روز ۱۷ فروردین، در کافه بی در پاریس با چند مزدور و پادوی دیگر رژیم، منجمله احسان نراقی، گرد آمدند تا در کارزار اهریمن سازی از مجاهدین و در واکنش به مأموریت

پیروزیهای بین المللی مقاومت، «نقض حقوق بشر توسط مجاهدین» و «قتل اعضای ناراضی» را افشا کنند! اطلاعات آخوندی برخی دیگر از این مأموران تازه وارد به فرانسه را در نوبتهای بعدی برای شوهای تکراری و کلیشه‌یی خود قرارداده است.

- در خردادماه سال جاری مزدور مسعود خدابنده، در چارچوب مأموریتش در یک انجمن پوششی گشتاپوی آخوندها به نام «سحر»، برای دریافت توجیهات و مأموریت‌های جدید به ایران فراخوانده شد و از جمله برای رفتن به آمریکا و لجن پراکنی علیه مقاومت ایران توجیه گردید. قرار بر این بود که این مزدور و آن سینکلتون در جلسه ای که کنگره آمریکا، که به کمک یک انجمن پوششی آخوندها با شرکت تنی چند از حامیان خارجی رژیم برگزار میشد، شرکت داده شوند. اما اعضای کنگره آمریکا، که با عملکرد لابی رژیم آخوندی در آمریکا و مأموران آن آشنا بودند، از طریق معرفی آنان به مقامات صلاحیت دار از ورود مزدوران نامبرده به آمریکا ممانعت کردند.

از این پیشتر کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران در اکتبر ۲۰۰۷، با انتشار جزوه ای بنام «جاسوسی برای ملایان، عوامل ایران در انگلستان» ماهیت و سوابق مزدوری آنها از دهه ۹۰ میلادی و همچنین دیدارهای مخفیانه خدابنده با سردرخیمان اطلاعات رژیم در سنگاپور را فاش کرده بود.

از آنجا که مأموریت‌های عوامل اطلاعات آخوندی در خارج کشور، چیزی جز جاسوسی و پخش اطلاعات دروغ و گمراه کننده به نفع رژیم و علیه پناهندگان ایرانی و فعالان مقاومت و همچنین ایفای نقش سرپل بالفعل (یا بالقوه) برای اقدامات تروریستی نیست، مقاومت ایران بار دیگر از کشورهای اروپایی می‌خواهد بر اساس مصوبهٔ اوریل ۱۹۹۷ اتحادیه اروپا، این مزدوران را از کشورهای خود اخراج نموده و به آنها اجازه ورود و اقامت ندهند.

۱۷- در یک سال گذشته، از یکسو رژیم آخوندها بیش از همیشه نشان داد که «بانکدار» و «همه‌ترین حامی تروریسم» و «منشا اصلی مشکلات منطقه» است و از سوی دیگر «راه حل سوم» ارائه شده از سوی رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، به مثابه تنها راه استقرار آزادی و حاکمیت مردم در ایران و راه واقعی برون رفت از بحرانهای منطقه، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. مقاومت ایران بارها اعلام کرده است که «مخالف هرگونه مداخلهٔ نظامی خارجی در اوضاع ایران و مخالف هرگونه الترناتیویسازای از جانب قدرتهای بزرگ است» و با شعار «نه جنگ نه مماشات، راه حل سوم: تغییر دموکراتیک به دست مردم و مقاومت ایران» بر تغییر بنیادین و سرنگونی رژیم ولایت فقیه به دست مردم و مقاومت ایران تأکید دارد. دولت‌های مماشاتگری که با زدن برچسب تروریستی به مقاومت و ایجاد راهبند

در مسیر تغییر در ایران، بزرگترین باج دهندگان به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران شده بودند. تا توانستند در برابر فعالیت‌های سیاسی و حقوقی جنبش مقاومت و حامیانش برای حذف این برچسب ظالمانه و غیرقانونی، سنگ اندازی کردند. اما به قول مسئول شورا در پیام سوم تیرماه، سرانجام «مرکز لشکر بهتان علیه مجاهدین خلق ایران فروریخت. نمایندگان مردم انگلستان در مجلس عوام و در مجلس اعیان به اجماع، ابطال برچسب تروریستی و خارج شدن سازمان مجاهدین خلق ایران از فهرست سازمانهای ممنوعه را مورد تصویب قرار دادند» و «پس از ۷ سال و سه ماه نبرد بی‌امان، باطلی تمامی مراحل قضایی و پارلمانی، تهمت تروریسم علیه سازمان پیشناز و پرافتخار جنبش رهاییبخش ملت ایران به زباله‌دان تاریخ فرو افتاد».

روند صدور احکام دادگاه‌های انگلستان و همچنین حکم دادگاه عدالت اروپا در آذر ماه ۱۳۸۵ مبنی بر ابطال برچسب تروریستی به مجاهدین خلق ایران، به جهانیان نشان داد که زدن این برچسب به مجاهدین و تلاش برای حفظ آن امری مطلقاً سیاسی و ناشی از زدو بند با حکومت آخوندی بود. اما حذف آن محصول خالص حقانیت این مقاومت و تلاش همهٔ اعضا و رزمندگان و فعالان و پشتیبانان آن و هم چنین نتیجه همبستگی صادقانه و تلاش خستگی ناپذیر حامیان اسانندوست و شریف مقاومت در عرصهٔ بین المللی است. این پیروزی، که پیروزی و سرفرازی ملت ایران و دکتر مصدق را در دادگاه لاهه تداعی میکند، اصالت و استقلال بی گفتمانی یگانه الترناتیو دموکراتیک را به اثبات رساند.

دستاوردهای مقاومت در یک سال گذشته، از قطعنامه های تصویب شده در جلسات رسمی پارلمانها تا بیانیه های اکثریت نمایندگان چند مجلس اروپایی، و از گزارش مصوب مجمع پارلمانی شورای اروپا تا قطعنامه های مصوب پارلمان اروپا در مورد نفی برچسب تروریستی و رعایت حقوق قانونی مجاهدان اشرف؛ و هم چنین استقبال از رئیس جمهور برگزیده شورا در سفرهای پربارش به کشورهای مختلف اروپا، در حالی که دست آمد که اولین خواست رژیم آخوندی از تمامی کشورها ایجاد محدودیت برای مقاومت بوده و در برابر هر فعالیت و تحرک مقاومت نیز به واکنشهای هیستریک علیه کشورها و شخصیت‌های حمایت کننده از مقاومت ایران مبادرت ورزیده است. وال استریت ژورنال (۱۹ اردیبهشت ۸۷) یک روز بعد از صدور حکم دادگاه استیناف انگلستان، نوشت: «دولت انگلستان در یک نبرد طولانی برای حفظ نام گروه مخالفان ایرانی در لیست تروریستی، شکست خورد. به گفتهٔ چندین دیپلمات که در گفتگوها با رژیم ایران حضور داشتند، مقامات رژیم ایران سالهاست که در مذاکره با دولت‌های غربی بر سر برنامه هسته‌یی خود، سرکوب مجاهدین خلق را در

صدر اولوبتهای خود قرار داده‌اند. رفع اتهام از مخالفان ایرانی می‌تواند پیامدهایی در رفتار با این گروه در نقاط دیگر و هم چنین پیامدهایی در روابط بحرانی غرب با رژیم ایران داشته باشد».

۱۸- بعد از حذف نام مجاهدین از لیست ممنوعه انگلستان، که پایهٔ نامگذاری اتحادیهٔ اروپا علیه مجاهدین بود، این اتحادیه می‌بایست بلادرنگ به حذف نام مجاهدین از لیست خود مبادرت میکرد. اما شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا در جلسه وزیران ماهیگیری این اتحادیه در روز ۲۶ تیر، در بحبوحه مذاکرات اتمی و ارائه مشوقهای اروپایی به فاشیسم مذهبی، تصمیم گرفت نام مجاهدین را در لیست خود نگذارد. یک روز بعد از این تصمیم گیری - که لکه ننگی برای دولت فرانسه در هنگام تصدی ریاست اتحادیهٔ اروپاست - اکثریت نمایندگان مجلس ملی فرانسه در جلسه بی که در محل مجلس ملی این کشور با حضور رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران تشکیل شد، حمایت خود را از راه حل سوم خانم رجوی اعلام کردند. در اطلاعیهٔ آنان آمده است: «اکثریت نمایندگان مجلس فرانسه، از راست و چپ، همچون ۳۵ تن از همکاران انگلیسی خود که به شکلی موفقیت آمیز شکایتی را برای خارج ساختن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان های تروریستی تسلیم دادگاه کرده بودند، بیانیه ای را برای تغییر دموکراتیک در ایران امضاء کرده اند». «ما معتقدیم زمان آن فرا رسیده که فرانسه، پیشنهاد بیرون آوردن سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان های تروریستی توسط اتحادیه اروپا را مطرح کند. ما در این راستا، به ویژه در چارچوب ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپا، فعالیت خواهیم کرد».

دو هفته پیش از قانون شکنی فضاخت بار شورای وزیران اتحادیه اروپا، رئیس جمهور برگزیده مقاومت در اجتماع بزرگ ۲۸ ژوئن گفت: «در هفته‌های اخیر رژیم آخوندی با شانتاژ و فریبکاری تلاش کرده است فرانسه را به حمایت از ابقای نام مجاهدین در لیست بکشاند. دستاویز این تلاش غیرقانونی، پرونده هفده ژوئن است. همه به یاد دارند که این ماجرا، یعنی یورش گسترده به دفتر شورای ملی مقاومت در سال ۲۰۰۳ حاصل توافق مستقیم دولت شیراک - ویلیپن با رژیم آخوندی بود. پرونده‌یی هم که پس از آن تشکیل شد، پرونده‌یی خالی و بی‌اساس بود که به دلیل فقدان مدارک معتبر، بر اساس لیست مجاهدین یک رسوایی بزرگ دانمگیر سیاست فرانسه می‌کند که مخالف تعهدات بین‌المللی این کشور در مبارزه علیه تروریسم و بنیادگرایی است. به خصوص که از دو روز دیگر فرانسه ریاست دوره‌یی

بقیه در صفحه ۱۸

## تشدید تبعیض جنسیتی در دانشگاهها

زینت میرهاشمی علیرغم همه فشارها و سهمیه بندی کردن رشته ها جهت محدود ساختن ورود دختران به دانشگاهها، ۶۴ درصد قبول شدگان در کنکور امسال را دختران تشکیل می دهند. محدود کردن دانشجویان دختر به تحصیل در دانشگاههای محل زندگی و رشته های موجود در آن محل، تاکتیک جدید دیگری در جهت مقابله با ورود دختران به تحصیلات عالی است. این شیوه های تبعیض گرایانه در استفاده از فرصتهای آموزشی به ضرر دختران و محکوم است.

پایوران رژیم جهت جلوگیری از بالا رفتن درصد دانشجویان دختر می گفتند که این سیر صعودی باعث بالا رفتن توقع زنان و به هم خوردن رابطه زنان با مردان در امر ازدواج می شود. زمانی دیگر سهمیه بندی برخی از رشته ها به نفع پسران را مطرح کردند و این بار «بومی کردن دانشگاهها» و پذیرش دختران دانشجو در محل زندگی خانواده آنان را مطرح می کنند. با این کار هم دختران را از وارد شدن به بعضی از رشته ها که در محل زندگی آنان وجود ندارد محروم می کنند و هم آنان را در استفاده از فرصتها و کسب تجربه های جدید در شهرهای دیگر محروم می کنند.

طرحی به مجلس رژیم داده شده که دانشجویان دختر در محل اقامت پدر و مادر یا همسر خود می توانند ادامه تحصیل دهند. این یک شکل مشخص دیگر برای جنس دوم بودن زن و زیر سیطره مرد خانواده قرار داشتن است. بسیاری از دختران برای تجربه یابی در استقلال خود کوشش می کنند که از فضای خانواده دور شوند و زندگی مستقلانه ای را سامان دهند. این طرح این فرصت را از آنها خواهد گرفت و زنان شهرستانهای کوچک را از حضور در دانشگاههای بزرگ محروم می کند.

۳۱ شهریور ۸۷

## دولت علیه دولت

پس از ماجرای مدرک جعلی کردن، وزیر کشور دولت احمدی نژاد و چار و جنجال پیرامون گفته های مشاعی، مشاور او درباره اسرائیل که همچنان از جانب بسیاری پیگیری می شود و مورد اعتراض واقع می گردد، خبر کشاکش بین وزیر کار و رئیس کل بانک مرکزی بر اینها افزوده شده است. روز گذشته محمد جهرمی، وزیر کار طی نامه ای به محمود احمدی نژاد از او خواست تا هم مظاهری و هم خود او را برکنار کند. این فرار به جلو جهرمی به دلیل شکست کامل طرحهای دولت در مجموع قابل فهم است. او که در برابر موج ورشکستگی کارخانه ها به علت واردات بی رویه آقازاده ها و وابستگان پایوران رژیم مواجه است، پاسخی برای کارگران بیکار شده که همه روزه اعتراضات صنفی برگزار می کنند، ندارد. عدم پرداخت به موقع حقوق و دستمزد کارگران شاعل و اعتراض کارگرانی که ماه هاست حقوق دریافت نکرده اند، وزیر کار را درمانده کرده است. به همین دلیل دعوی او با مظاهری، رئیس کل بانک مرکزی به علت عدم پرداخت وام بنگاه های زود بازده بیشتر به دعوی حیدری - نعمتی شبیه است تا واقعیت بر سر اجرای برنامه ای تاثیر گذار.

رئیس کل بانک مرکزی که مخالف سیاست انبساطی بعضی از اعضا کابینه است، بارها گفته که سیاست چند قفله کردن خزانه را پیش گرفته و مخالف بالا رفتن حجم نقدینگی است. هرچند بانکها با صدور چک پول با ارقامی درشت برخلاف این سیاست عمل می کنند اما مشکل جهرمی اینجاست که او قول داده بود تا با بنگاه های زود بازده مشکل بیکاری را تک رقمی کند اما طبق بررسی میدانی بانک مرکزی، حدود ۲۲ درصد وامهای دریافت شده در جاهای دیگری صرف گردیده و یا از آنها رد و اثری در دست نیست. این پولها که بیشتر به نزدیکان و آشنایان پایوران رژیم پرداخت گردیده است، هرگز به صندوق دولت باز نخواهد گشت و به احتمال جهرمی شرمنده کسانی شده است که برای این پولها کیسه دوخته بودند.

به هرحال دو وزیر کابینه بیش از اینکه از جانب دیگران مورد انتقاد قرار گیرند چنان بی پروا به یکدیگر می تازند که دست منتقدان خود را از پشت بسته اند. دعوی دو وزیر کابینه احمدی نژاد ثابت می کند که وقتی کاری سر بالا می رود، اسبها یکدیگر را گاز می گیرند.

کابینه از حل و فصل مشکلات روزمره جامعه ناتوان است و وزیران به جای جستجوی راه چاره، یکدیگر را مسبب مشکلات پیش آمده معرفی می کنند. اما مردم می دانند نه تنها وزرای کابینه بلکه، کل رژیم جمهوری اسلامی به طور ماهوی با منافع مردم در تناقض قرار دارد و به همین دلیل قادر به حل و فصل مشکلات معیشتی آنها نیست. باندهای مافیایی قدرت بیش از اینکه به فکر معاش مردم باشند به فکر پر کردن جیب خود و پدرخوانده هایشان هستند.

حل و فصل مشکل مردم با تعویض رژیم مافیایی با یک سیستم انسانی و مبتنی بر عدالت اجتماعی قابل حل است.

۲۱ شهریور ۸۷

## تمدن بزرگ اسلامی " بر دوش تحجر

لیلا جدیدی ۳۰ سال پس از برقراری حکومت جمهوری اسلامی، آقای حسین ابراهیمی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ارتجاع در میان جمعی از جوانان خراسان تاکید می کند: "ایجاد تمدن بزرگ اسلامی خواسته مقام معظم رهبری و نظام است و همه باید در تحقق آن بکوشیم."

یکی از تازه ترین رویدادهایی که کوشش در تحقق این "تمدن" را نشان داده است، شلاق زدن ۵۰ "روزه خوار" در شهر تبریز است. پیش از این نیز شاهد جلوه های دیگر آن در تجاوز به دختران پیش از اعدام، سنگسار، ضرب و شتم مردم در کوچه و خیابان به خاطر عدم رعایت مقررات اسلامی، اجبار به خواندن نماز در ادارات و هزاران تهدید و مجازات دیگر به پنهان سرپیچی مردم از تن دادن به تحجر جمهوری اسلامی بوده ایم.

با این وجود، آقای ابراهیمی از دروازه های تمدن کذایی در کشور هم فراتر رفته و اشاره می کند به اینکه جمهوری اسلامی شاهد نفوذ انقلاب اسلامی در "سطح جهان" است و از لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان که "مقاومت و حکومت" آنها بر اساس انقلاب اسلامی بنا شده است، یاد می کند.

در کشورهای نامبرده که به سختی می توان آنها را "سطح جهان" ارزیابی کرد، جمهوری اسلامی با صرف هزینه های هنگفتی از پول نفت مردم ایران و پروار کردن بنیادگرایان اسلامی و دسته جات آدمکش، به ایجاد آشوب و رواج کشتار فرقه ای پرداخته که نتیجه آن با نوع خاصی از بربریت و نه "تمدن" مطابقت دارد.

در لبنان با حمایت کامل مالی و لجستیکی از حزب الله، دولتی ائتلافی تشکیل شده که در آن این جریان دست نشانده محدود گردیده و کرسیهای کمتری را نیز در مجلس این کشور در اختیار دارد. در فلسطین هیچگونه صلحی صورت نگرفته و به گفته محمد دحلان، عضو مجلس شورای ملی فلسطین، "حماس به گروگانی در دست جمهوری اسلامی" تبدیل شده است. از سوی دیگر، افغانستان و عراق نیز تا آینده نزدیک تحت کنترل آمریکا خواهند ماند و دست جمهوری اسلامی در یکسال اخیر به تدریج در حال بریده شدن از این مناطق نفوذ است.

روشن است که در مسلک "نظام"، باج دادن، تازیانه به کمر بستن و فراتر از آن، تجهیز به سلاح هسته ای برای زورگیری بیشتر، "تمدن" نامیده می شود. به این تحجر افسار بریده باید بند زده شد و همراه همه ادعاهایش به موزه دوران غارنشینی بازگردانده شود.

## بیانیه ....

بقیه از صفحه ۱۷

اتحادیه اروپا را برعهده می گیرد. هشدار می دهد که سرخم کردن در مقابل خواسته رژیم، بزرگترین خیانت به قوانین جمهوری فرانسه و قوانین اتحادیه اروپاست و علاوه بر این آیت الله های ضد اسلام تهران هم جری تر می شوند. در همین جا شورای وزیران اتحادیه اروپا را فرا می خوانم از الزام قانونی مصوبه هر دو مجلس انگلستان پیروی کند و نام مجاهدین را از لیست خود حذف کند. دولتی که خواهان درج نام مجاهدین بود، حالا به حکم دادگاهها و پارلمان کشور خودش کنار کشیده است. شورای وزیران دیگر هیچ دستاویزی برای ادامه این نام گذاری ندارد. این نام گذاری را خاتمه بدهید آری، نیروی عدالت و وجدان شما را وادار می کند که از این نام گذاری ظالمانه دست بردارید.

شورای ملی مقاومت در تمامی هشدارها و تلاشهای خود، پیام روشنی به همه طرفهای خارجی داده است. ما گفته ایم و می گوئیم که «قدرتهای بزرگ اگر بخواهند در مبارزه سرنوشت ساز بین مردم ایران با رژیم حاکم، دست کم بی طرف باشند، باید به همه حمایتها و امدادسانیهایی خود به رژیم تروریستی حاکم بر ایران - که برچسب تروریستی علیه مقاومت مشروع مردم ایران مهمترین آنهاست - خاتمه دهند. علاوه بر این، تحریم سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، تکنولوژیک، و نیز تحریم نفتی (مگر در مواردی که به خرید غذا و دارو اختصاص دارد) و هم چنین مشروط کردن مبادلات تجاری به مراعات حقوق بشر در ایران، لازمه فاصله گرفتن از رژیم حاکم بر ایران است» (بیانیه شورا مرداد ۱۳۸۵).

این خواستههای مقاومت ایران در یک سال گذشته نیز در سلسله بی از تظاهرات و گردهماییهای هموطنانمان در خارج کشور مورد تاکید و حمایت قرار گرفت. آخرین و بزرگترین گردهمایی در ۸ تیر امسال در حومه پاریس برگزار شد. اغلب مفسران و ناظران و رسانه های که خبرها و گزارشهای این گردهمایی را در کشورهای مختلف جهان منعکس و منتشر کردند، این اجتماع عظیم را گواه پایگاه مردمی مقاومت و خواستههایش و صدای ملت ایران توصیف نمودند. هموطنانمان در این گردهمایی در صفارهایی چون «آزادی، آزادی، فریاد هریرانی» و «حکومت آخوندی سرنگون سرنگون» خواست مردم ایران را برای تغییر دموکراتیک طنین افکن کردند. در این مسیر و برای تحقق همین آرمان تاریخی ملت ایران بود که شورای ملی مقاومت در آبان سال ۱۳۸۱ «طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی» را تصویب نمود. در این طرح بر همبستگی «نیروهایی جمهوری خواهی که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناحها و دسته بندیهای درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت مبارزه می کنند» تاکید شده است. بر همین اساس شورای ملی مقاومت در آغاز بیست و هشتمین سال حیات خود با آگاهی به موقعیت و شرایط پرتلاطم کنونی و روند پرشتاب تحولات و با آگاهی به وظائف سنگینی که پیش رو دارد، با مردم ایران تجدید پیمان می کند و همه زنان و مردان ایران زمین را به اتحاد و همبستگی برای پیشرفت راه حل سوم، که سرنگونی رژیم ولایت فقیه و جلوگیری از جنگی خانمانسوز است، فرامی خواند.

شورای ملی مقاومت ایران

مرداد ۱۳۸۷

## اختلاف در میان نگهبانان نظم مرتجعان

زینت میرهاشمی

حمایت ولی فقیه از دست نشانده خود نتوانست بر لرزشهای میان جناحهای وابسته به حکومت فایق آید. با نزدیک شدن نمایش انتخابات ریاست جمهوری، خامنه ای که به شکلی پاسدار احمدی نژاد را کاندیدا دوره بعدی اعلام کرد بر لوله درون لانه جناحها افزود و احمدی نژاد که او را «معجزه هزاره سوم» اعلام کرده بودند، مورد آماج مخالفت کسانی که این نسبت را به او دادند قرار گرفته است.

شهباب نیوز، از جمله پایگاههای اینترنتی وابسته به باندهای نظامی امنیتی روز ۲۰ شهریور نوشت: «جنگ خشونت آمیز» در میان کسانی که قبلا احمدی نژاد را «معجزه هزاره سوم» و هر اقدام دولت وی را «انقلاب» می خواندند به راه افتاده است. اشاره این مطلب به نوشته حسین شریعتمداری است که روز قبل از آن در کیهان از دریافت رشوه از سوی کردان در جریان قرارداد با شرکت اماراتی کرسنت پرده برداشت. کروی روز آدینه ۲۲ شهریور گزارش احمدی نژاد در رابطه با شرایط اقتصادی را به سخره گرفت و گفت این گزارش به نحوی بود که «انگار جامعه ما یک بهشت برین است.» وی می گوید: «همه ما در آن جلسه مبهوت شدیم و گفتیم جل الخالق.»

صحنه‌های حسن روحانی تضادها را بیشتر تشدید کرد. وی به طور صریح جایگاه مجمع تشخیص مصلحت را به احمدی نژاد گوشزد می کند و با اشاره به حمایت ولی فقیه از این نهاد خواهان اجزایی شدن تصمیمات این نهاد شد.

روحانی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت بر تاثیر تحریمها و قطعنامه های شورای امنیت بر نظام اعتراف کرد و گفت: «این قطعنامه های هیچ و پوچ!! برای ما گرفتاری و مشکل ایجاد کرده و نمی توانیم با جمله هیچ و پوچ از آن عبور کنیم.» کشمکش میان نگهبانان خیمه ویرانه ولایت فقیه برای نجات قایق زهوار در رفته حکومت، انعکاس نارضایتی مردم ایران در درون حاکمیت است. تلاش ولی فقیه برای مهار تضادهای درونی روز به روز بی اثر تر می شود.

۲۳ شهریور ۸۷

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۲

البته این آمار بهتر از آمار ده سال گذشته است اما در هر صورت نشان می دهد که تبعیض علیه زنان و بر اساس نژاد در بخشهای مختلف اجتماعی گسترده است.

نکته بسیار مهم این است که زنان برزیلی به طور متوسط تحصیلات بالاتری نسبت به مردان دارند و همچنین زنان سیاه پوست به طور سالانه بیشتر از مردان کار می کنند. وضعیت زنان سیاه پوست بگرنج تر است زیرا آنان درآمدی کمتر از درآمد یک سوم مردان سفید پوست دارند. سیاه پوستان بیشتر از نیمی از جمعیت کشور برزیل را به خود اختصاص داده اند اما به ندرت تعداد اندکی از آنان به شغل های بالا دست یافته اند. در میان خانواده های سیاه پوست، ۷۵ درصد دارای ماشین لباسشویی نیستند که این میزان برای سفیدپوستان ۵۰ درصد است. اگرچه با رشد اقتصادی برنامه های رفاهی دولت بیشتر شده است اما زنان نسبت به دیگران کمتر از چنین برنامه های رفاهی بهره برده اند.

### بد برای زنان و بد برای آمریکا\*

دبلیو ای تو دی

سیزده سپتامبر ۲۰۰۸

جسیکا والتی

نیویورک پست او را رویای فمینیستها نامید، رادیو ملی سوال کرد که آیا او چهره جدیدی از فمینیسم است؟ وال استریت جورنال سارا پیلین را یک فمینیست نامید. محافظه کاران تلاش می کنند در اذهان عمومی از او تصویر زنی که قادر است تغییرات واقعی به وجود آورد، ایجاد کنند و در صورت موفقیت او در اشغال پست معاونت ریاست جمهوری، این را پیروزی برای همه زنان به حساب بیاورند. محافظه کاران می گویند، ما نباید به این مساله اهمیت دهیم که خانم پیلین که از انتخاب دختر نوجوانش در ادامه بارداری با افتخار صحبت می کند اما از سوی دیگر قصد دارد این انتخاب آزاد را از زنان بگیرد. آنها می گویند، شما نگران نباشید که خانم پیلین چگونه سرمایه برای خانه های انتقالی مادران نوجوان را کاهش داد و باز هم نگران این نباشیم که قربانیان تجاوز جنسی زمانی که او شهردار واسیلا در آلاسکا بود، مجبور بودند هزینه مجموعه حمایتی بهداشتی و روانپزشکی و ... به مبلغ ۱۲۰۰ دلار را از جیب خود بپردازند. ما نباید به این مسایل اهمیت بدهیم، ما فقط باید خوشنود باشیم که یک زن نامزد معاونت ریاست جمهوری است. زیرا تنها چیزی که ما می خواهیم فقط یک زن دیگر در کاخ سفید است!

خانم فریدمن، معاون ویراستار امریکن پراسپکت نوشت: "محافظه کاران با انتخاب پیلین، باور خود مبنی بر اینکه رای دهندگان زن فقط یکی مثل خودشان را می خواهند و دیگر اهمیتی به تحقیق در رابطه با وی نمی دهند را آشکار ساختند. در واقع مک کین با به رسمیت شناختن یک زن به عنوان معاون ریاست جمهوری که یک لحظه واقعی تغییر تلقی می شود را به یک مساله تهی تبدیل کرد." مساله ای که محافظه کاران به آن توجه نمی کنند این است که کسانی که فقط به خاطر زن بودن هیلاری کلینتون حاضر بودند به او رای بدهند، دقیقا به همین دلیل حاضر نیستند به پیلین رای بدهند. شاید به همین دلیل است که محافظه کاران کارت

فمینیسم را به روی میز کشانده اند. تشکلهایی مانند "فوروم زنان مستقل" و "زنان نگران برای آمریکا" که خود را فمینیستهای واقعی می نامند، در حالی که علیه حقوق زنان برای پرداخت دستمزد برابر و یا مبارزه علیه خشونت مبارزه می کنند، از دیرباز توسط محافظه کاران بنیان گذاشته شده اند. چنین فمینیستهایی از فواید جنبش زنان استفاده می کنند در صورتی که در عمل زنان را عقب نگه می دارند و مایلند که مردسالاری پدرسالارانه را در بالا محافظت کنند.

اگر سارا پیلین موفق شود، زنان آمریکایی رنج خواهند برد. ما دوباره به بردگی مدیریتی می رویم که به چیزی به جز عقب بردن حقوق زنان فکر نمی کند. او نه تنها برای حقوق زنان بد است بلکه، برای آمریکا بدتر است. گزارشهایی مبنی بر اینکه او از یک کتابدار در شهر واسیلا در رابطه با پروسه ممنوع کردن کتابهایی که در رابطه با آمیزش جنسی آموزش می دهند، سوال کرده است، وجود دارد. این خود یک زنگ خطر است.

اگر چه محافظه کاران تلاش می کنند از او یک فمینیست بسازند اما بیایید حقیقت را فراموش نکنیم که آخرین چیزی که آمریکا نیاز دارد یک سیاستمدار نالایق است، حالا می خواهد این سیاستمدار مرد باشد یا زن.

\* *مطلب بالا فشرده ای از نظرات خانم جسیکا والتی، نویسنده و فمینیست جوان آمریکایی می باشد.*

### نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد  
بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

## هماوردی زنان و گرفتاریهای

### حکومت دینی

زینت میرهاشمی  
با وجود رفتار جنسیتی و سهمیه بندی رشته های دانشگاهی، معاون سازمان سنجش و آموزش جمهوری اسلامی روز آدینه ۱۵ شهریور اعلام کرد که: زنان ۶۴ درصد از قبول شدگان کنکور سال ۸۷ را در بر می گیرند. بر اساس داده های آماری همین منبع، این درصد از سالهای قبل پایین تر است. رویکردهای تبعیض آمیز جنسیتی در پذیرش دانشجوی دختر از جمله پایین آمدن این درصد است. هموردی زنان در همپایه کردن خود به عنوان انسانی برابر، برشی از مبارزه برای آزادی و دموکراسی و حماسه مقاومت و شورش نسلی از زنان در برابر بینادگرایی مذهبی است. شب نهدانی که به طور مرتب تلاش می کنند با خانه نشین کردن زنان، مانع سازمانیابی و کنش جمعی آنان شوند. در دروانی که زنان خود را از کنشگران و پایه های اصلی تغییر و تحولات دموکراتیک و نیز از پایه های هر توسعه ی پایدار و دموکراتیک می دانند، با اماچهای پوسیده ترین افکار ارتجاعی روبرو می شوند.

با کنکاش در جایگاه اجتماعی زنان و تلاش آنها برای دست یازی به خواستههای خود، ماهیت حکومت با اتخاذ رهیافتهای سرکوبگرانه برای همه ی اقشار زنان شفافتر می شود.

به چند نمونه از افکار پلید عوامل رژیم که کنه نگاه ارتجاعی کارگزاران ولی فقیه را در مقابل چشمان همگان فرار می دهد توجه کنید.

حائری شیرازی نماینده ولی فقیه در نماز جمعه ۱۵ شهریور ۸۷ که می گوید: «نگاه کردن به هنرپیشه و گوینده زیباروی تلویزیون، موجب ابطال روزه خواهد شد.»

الهام سخنگوی دولت پاسداران روز شنبه ۱۶ شهریور در یک کنفرانس خبری در دفاع از لایحه دولتی موسوم به «حمایت از خانواده» در دفاع از چند همسری مردان گفت که «مردها بدشان نمی آید که چند بار ازدواج کنند.» وی اضافه کرد که «امروز آقایان به ما می گویند که حقوق ما را تضعیف کرده اید»

در پایگاه اینترنتی شیعه آنلاین نوشته شده «آخرین بررسیهای انجام شده نشان داد چند همسری موجب طول عمر (مردان) می شود.»

امام جمعه مهریز در نماز جمعه روز اول شهریور گفت: «انسان آدم بی حجاب را مانند الاغ لخت و بی پالان یک بار ببیند چشمانش سیر می شود و دیگر وسوسه نمی شود.»

اینها نمونه هایی از گزاره های ارتجاعی حکومتیان و وابستگان آنان است که به طور روزمره حقوق انسانی زنان را پایمال می کنند.

۱۷ شهریور ۸۷

## گرانی کمر مردم را

### شکسته است اما دولت

### آنها شایعه می داند

جعفر پویه  
گرانی سرسام آور امان مردم را بریده است. بدتر از آن، نایاب شدن بعضی از کالاهای ضروری در سطح کشور باعث بروز مشکلاتی اساسی برای مردم شده است. بنابه گزارشات منتشره، از هنگام شروع ماه رمضان، مرغ در بعضی از شهرها به کلی نایاب شده و دولت آنها از سید غذایی مردم حذف کرده است. علت آن نیز در انحصار دولت قرار داشتن توزیع مرغ است و به دلیل عدم برنامه ریزی درست بسیاری قادر به خرید آن نیستند. در تبریز پنج روز است که مرغ در سطح شهر توزیع نشده است. محمد حسین پور جمال، رئیس اتحادیه مرغ و تخم فروشان تبریز می گوید: «سازمان تعزیرات حکومتی قیمت فروش مرغ را دو هزار و ۸۵۰ تومان اعلام کرده است اما عرضه گوشت مرغ با این قیمت، اصلا به صرفه نیست و حتی گاهی ضرر و زیان را نیز در پی دارد.»

با این حال هیچ یک از مسوولان سازمان بازرگانی و جهاد کشاورزی پاسخگوی وضع موجود نیستند. روز چهارشنبه جمعی از مرغ فروشان زنجان در پی مشکلات به وجود آمده و عدم توزیع مرغ در سطح شهر، در مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. سیدناصر موسوی، رئیس اتحادیه مرغ، تخم مرغ و ماهی فروشان زنجان در این تجمع به خبرنگاران گفت: «از ابتدای ماه رمضان، مرغ از سید غذایی زنجان حذف و در سطح شهر یافت نمی شود و از این رو ما به عنوان مرغ فروش بیکار و در حال ورشکستگی هستیم.» محمد حسین انصاری فرد، سخنگوی وزارت جهاد کشاورزی در خصوص علت عدم توزیع

## شهادت فدایی مهرداد

### رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی - سید نوزادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلالی نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمیعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - زیلا سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرا بیدشهری - مصطفی رسولی - مهرنوش ابراهیمی - منوچهر پهای پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری - علیرضا صفری - فریبا شفیعی - ابراهیم شریفی - علی حسن پور - محمد کس نرانی - غلامحسین ونداندزاد - پرویز عندلیبیان - مهدی خانزاده - خیرالله حسن وند - عبدالله یزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهسوار شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سبعت - حسن جان لنگرودی - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

شدن مایحتاج روزمره روبروست. بیکاری بیداد می کند و اکثر کارخانه ورشکست شده و کارگران آن بیکار شده اند. حقوق و دستمزد کارمندان و کارکنان مووسسات خصوصی و دولتی ثابت و در برابر موج فزاینده تورم افسار گسیخته، بخش عظیمی از آنها قادر به تامین نیازمندیهای ضروری خود نیستند. رژیم جمهوری اسلامی مسبب گرانی و ناتوان کردن مردم در تهیه معاش روزانه خود است؛ رژیمی که بخش عظیمی از درآمد ملی مردم را صرف صدور تروریزم و ترویج بنیادگرایی می کند و معاش مردم برای پایوران آن از اهمیت چندانی برخوردار نیست. ۲۲ شهریور ۸۷

مرغ تازه به واحدهای صنفا و فروشگاههای زنجیره ای برای فروش به مردم گفت: وزارت جهاد کشاورزی با توجه این که می خواهد کالای مصرفی مردم مستقیما به دستشان برسد مسیرهایی را برای توزیع انتخاب کرده است تا مصرف کننده دچار مشکل نشود چرا که با اعطای مرغ بارانه دار به واحدهای صنفا عبید نیست این مرغ به جای فروش به مصرف کننده از کارخانجات سوسیس و کالباس سر در بیورد.

به جز مرغ، نزدیک به همه کالاهای اساسی به شدت گران شده اند به صورتی که گوشت گوسفند کیلویی ده هزار تومان، برنج هر کیلو چهار هزار تومان، بسته های ۹۰۰ گرمی نخود ۱۵۰۰ تومان، لوبیا سفید و چیتی ۱۶۰۰ و ۲۳۰۰ تومان و عدس به ۱۹۰۰ تومان رسیده است. گوشت مرغ ادعایی وزارت جهاد کشاورزی که کنترل آنها به عهده دارد، هر بسته ۱۸۰۰ گرمی به قیمت ۹۸۰۰ در فروشگاه های زنجیره ای به فروش می رسد. هر عدد تخم مرغ ۱۲۰ تومان و هر لیتر شیر پاکتی به ۹۰۰ تومان رسیده است.

اما با این همه مسعود میرکاظمی، وزیر بازرگانی در جمع خبرنگاران گرانی را انکار می کند و تنها به کمبود گوشت مرغ اقرار دارد. او خبرنگاران و رسانه ها را به تحریک بازار و دامن زدن به دروغ متهم می کند. این درحالی است که قیمت نفت در بالاترین حد خود قرار دارد و کشور ثروتمندی همچون ایران که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت در جهان است، با تورم بی حساب و کتاب و نایاب